



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
جهاد دانشگاهی



توانمندسازی
حاکمیت و جامعه



جمهوری اسلامی ایران
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
معاونت رفاه اجتماعی

موانع و الزامات فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان در حوزه خیریه و رفاهی

معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

جهاد دانشگاهی

تیر ۱۴۰۰

۱۶۴



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

موانع و الزامات فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان در حوزه خیریه و رفاهی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
جهاد دانشگاهی



توانمندسازی
حاکمیت و جامعه



جمهوری اسلامی ایران
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
معاونت رفاه اجتماعی

تیر ۱۴۰۰

موانع و الزامات فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان در حوزه خیریه و رفاهی

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی
با همکاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی
به سفارش معاونت رفاه اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

پژوهشگران: خسرو قبادی - اصغر احمدی - محمدمین زندی
ناظر طرح: غلامرضا ظریفیان

تاریخ تهیه گزارش: اسفند ۱۳۹۸ - بهمن ۱۳۹۹
انتشار: تیر ۱۴۰۰

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات و پیشینه پژوهش	۵
۱-۱- کلیات پژوهش	۶
۱-۱-۱- مقدمه و بیان موضوع	۶
۱-۱-۲- پرسش‌های پژوهش	۷
۱-۱-۳- اهداف پژوهش	۷
۲-۱- پیشینه پژوهش	۸
۲-۱-۱- مقدمه	۸
۲-۱-۲- فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان در قبل از انقلاب	۸
فصل دوم: مبانی نظری و روشی پژوهش	۲۵
۱-۲- مبانی نظری پژوهش	۲۶
۲-۲- مبانی روشی پژوهش	۲۷
۲-۲-۱- مقدمه	۲۷
۲-۲-۲- چگونگی آغاز پژوهش	۲۷
۲-۲-۳- چگونگی انتخاب روش و تکنیک پژوهش	۲۷
۲-۲-۴- نحوه طراحی مصاحبه‌نامه‌ها و تعداد آن‌ها	۲۷
۲-۲-۵- نحوه انتخاب نمونه‌ها یا افراد مورد مصاحبه و همچنین دلیل انتخاب آن‌ها	۲۸
۲-۲-۶- شیوه گردآوری اطلاعات	۲۸
۲-۲-۷- توزیع جغرافیایی، سیاسی و تحصیلی مصاحبه‌شوندگان	۲۸
۲-۲-۸- روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها	۲۹
۲-۲-۹- اعتبار و روایی پژوهش	۲۹
فصل سوم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها	۳۱
۱-۳- مقدمه	۳۲
۲-۳- وضع موجود، جهت‌گیری‌ها و زمینه‌ها	۳۳
۱-۲-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش اول	۳۳
۲-۲-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش دوم	۳۴
۳-۲-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش سوم	۳۵
۳-۳- موانع و مشکلات	۳۷
۱-۳-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش چهارم	۳۷
۲-۳-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش پنجم	۳۸
۳-۳-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش ششم	۳۹

۴۱	۴-۳- کامیابی ها، پیامدها، راهکارها و چشم انداز آینده
۴۱	۳-۴-۱- تجزیه و تحلیل پاسخ های پرسش هفتم
۴۲	۳-۴-۲- تجزیه و تحلیل پاسخ های پرسش هشتم
۴۶	۳-۴-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ های پرسش نهم
۴۸	۳-۴-۴- تجزیه و تحلیل پاسخ های پرسش دهم
۴۹	فصل چهارم: بحث و نتیجه گیری
۵۰	۴-۱- مقدمه
۵۰	۴-۲- جهت گیری ها، وضع موجود و زمینه ها
۵۰	۴-۲-۱- جهت گیری فعالیت های دانشجویی
۵۲	۴-۲-۲- وضع موجود فعالیت های دانشجویی
۵۳	۴-۲-۳- زمینه های لازم برای توسعه فعالیت های اجتماعی
۵۵	۴-۳- موانع و مشکلات
۵۵	۴-۳-۱- موانع اداری و بوروکراتیک
۵۵	۴-۳-۲- موانع حاکمیتی
۵۶	۴-۳-۳- موانع کلی
۵۹	۴-۴- کامیابی ها، پیامدها، راهکارها و چشم انداز آینده
۵۹	۴-۴-۱- کامیابی ها و ناکامی ها
۶۰	۴-۴-۲- پیامدها
۶۲	۴-۴-۳- راهکارها
۶۳	۴-۴-۴- چشم انداز و دورنمای فعالیت های اجتماعی
۶۵	۴-۵- ارتباط میان مبانی نظری و یافته ها
۶۶	۴-۶- خلاصه نتایج
۶۷	۴-۷- بحث و نتیجه گیری نهایی
۶۹	۴-۸- راهکارها
۷۱	پیوست ها
۷۲	پیوست شماره ۱: مصاحبه نامه فعالان تشکل های اجتماعی
۷۳	پیوست شماره ۲: مصاحبه نامه پژوهشگران و صاحب نظران
۷۵	پیوست شماره ۳: مصاحبه نامه مسئولان و مدیران
۷۷	پیوست شماره ۴: فهرست مصاحبه شوندگان
۷۸	پیوست شماره ۵: فهرست مصاحبه ها
۷۹	منابع

فصل اول:

کلیات و پیشینه پژوهش





۱-۱- کلیات پژوهش

۱-۱-۱- مقدمه و بیان موضوع

تولید علم و معرفت مهم‌ترین کارویژه دانشگاه است. از این رو از استادان و دانشجویان انتظار می‌رود تمرکز اصلی‌شان بر فعالیت‌هایی باشد که به تحقق این کارکرد کمک کند. سایر فعالیت‌های کنشگران دانشگاهی باید به نحوی در راستای تحقق کارکرد مذکور باشد؛ اما خوب می‌دانیم که انسان موجودی چندساختی است و نمی‌تواند خود را به طور کامل به فعالیت در یک عرصه خاص محدود کند. در خصوص دانشجویان باید نیرو و انرژی جوانی و آرمان‌گرایی آن‌ها را هم به چندساختی بودن انسان افزود تا شاهد جنب و جوش و شور و حرارت دانشجویان باشیم.

دانشجو به حکم آرمان‌گرا بودنش نمی‌تواند مدافع وضع موجود باشد. او برای تحقق یک چشم‌انداز آرمانی تا آنجا که می‌تواند وضع موجود را به چالش می‌کشد و برای رسیدن به یک آینده بهتر تلاش می‌کند. در کشوری مانند ایران که آثار حوزه سیاست در همه جا دیده می‌شود و مسئول تمام خوشبختی‌ها و بدبختی‌ها شمرده می‌شود، درگیری دانشجویان با عرصه سیاست امری محتمل و ضروری به نظر می‌رسد و همین امر سبب روی آوردن دانشجویان به فعالیت‌ها و تشکل‌هایی می‌شود که سیاست را مورد هدف قرار می‌دهند.

اما تجربه فعالیت‌های دانشجویی به‌ویژه در ۴۰ سال اخیر نشان داده است که درگیری و به اصطلاح سرشاخ شدن حاکمیت^۱ با دانشجویانی که فعالیت سیاسی را محور اصلی فعالیت خود قرار داده‌اند امری اجتناب‌ناپذیر است و اگر خوب مدیریت شود، می‌تواند برای هر دو طرف منفعی داشته باشد. خرده نظام سیاست، کار راهبری و هدف‌گذاری را بر عهده دارد و دانشجویان هم منتقد برخی از راه و روش‌ها هستند. در چنین وضعیتی عدم توافق بر وفاق می‌چربد. وقتی که چالش درمی‌گیرد، پیروزی نهایی از آن طرفی است که بر منابع کنترل بیشتری دارد؛ دولت و حاکمیت به دلیل در اختیار داشتن منابع بیشتر تا حدی توانسته‌اند برنده این چالش باشند. رخدادهای سال ۱۳۷۸ به این سو حاکی از به انزوا رفتن دانشجویان و فعالیت‌های سیاسی دانشجویان و سرخوردگی عمومی آن‌هاست. مهاجرت تعداد زیادی از رهبران تشکل‌های دانشجویی و محاکمه و زندانی شدن برخی دیگر از آن‌ها هر دو طرف را به این نتیجه رسانده که باید چاره دیگری اندیشیده شود.

دانشگاه‌ها سه نسل آموزشی، پژوهشی و کاربردی را پشت سر گذاشته‌اند و اینک از نسلی از دانشگاه صحبت می‌شود که قرار است مسئولیت اجتماعی داشته باشد و در قبال جامعه پیرامون خود ایفای مسئولیت کند. ضرورت این امر ریشه در ناکارآمدی رویکردهای قبلی یا اشباع شدن جامعه از نتایج آن رویکردهاست. رویکرد آموزشی و پژوهشی نهایتاً منجر به تربیت خیل عظیم فارغ‌التحصیلان شد. ناتوانی خروجی‌های دو رویکرد نخست برای یافتن شغلی متناسب با آموزش‌ها و پژوهش‌هایی که در دانشگاه آموخته بودند، دانشگاه را به سمت کاربردی کردن آموزش و پژوهش کشاند، اما همین هم کافی نبود زیرا گویی میان دانشگاه و محیط پیرامون آن دیواری نامرئی ترسیم شده بود و امکان دریافت نیازهای واقعی جامعه و برطرف کردن آن‌ها وجود نداشت.

حال نوبت دانشگاه اجتماعی است. هدف دانشگاه به مثابه یک نهاد اجتماعی، آموزش، پژوهش، به‌کارگیری دانش و توسعه فعالانه اقتصادی-اجتماعی و نقش آن، خلق اهداف راهبردی و ایفای نقش موتور محرک در جامعه و اقتصاد محلی است (ایسنا^۲، ۲۵ بهمن ۱۳۹۸).

کشور ایران با بیش از ۴ میلیون دانشجو با انبوهی از مشکلات اجتماعی روبه‌روست. استفاده از این ظرفیت برای حل بخشی از این مشکلات، می‌تواند موجب پدید آمدن رویکرد جدیدی در فعالیت‌های دانشجویی شود. اگرچه حرکت در این مسیر مدت‌هاست در کنار فعالیت‌های سیاسی دانشجویان آغاز شده است اما به نظر می‌رسد نه تنها کافی نبوده بلکه تاکنون مبتنی بر یک رویکرد علمی هم نبوده است.

۱ - منظور از حاکمیت همان چیزی است که در افواه عمومی تحت عنوان نظام، از آن یاد می‌شود.

2 - <https://www.isna.ir/news/98112518218/>

برگرفته از مطلبی با عنوان: «بررسی انتقادی ایده دانشگاه نسل چهارم/ قطار نسل‌های جدید دانشگاه‌ها در ادبیات ما توجیه کافی ندارد»، ۲۵ بهمن ۱۳۹۸.



همان طور که گفته شد دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه عموماً جذب فعالیت در تشکل‌های سیاسی-دانشجویی می‌شوند. فعالیت در تشکل‌های سیاسی هم جذاب است و هم موانع اداری کمتری دارد. در اغلب موارد، برای دریافت مجوز فعالیت، طرف حساب تشکل‌ها، دانشگاه است و مجوزها به آسانی دریافت می‌شوند. نزدیکی محل تحصیل با سازمان صادرکننده مجوز و محل فعالیت، بر جذابیت فعالیت‌های سیاسی می‌افزاید؛ اما دانشجویان برای فعالیت در عرصه‌های اجتماعی اولاً باید از سازمانی غیر از دانشگاه (برحسب مورد، وزارت کشور، سازمان بهزیستی، سازمان محیط زیست و...) مجوز بگیرند، ثانیاً در عرصه‌ای غیر از دانشگاه (روستا، شهر یا محله) به فعالیت بپردازند و با گروهی غیر از دانشجویان (کودکان، زنان آسیب دیده، معتادان، نیازمندان اقتصادی) سروکار داشته باشند.

بنابراین برای فعالیت اجتماعی هم بوروکراسی اداری مفصل‌تر و هم انجام فعالیت دشوارتر می‌شود؛ در عرصه فعالیت اجتماعی، کار دانشجو صرفاً تجمع یا حضور فیزیکی در یک مراسم یا صدور و توزیع اعلامیه نیست بلکه باید با صرف زمان و انرژی بیشتر در مکانی خارج از دانشگاه به صرف هزینه‌های مادی بپردازد، سازمان تشکیل دهد، برنامه ریزی دقیق و طولانی مدت داشته باشد، عضوگیری کند، اعانه و کمک مالی جمع‌آوری کند و برای حل مشکلات گروه‌های هدف، اقدام عملی انجام دهد. تازه وقتی از تمام این موانع عبور کند باید مواظب و مراقب بازتاب‌های امنیتی فعالیت خود باشد و دفاع از حقوق مادی و معنوی گروه‌های هدف، تبلیغ علیه نظام تلقی نشود. همان طور که پیش‌تر گفته شد، گرایش عموم دانشجویان از ابتدای شکل‌گیری دانشگاه و فعالیت‌های دانشجویی، به سمت فعالیت‌های سیاسی بوده است. نزدیک به دو دهه است که به دلایل گوناگون، دیگر شاهد آن شوروشوق گذشته دانشجویان برای فعالیت در عرصه‌های سیاسی نیستیم و حتی سرخوردگی و ناامیدی آن‌ها به حدی افزایش یافته است که انگیزه کافی برای فعالیت‌های اجتماعی ندارند و کشمکش گروه‌های دانشجویی و حاکمیت به یک بازی باخت-باخت منتهی شده است، اما نمی‌توان نیروی عظیم دانشجویی را نادیده گرفت و لازم است ضمن ریشه‌یابی و واکاوی وضعیت موجود، راهی برای برون‌رفت از آن پیدا کرد و بنابراین راه‌های علمی، مأموریتی جدید برای دانشجویان در نظر گرفت که هم رضایت آن‌ها را در پی داشته باشد و هم تا حد زیادی نگرانی‌های حاکمیت را برطرف کند.

با عنایت به مطالب بالا، این پژوهش در نظر دارد به این سؤال کلیدی پاسخ دهد که:

چگونه می‌توان از پتانسیل و نیروی عظیم دانشجویی در راستای رفع فقر و محرومیت و برقراری عدالت اجتماعی استفاده کرد و به عبارت دیگر به بازآفرینی نقش دانشجویان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی دست زد؟

۱-۱-۲- پرسش‌های پژوهش

- زمینه‌های لازم برای گرایش دانشجویان به فعالیت اجتماعی کدام‌اند؟
- موانع رشد و توسعه فعالیت اجتماعی دانشجویان کدام‌اند؟
- راهکارهای بهبود و پیشرفت فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان از نظر فعالان این حوزه کدام‌اند؟

۱-۱-۳- اهداف پژوهش:

هدف از این پژوهش پاسخگویی به پرسش‌های بالاست که به شرح زیر است:

- شناخت زمینه‌های گرایش دانشجویان به فعالیت‌های اجتماعی
- شناسایی موانع گسترش فعالیت‌های اجتماعی
- شناسایی راهکارهای بهبود و گسترش فعالیت‌های اجتماعی

هدف نهایی پژوهش این است تا با روشن شدن ابعاد موضوع، زمینه‌های جلب مشارکت دانشجویان در انجام فعالیت‌های عام‌المنفعه، خیریه، مشارکتی و عدالت‌خواهانه فراهم شود. بدیهی است با تحقق چنین هدفی، ضرورت عمل دانشگاه به مسئولیت اجتماعی خود و نیز آشنایی دانشگاهیان با مشکلات مردم و حضور در متن جامعه به عنوان ابزاری برای تحکیم روابط اجتماعی اعضای جامعه نیز محقق خواهد شد، رابطه دانشگاه و جامعه هم بهبود خواهد یافت و گامی مؤثر در کاربرد علوم انسانی نیز صورت خواهد گرفت.



۱-۲- پیشینه پژوهش

۱-۲-۱- مقدمه

زمانی که نام فعالیت دانشجویی به میان می‌آید، ارتباط با جامعه در همه شئونش جزء جدایی‌ناپذیر آن شناخته می‌شود؛ فعالیت‌های در برهه‌های قبل و بعد از انقلاب بسته به بستر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، اشکال و رویکردهای متفاوتی داشته است. به همین دلیل، نمی‌توان روندی یکسان در هر یک از دوره‌های زمانی برای فعالیت‌های دانشجویی در نظر گرفت. اولین زمینه‌های فعالیت دانشجویی به صورت جمعی و در محیط دانشگاه را می‌توان به ابتدای تأسیس دانشگاه نسبت داد. هرچند که در ابتدا این فعالیت، بروز و ظهور زیادی نداشت و به دلیل فضای سرکوب، سریعاً با واکنش سخت مواجه شد. به گفتهٔ یراوند آبراهامیان، استاد علوم سیاسی: «در دوران رضاشاه هیچ‌گونه حرکت اعتراضی از سوی دانشجویان، به جز در یک مورد که مربوط به امور صنفی (آن هم در دانشگاه تهران) بود، دیده نمی‌شود. در سال ۱۳۱۶ نیز، دانشجویان دانشکده حقوق، در اعتراض به هزینه‌های بیهوده و گزاف برای آماده ساختن دانشگاه جهت بازدید ولیعهد، در کلاس‌ها حاضر نشدند. رهبر گروه، دانشجوی بیست و شش ساله حقوق و دارای درجه ستوان دومی، به طور پنهانی اعدام شد» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

نکته مهم این فعالیت‌ها، توجه به مسئله صنفی و نه سیاست صرف به عنوان نقطه شروع بود؛ یعنی نقطه‌ای که سیاست، اجتماع دانشجویان را در خود درگیر می‌کرد و به همین دلیل می‌توان تلاقی سیاست و اجتماع را در درون فعالیت‌های دانشجویی نیز مشاهده کرد. با این توضیح کوتاه فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان را در دو مقطع قبل و بعد از انقلاب اسلامی به طور خلاصه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲-۲- فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان در قبل از انقلاب

پیش از انقلاب اسلامی، دانشگاه مأمون و محل فعالیت گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی بود و در تمامی ادوار پیش از انقلاب می‌توان حضور سه گروه دانشجویان ملی و مذهبی و چپ (مارکسیست) را مشاهده کرد و هر یک از این گروه‌ها در هر یک از دوره‌های زمانی، توانسته‌اند فعالیت‌هایی به صورت مجزا و یا با یکدیگر انجام دهند. هرچند که این گروه‌ها هر کدام در دوره‌ای قدرت غالب دانشگاه را در اختیار داشته‌اند.

اعتراضات دانشجویی در زمان‌های مختلف شکلی متفاوت داشته است؛ اما نخستین تحرکات دانشجویی را می‌توان در اوایل تأسیس دانشگاه به صورت مدرن در ایران مشاهده کرد. ضیا ظریفی، پژوهشگر مسائل اجتماعی ایران می‌گوید فعالیت‌ها به صورت کمیته‌های دانشجویی بوده است. به گفتهٔ وی: «در زمان رضاشاه، اعتراضات مختلفی برگزار شد که می‌توان به دو اعتصاب در مدرسه صنعتی آلمان در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ و اعتراضات به کیفیت غذا در همین سال‌ها اشاره کرد. اعتراضات در این سال‌ها بیشتر خصلت صنفی داشت و کمتر خصلت سیاسی پیدا می‌کرد. انور خامه‌ای معتقد است تمام فعالیت‌های دانشجویی من جمله اعتصاب‌هایی که در دانشکده فنی و دانش‌سرای عالی انجام گرفت در کمیته‌ای با عضویت تقی مکی‌نژاد، عبدالصمد کامبخش و خود او تصمیم‌گیری می‌شد و این هسته در حقیقت (کمیته مرکزی سازمان جوانان و دانشجویان) بوده است». دکتر نصرالله جهانشاهلو دربارهٔ تشکیلات مخفی که هسته اولیه مبارزات دانشجویی را تشکیل می‌داد می‌نویسد: «چند تن از دانشجویان خوش فکر که خوانندگان ماهنامه دنیا بودند، چون آقایان محمدرضا قدوه دانشجوی دانش‌سرای عالی و محمود نواییو تقی مکی‌نژاد دانشجوی دانشکده فنی و مجتبی سجادی دانشجوی دانشکده پزشکی به ما پیوستند که یکجا نخستین سازمان دانشجویی را پدید آوردیم، این سازمان هر هفته در خانه ما گرد می‌آمد. در این زمان چند ماهی بود که دانشکده فنی بنیان‌گذاری شده بود. دانشجویان هنوز آزمایشگاه و استادان آزموده نداشتند از این رو ناخشنود بودند. پیداست که این ویژگی هر دانشکده نو بنیاد است. حوزه دانشجویی ما در اینجا دست به کار شد و دانشجویان را برای اعتصاب آماده کرد. این اعتصاب نزدیک یک ماه و شاید بیشتر به درازا کشید. این بزرگ‌ترین اعتصاب دانشجویی بود که حوزه دانشجویی ما می‌توانست رهبری کند. این اعتصاب را آقایان انور خامه‌ای و تقی مکی‌نژاد و محمود نوایی و عزت‌الله عتیقه‌چی سامان دادند» (ضیا



ظریفی، ۱۳۷۸: ۲۰-۱۷).

فضای دانشگاه نیز، متأثر از حزب توده و جذب نیروی این گروه در دانشگاه بود؛ یعنی بخش اعظمی از دانشگاه، دنباله‌روی حزب توده بود و به همین دلیل، اگر فعالیت اجتماعی به خصوص از جانب دانشجویان چپ صورت می‌گیرد، بیشتر به تبعیت از حزب و نه به صورت درون‌زا از درون دانشگاه است. به همین دلیل، بازه زمانی اثرگذاری دانشگاه در جامعه را می‌توان به بعد از کودتای ۲۸ مرداد نسبت داد. براین اساس، مهم‌ترین فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان در پیش از انقلاب را می‌توان در چند بازه زمانی مشاهده کرد. نقطه مشترک این حرکات، ارتباط با طبقه ضعیف جامعه و همراهی جامعه با آن‌هاست؛ یعنی در عین انضمامی بودن با زیست جمعی جامعه، در کاستن آلام افراد نیز مؤثر بودند. به همین دلیل در مقبولیت سیاسی دانشجویان در درون جامعه نیز اثر زیادی داشتند.

۱-۲-۲- سیل جوادیه و حرکت اجتماعی دانشجویان

نخستین اتفاقی که می‌توان به آن اشاره کرد، سیل جوادیه است. سیلی که مشارکت دانشجویان در آن وجهه اجتماعی بسیاری مطلوبی را برای دانشجویان به همراه آورد.

به گفته عباس عبدی، پژوهشگر علوم اجتماعی: «سیل جوادیه در اول اردیبهشت ۱۳۴۱ رخ داد. بارش و باران‌های زیادی که از چند روز پیش آغاز شده بود و از ارتفاعات کن و فرحزاد وارد نهر فیروزآبادی می‌شد، موجب سیل و بروز حادثه خسارت‌آمیز شد. تقریباً بخش اعظم مناطق جنوب غرب تهران تا جوادیه در جریان این سیل دچار آسیب دیدگی جدی شدند» (عبدی، ۱۳۹۳: ۹۸). نکته مهم این بود که این نهر راه ارتباطی میان جوادیه و شهر بود.

لطف‌الله میثمی، فعال سیاسی در مورد روایت خود از آن اتفاق می‌گوید: «در بهار سال ۴۱ (اردیبهشت‌ماه) که دکتر امینی روی کار آمده بود، باران شدیدی آمد و سیل در محله جوادیه تهران، پل‌ها و خانه‌ها را ویران کرد. پس از شنیدن خبر جاری شدن سیل در جنوب شهر تهران، بچه‌های دانشجو ناراحت و افسرده شدند. ولوله‌ای افتاد که کاری باید کرد و کمکی به آن‌ها رساند». نکته واجد اهمیت در آن زمان قدرت گرفتن جبهه ملی در دانشگاه است. به گفته میثمی: «در آن موقع، تشکیلات جبهه ملی، سراسر دانشگاه را فرا گرفته بود و از طریق همین تشکیلات، بچه‌ها با سازماندهی مخصوصی، به کمک مردم جوادیه شتافتند». شیوه فعالیت دانشجویان هم حضور میدانی بود. وی می‌گوید: «دانشجویان با پاچه‌های بالازده نهر جوادیه را لایروبی کردند. یادم است مرتضی نیل‌روشان که دانشجوی داروسازی بود، مسئول رسیدگی به زخمی‌ها بود. دسته بیل یکی از بچه‌ها به پشت سر من خورد و پشت سرم شکست. مرتضی آن را پانسمان کرد. هنوز جای آن شکستگی باقی است. ظهرها هم دست از کار می‌کشیدیم و برای خوردن ناهار، به باغی نزدیک کشتارگاه می‌رفتیم. مردم جوادیه استقبال زیادی از دانشجویان کردند. وقتی بعد از ظهرها برای نماز به خانه مردم کنار نهر می‌رفتیم، به زبان ترکی ابراز احساسات می‌کردند و می‌گفتند: «الله ساخلاس!» یعنی خدا شمارا نگه دارد. خیلی روحیه گرفته بودیم». نکته مهمی که میثمی در بیان خاطراتش به آن اشاره می‌کند این است که این کار برای اولین بار صورت گرفته بود: «اولین باری بود که دانشجویان با مردم پیوند می‌خوردند. به نظر من حرکت اجتماعی بسیار خوبی بود. مسئولان جبهه ملی هم بر عملیات لایروبی و ساختن پل، نظارت داشتند. یادم می‌آید یک روز عصر، داریوش فروهر آمد و از کنار نهر عبور کرد که حالتی شبیه بازدید رسمی از فعالیت بچه‌ها به وجود آمده بود. بچه‌های دانشکده فنی، از آنجا که محاسبات پل‌سازی را بلد بودند، ساختن پل‌های نهر را به عهده گرفتند. این کار، تجربه خوبی برای آن‌ها بود. عصرها که دست از کار می‌کشیدیم، هر ماشینی ما را سوار می‌کرد و به مقصد می‌رساند، حتی ماشین‌های اداره‌های دولتی. دولت امینی هم از این کار جلوگیری نکرد؛ درحالی‌که این جریان، از تظاهرات سیاسی مؤثرتر بود» (میثمی، ۱۳۷۹: ۵۶-۵۵). عباس عبدی نیز در کتاب جنبش دانشجویی پلی تکنیک، سهم اصلی در امداد رسانی به این منطقه در سیل مذکور را بر عهده دانشجویان این دانشگاه می‌داند. وی دلیل حضور گسترده و فعال دانشجویان را در آن واقعه این‌چنین بیان می‌کند: «یک علت آن فعال‌تر بودن نسبی آن‌ها در جنبش دانشجویی این دوره بود و علت دیگر آشنایی آنان با فعالیت‌های کارگاهی و فنی مثل جوشکاری و ... بود. به ویژه آن‌که تعداد قابل توجهی از داوطلبان را دانشجویان هنر برای عالی تشکیل می‌دادند که هر یک در موضوعی فنی تخصصی عملی داشتند» (عبدی، ۱۳۹۳: ۹۸). این فعالیت‌ها در کنش‌های سیاسی سال‌های بعد نیز بسیار اثرگذار بود. به گفته میثمی: «سال ۵۰ که به زندان اوین رفتیم، بچه‌ها



برای یکدیگر، خاطراتشان را می‌گفتند. آنجا متوجه شدم که دیگران نیز از این واقعه، به نیکی یاد می‌کنند. در حقیقت، برای بیشتر بچه‌ها اولین حرکت اجتماعی تلقی می‌شد. «علی‌رغم اینکه این کار با منافع انسان دوستانه صورت گرفته بود، بازخوردهای سیاسی بسیاری داشت که نتیجه خود را در سال‌های بعد نشان داد: «گرچه بچه‌ها، بیشتر انگیزه‌های انسانی و غیرسیاسی داشتند، ولی این حرکت، ابعاد سیاسی هم پیدا کرد» (میثمی، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۶).

عباس عبدی نیز مانند میثمی، این حرکت را در فعالیت‌های سیاسی بعد بسیار اثرگذار می‌داند. به گفته وی: «بسیاری از دانشجویان فعال در این دوره، بعدها در عرصه سیاست نقش ایفا کردند. از این افراد می‌توان به سعید محسن از دانشگاه تهران، مصطفی شجاعیان و بهزاد نبوی از پلی تکنیک اشاره کرد» (عبدی، ۱۳۹۳: ۹۸).

۱-۲-۲- زلزله بوئین‌زهر و حرکت دانشجویان

یکی از مرگبارترین و غمبارترین حوادث آن زمان، وقوع زلزله بوئین‌زهر بود. زلزله‌ای که هزاران نفر را به کام مرگ کشاند. حجم ویرانی به حدی بود که تعداد زیادی از روستاها، به کلی از بین رفتند و گروه‌های مختلف، من جمله دانشجویان، در بازسازی آن نقش ایفا کردند. به گفته عباس عبدی، پژوهشگر اجتماعی: «بعد از زلزله در فراخوانی توسط نهضت آزادی برای زلزله بوئین‌زهر، درخواست کمک صورت گرفت و وظیفه تقسیم این کمک‌ها بر عهده دانشجویان پلی تکنیک و تهران قرار گرفت. هر چند که در مسیر توزیع این کمک‌ها ژاندارم منطقه بر روی دانشجویان بسیار حساس شد و آن‌ها را در یک مورد به تهران بازگرداند» (عبدی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). لطف‌الله میثمی، مدیرمسئول مجله چشم‌انداز ایران در این باره می‌گوید: «در ابتدای نخست‌وزیری علم، در ۱۰ شهریور ۴۱، در بوئین‌زهر، زلزله عظیمی آمد که بر اثر آن، حدود ده هزار نفر از هم‌وطنان محروم، جان سپردند. به دنبال این واقعه، دانشجویان، جبهه ملی و نهضت آزادی، به کمک زلزله‌زدگان شتافتند. نهضت آزادی تصمیم گرفت که کاری انجام دهد و یکی از دهکده‌های مخروبه را آباد کند. برای این کار، روستای حسین‌آباد بوئین‌زهر را انتخاب کردند و مطالعه و طراحی اولیه را انجام دادند. دکتر شیبانی، سعید محسن و اصغر بدیع‌زادگان هم بودند. دکتر شیبانی، روحیه جالبی داشت. به کوی امیرآباد می‌آمد و در اتاق بچه‌ها را می‌زد و می‌گفت: «راه بیفتید برویم بوئین‌زهر» گاهی طرف می‌گفت که کار یا امتحان دارم. دکتر می‌گفت: «بابا امتحان را اول کن. این کار واجب است». از دانشکده‌های مختلف نیرو جمع می‌کرد و به بوئین‌زهر می‌برد. کمک به زلزله‌زدگان، حرکت بسیار خوبی بود. تصور کنید اصغر بدیع‌زادگان ته چاه بود. رشیدی و سعید محسن در بالای چاه، سطل خاک را می‌گرفتند و به این ترتیب، بچه‌ها خودشان چاه می‌کنند. اصغر که از چاه بالا آمده بود، از بس که خاک روی سرش ریخته بود، شناخته نمی‌شد» (میثمی، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۶).

عباس عبدی در مورد فعالیت دانشجویان پلی تکنیک می‌گوید که: «پس از این جریان و آرام شدن اوضاع، کوشش شد که محل خاصی برای بازسازی انتخاب و در آن فعالیت کنند. از این رو حسن حبیبی از طرف کمیته دانشگاه جبهه ملی مسئول این کار شد. از سوی دیگر کمک‌های جهانی برای زلزله‌زدگان نیز در راه بود. موسسه‌ای به نام Cosek که رئیس آن ولیعهد هلند بود تعدادی از دانشجویان کشورهای مختلف را با منابع مالی برای بازسازی به ایران فرستاد که در نهایت با دانشجویان جبهه ملی کمپ خود را در روستای دوزج مستقر کردند» (عبدی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

به گفته میثمی، این کار در بالارفتن سرمایه اجتماعی دانشجویان هم اثر بسیاری داشت. به گفته وی: «این کار، مثل ساختن نهر جوادیه، تأثیر اجتماعی خیلی زیادی داشت و بچه‌ها هم خیلی خوشحال شدند. در حسین‌آباد، بچه‌های نهضت، کلاس تشکیل داده بودند و بچه‌های روستایی را با سواد می‌کردند. بچه‌ها به این روستا که دوباره آباد شده بود، نهضت‌آباد می‌گفتند. رژیم، از حادثه زلزله، بهت‌زده شده بود و چندان به بازسازی نپرداخت. بیشتر کارها را بچه‌های نهضت آزادی و دانشجویان و مراجع تقلید، با همت شخصی، انجام دادند. آقای دکتر شیبانی، خیلی زحمت کشید. اصغر بدیع‌زادگان و سعید محسن و آقای رشیدی از دانشجویان فنی، خیلی کار کردند» (میثمی، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۶).

۱-۲-۳- توجه به بی‌سوادی

به گفته عباس عبدی، پژوهشگر در زمینه فعالیت‌های دانشجویی، فعالیت دانشجویان صرفاً به بحران‌ها محدود نمی‌شد و نسبت



به بی سوادی نیز بسیار حساس بودند. به همین دلیل در مهرماه ۱۳۴۰ در دانشگاه پلی تکنیک تظاهراتی در دفاع از ضرورت مبارزه با بی سوادی برگزار شد. در این دوره دانشجویان مکان مناسبی برای فعالیت های خود نداشتند و در کلاس های درس و منازلشان این کارها را انجام می دادند. همچنین برای افزایش دانش دانشجویان کتابخانه ای با کمک جبهه ملی و کمک مالی دکتر مصدق در منزل بهزاد نبوی شکل گرفته بود و دانشجویان عضو از این کتابخانه به عنوان منبع مطالعاتی استفاده می کردند (عبدی، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

۱-۲-۴- کمک مالی به دانشجویان بی بضاعت

یکی از فعالیت هایی که در بازه زمانی ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ در دانشگاه و توسط دانشجویان و اساتید انجام می گرفت، کمک از طریق وام های دانشجویی سازمان صنفی و انجمن فارغ التحصیلان بود؛ که این کمک نیز بیشتر برای دانشجویان سیاسی صورت می گرفت (عبدی، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

۱-۲-۵- اعتراض به گرانی بلیت اتوبوس

دیگر اتفاق مهم در پیش از انقلاب را می توان در اعتراض به سه برابر شدن قیمت بلیت اتوبوس های بین شهری در سال ۱۳۴۸ دانست. اعتراضی که در نهایت به لغو مصوبه منجر شد. در این اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه پلی تکنیک نقش پررنگی داشتند. عبدی می گوید: «این تصمیم از ابتدای بهمن ماه در پلی تکنیک و توسط سازمان صنفی دانشجویان و دانشجویان چپ و در اعتراض به دو برابر شدن قیمت بلیت اتوبوس آغاز شد. در ابتدا اعتراضات به صورت شعارنویسی و اطلاعیه های کوچک در سطح شهر آغاز شد و بنا بود که دوم اسفند این تظاهرات خیابانی شود. این مسئله به مرور زمان عمومی شد تا اینکه در دوم اسفندماه شهر ملتهب شد و حرکاتی فراتر از سوار نشدن به اتوبوس صورت گرفت و دانش آموزان نیز وارد میدان شدند. اتوبوس ها آتش زده شد و شیشه بسیاری از آن ها شکست و در درون دانشگاه نیز اعتراض صورت می گرفت. این قضیه ۱۰ تا ۱۵ روز در درون دانشگاه تداوم داشت و در نهایت با حمله گارد به دانشگاه و اخراج دانشجویان و حذف ترم (در دانشگاه های پلی تکنیک، تهران و آریامهر و دانش سرای عالی) و بازگشت قیمت ها به گذشته، قضیه فیصله پیدا کرد. در میان دانشجویان، ۱۰۰ نفر بازداشت شده و ۵۲ نفر اخراج شده و به سربازی فرستاده شدند. هرچند که رئیس دانشگاه این قول را داد که بعد از اتمام خدمت همه آن ها به دانشگاه برگرداند؛ اما ابعاد این اعتراض به حدی بود که در بیرون از دانشگاه تهران یک نفر خود را جلوی دانشگاه تهران آتش می زند و برای اولین بار دانشجویان دانشگاه صنعتی آریامهر نیز به تظاهرات دانشجویی دانشجویان پلی تکنیک و تهران می پیوندند» (عبدی، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۱۹۸).

مراد تقفی، فعال سیاسی، روایت خود از حادثه را به این شکل بیان می کند:

«آن ها گروه های ضربت دانشجویی تشکیل داده و با این عنوان به خیابان ها ریختند و این گروه های ضربت در هماهنگی با هم اتوبوس ها را متوقف کرده و در خیابان ها راه بندان ایجاد می کردند و در چند مورد اتوبوس ها را واژگون کرده و در یک جنگ وگریز با پلیس پراکنده می شدند و با ایجاد راه بندان ها مانع حرکت اتوبوس ها می شدند. این حرکت ها با سازماندهی گروه های دانش آموزی از طرف دانشجویان نیز ادامه داشت و به مدت دو روز رفت و آمد در شهر مختل شده بود و شاه از وحشت گسترش اعتراضات در حالی که برای تفریحات در مسافرت خارج به سر می برد، دستور بازگرداندن قیمت اتوبوس به همان میزان قبلی را داد و در حالی که دانشجویان زیادی در این درگیری ها بازداشت شده بودند، از ترس گسترش اعتراضات همه را آزاد کردند و مردم در این باره جشن پیروزی گرفتند» (راديو زمانه، ۱۳۹۲).

۱-۲-۶- زلزله طبس

در ۱۹ شهریور ۱۳۵۷، زلزله ای مهیب در شهر طبس رخ داد و بیش از ۱۱ هزار نفر در آنجا کشته شدند. هم زمانی این زلزله با انقلاب و حس نوع دوستی با آن، دانشجویان را بیش از گذشته به این اتفاق تلخ پیوند داد. به گفته عباس عبدی که خود در آن زمان دانشجو بود:



«آنجا عرصه‌ای برای رقابت با حکومت بود؛ که نشان دهند دولت نه قادر به کمک به مردم است و نه می‌خواهد. همچنین زمینه‌ای بود تا هرکس و هر گروهی خود را نشان دهد». یعنی در آنجا هر گروهی اعم از حکومت، چپ، مجاهد و مسلمان، به دنبال شکل‌دهی به جمعیت خود و کمک به طمس بود و نخستین اختلافات میان گروه‌های مختلف فکری در آنجا رخ داد. به همین دلیل هرکدام از گروه‌های دانشجویی به صورت مجزا خود به احداث کمپ و کمک به زلزله‌زدگان پرداخت (عبدی، ۱۳۹۳: ۲۸۱-۲۸۲).

۱-۲-۷- جمع‌بندی

در مورد فعالیت‌های قبل از انقلاب، می‌توان به چند مسئله اشاره کرد. نکتهٔ نخست که شاید بتوان آن را محور کنشگری و اثرگذاری دانشگاه دانست، واقعهٔ ۱۶ آذر ۱۳۳۲ است. دانشگاه با این کنش، وجهه‌ای نمادین برای خود شکل داد. دانشگاهی که در دههٔ ۲۰، کنش‌هایش بیشتر تبعیت از احزاب را در ذهن متبادر می‌کرد، کنشی مستقل، با هزینهٔ بسیار بالایی انجام داده بود و دیگران ذهنیت گذشته که تبعیت کامل از احزاب بیرون از دانشگاه را دارد، از میان برده بود. جامعه به همین دلیل، دانشگاه را به عنوان یکی از مرهم‌های مشکلات خود پذیرفته بود. به همین دلیل، در فضای سرکوب سیاسی، دانشجویان در کنار فعالیت سیاسی روی به فعالیت اجتماعی آوردند. این فعالیت‌ها در حوزه‌های مختلف مانند امدادسانی (کمک به آسیب‌دیدگان در سیل و زلزله)، کمک مالی مستقیم به دانشجویان کم‌بضاعت، آموزشی و فرهنگی در قالب کمک به سوادآموزی و یک حرکت اعتراضی مطالبه‌گرانه و جلودارانه در قیاس با سایر اقشار جامعه نسبت به گران شدن بلیت اتوبوس، بود. می‌توان حدس زد که مشابه این دست از فعالیت‌ها در مقیاس‌های محدودتری نیز وجود داشته‌اند که یا در منابع یادشده به آن اشاره نشده و یا نقل آن‌ها در منابعی هست که از دسترس پژوهشگران حاضر دور بوده است. دانشجویان دانشکده‌های فنی دست کم بر اساس منابع مورد استفاده در این پژوهش نقش پررنگ‌تری داشته‌اند که این پیشتازی در نوع خدمات ارائه‌شده به جامعه (نظیر پیل‌سازی و...) خود را نشان داده است. در پشت صحنه بسیاری از این حرکت‌های اجتماعی، صف‌آرایی‌های سیاسی قابل درک و ردیابی بوده است. نتیجه حضور در این فعالیت‌ها و بروز چند کنش اثرگذار، ایجاد یا گسترش سرمایهٔ اجتماعی در میان دانشجویان بود. دانشجویان تنها و تنها به نیت کاهش آلام مردم به همراهی در اجتماع روی آورده بودند، اما نتیجه‌اش سرمایه اجتماعی بود که در بحبوحهٔ انقلاب و در تظاهرات مردمی از آن استفاده کرد؛ یعنی علی‌رغم تمامی انفکاک‌هایی که بعضاً در حوزهٔ سیاست و اجتماع در نظرات مطرح می‌شود، در زمین واقعیت چنین جدایی وجود ندارد. چراکه تفکیکی در ساحت کلان سیاست و جامعه وجود ندارد و به همین دلیل، نتیجهٔ کنش‌های اجتماعی هم در لحظه و هم در آینده خود را نشان می‌دهد.

۱-۲-۳- فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان بعد از انقلاب اسلامی ایران

با وقوع انقلاب، فعالیت دانشجویی رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و همهٔ گروه‌های موجود در دانشگاه فعالیت خود را شروع کردند. شاید بتوان نخستین فعالیت اجتماعی در دانشگاه را به اسفندماه سال ۱۳۵۷ نسبت داد. هم‌زمان با تغییر رژیم، در بعضی مناطق شورش‌هایی صورت گرفته بود. عمده‌ترین مناطق سیستان، ترکمن صحرا، خوزستان و کردستان بودند. گروه مؤسس دفتر تحکیم وحدت (مشمتمل بر ۴ دانشگاه پلی‌تکنیک، آریامهر، ملی و تهران) که در سال‌های پیش از انقلاب، وظیفهٔ هماهنگی تظاهرات را به عهده داشت، در این اتفاقات نیز وارد عمل شد و دانشگاه پلی‌تکنیک به سرپرستی محسن میردامادی به استان کردستان، دانشگاه آریامهر به سرپرستی اصغرزاده به ترکمن صحرا و دانشگاه ملی به استان خوزستان و دانشگاه تهران به سیستان و بلوچستان رفتند. در سفر به این استان‌ها که در اسفندماه ۱۳۵۷ شروع شد، عمده دلیل اعتراضات از منظر دانشجویان، نبودن امکانات اولیهٔ زندگی اعم از بهداشتی و خوراکی بود. این گروه تا نوروز ۱۳۵۸ به کمک‌رسانی در این مناطق ادامه دادند و بعد از عید نوروز، برخی از نیروها به تهران برگشته و برخی دیگر در این مناطق ماندند. این گروه از دانشجویان کمی بعد زمینه‌ساز تشکیل جهاد سازندگی در ۲۷ فروردین ۱۳۵۸ شدند. این اتفاق را شاید بتوان مهم‌ترین حرکت اجتماعی دانشجویان در آن دوره دانست.

با وقوع انقلاب فرهنگی و یکدست شدن دانشگاه و وقوع جنگ ایران و عراق، دیگر کارویژه‌های دانشگاه و فعالیت دانشجویی به محاق رفت و دفتر تحکیم وحدت به عنوان تنها تشکل موجود در دانشگاه، وظیفهٔ تبلیغ جنگ و کارویژه‌های سیاست داخلی را برعهده



گرفت. با اتمام جنگ و روی کار آمدن دولت هاشمی، فضای اجتماعی و سیاسی شکلی متفاوت به خود گرفت، اما عمده درگیری‌های دانشجویان با مسائل سیاسی در دانشگاه بود. حتی مسائل فرهنگی و اجتماعی در دولت اول هاشمی در معاونت فرهنگی و دانشجویی و در دولت دوم هاشمی در معاونت حقوقی و پارلمانی و فرهنگی دنبال می‌شد. فضا به حدی سیاسی بود که در اعتراضات سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴، با واکنش زیادی از دانشجویان و دفتر تحکیم وحدت مواجه نبودیم و تمامی فعالیت‌ها مطابق با تقابل و یا عدم تقابل با دولت هاشمی و سیاست‌های جدید داخلی و خارجی جمهوری اسلامی شکل می‌گرفت.

اولین زمینه‌ها برای تفکیک فعالیت سیاسی و اجتماعی در میان دانشجویان را می‌توان به زمستان ۱۳۷۶ نسبت داد. تا پیش از این، شورای صنفی دانشجویان به‌عنوان یکی از کمیته‌ها، ذیل انجمن اسلامی تعریف می‌شد. به گفته ابوالحسن ریاضی، مدیر سابق دانشجویی وزارت علوم: «زمستان ۱۳۷۶ برای اولین بار ایده ساماندهی شوراهای صنفی معاونت دانشجویی دانشگاه تهران مطرح گردید. هم‌زمان با این پیشنهاد، ایده تشکل کانون‌های فرهنگی-هنری دانشجویان توسط اداره کل فرهنگی وزارت علوم، به‌صورت آزمایشی سازماندهی شد». به گفته وی: «سوابق موجود حاکی از وجود مطالبات فرهنگی و هنری دانشجویان در سال‌های پس از ۱۳۷۰ است. سمت‌وسوی این مطالبات، در جهت تفکیک فعالیت‌های فرهنگی و هنری از جریان‌های سیاسی بود. در این راستا طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۰، هسته‌هایی فرهنگی در برخی از دانشگاه‌ها به وجود آمدند که به‌صورت غیررسمی در حاشیه فعالیت‌های فوق برنامه ادارات خدمات دانشجویی برخی از امور هنری را سازماندهی می‌کردند. اداره کل امور فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۷۶ با بررسی موارد موفق فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها، گسترش کانون‌ها را مثبت ارزیابی نموده و پس از بررسی تجربه این مجموعه‌ها، قانونمندی کانون‌ها را در دستور کار قرار داد» (ریاضی، ۱۳۸۹: ۷۹-۸۰). با روی کار آمدن دولت خاتمی در سال ۱۳۷۷، برای اولین بار، معاونت فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌عنوان معاونتی منفک از معاونت دانشجویی در وزارتخانه ایجاد شد و «اول تیرماه ۱۳۷۷ به‌طور رسمی و طی حکمی دکتر هادی خانیکی به‌عنوان معاونت فرهنگی و اجتماعی منصوب شد» (الوندی، ۱۳۹۶: ۱۱). به گفته ریاضی فعالیت غیررسمی کانون‌ها در سال ۱۳۷۷ آغاز شد و بعد از آن پس از یک سال فعالیت غیررسمی و نظرخواهی از مدیران فرهنگی و معاونان دانشجویی دانشگاه‌ها آیین‌نامه «تشکیل کانون‌های فرهنگی و هنری دانشجویان» به‌صورت آزمایشی در اسفند ۱۳۷۸ به دانشگاه‌ها ابلاغ شد. به گفته وی: «در طی دوره آزمایشی تا سال ۱۳۸۰، حوزه‌های تنوع کانون‌ها مورد بررسی مجدد قرار گرفت. در این بازنگری کانون‌های فرهنگ و اندیشه شامل مطالعات فرهنگی، گفتگوی تمدن‌ها، ایرانگردی و جهانگردی و نیز کانون‌های اجتماعی نظیر محیط زیست، آسیب‌های اجتماعی و امداد، به حوزه‌های هفت‌گانه قبلی یعنی قرآن و عترت، ادبی، فیلم و عکس، موسیقی، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی و صنایع دستی افزوده شد. سرانجام متن بازنویسی شده در تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۴ به امضای وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه‌های سراسر کشور ابلاغ گردید» (ریاضی، ۱۳۸۹: ۸۰).

شکل‌گیری کانون‌های فرهنگی و هنری نیز در کنار تشکل‌های سیاسی و صنفی منجر به تکثیر رویکردهای مربوط به مسائل اجتماعی شد. این تکثیر، در جامعه نیز خود را نشان می‌داد. رویکرد دولت به جوانان نیز، عامل مشارکت جوانان بود.

نتیجه تکثیر تشکلی و قانونی در دانشگاه این شد که عده‌ای سیاست، عده‌ای اجتماع و مسئله عدالت و محرومیت و عده‌ای فرهنگ را معیار سنجش قرار دهند و هر گروه با عینک خاص خود، رویکردی خاص را به تمامی مسائل داشته باشند؛ و دانشگاهی که در دهه ۶۰ تنها دو تشکل دانشجویی با ضوابط حضور سخت در آن‌ها را درون خود داشت، در اواخر دهه ۷۰ و ابتدای دهه ۸۰ با تکثیر تشکلی و قانونی و عضوی مواجه شد. هرچند که این تکثیر، در فضای سیاسی با واکنش درستی مواجه نشد و بخش منتقد آن با سرکوب مواجه شد؛ اما تفاوت دهه ۸۰ با دهه ۶۰، در تغییر فضای سیاسی و اجتماعی کشور بود و به همین دلیل امکان حذف این تکثیر در جامعه وجود نداشت. بنا به گزارش سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۸۵، تأسیس سازمان ملی جوانان، دادن مجوز به سازمان‌های غیردولتی جوانان و تخصیص امکانات و تسهیلات ویژه به این نهادها، مدنی، همه در پویایی تشکل‌های جوانان اثر داشت. سازمان ملی جوانان از سال ۱۳۷۹ شروع به صدور مجوز برای سازمان‌های غیردولتی جوانان کرد و در همان سال تعداد ۱۱۹ سازمان غیردولتی جوانان مجوز فعالیت گرفتند. این آمار تا پایان سال ۱۳۸۴ به بیش از دو هزار تشکل رسید. حدود یک چهارم این تشکل‌ها برای فعالیت در حوزه‌های علمی و پژوهشی ثبت شده بود و پس از آن فعالیت‌های «هنری و ادبی» با ۱۸ درصد، فعالیت‌های «میراث فرهنگی و گردشگری» با ۱۵ درصد و فعالیت‌های



«اعتقادی-مذهبی» با نزدیک به ۱۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. در این میان فقط ۴ درصد از این تشکل‌ها علاقه‌مند به فعالیت در حوزه محیط زیست بودند و ۲ درصد در حوزه زنان فعالیت می‌کردند. البته تعداد جوانان علاقه‌مند به فعالیت در حوزه زنان و محیط زیست محدود به این ارقام نمی‌شد و بیش از ۴۰۰ گروه زیست‌محیطی که اکثریت آن‌ها را جوانان تشکیل می‌دادند از سازمان حفاظت از محیط زیست مجوز گرفته بودند و ۴۹ تشکل جوانان در مرکز امور مشارکت زنان ثبت شده بودند (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۵). در همین فضا، به دلیل برخورد سیاسی با دانشجویان در دانشگاه‌ها و بسته‌شدن انجمن‌ها و تشکل‌های منتقد، فضای فعالیت‌ها به سمت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و هنری میل پیدا کرد و فعالیت‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از کارویژه‌های دانشگاه بدل شد. این فعالیت‌ها در گروه‌های مختلف سیاسی صورت می‌گرفت و به‌عنوان یکی از فعالیت‌های کم‌هزینه و مورد حمایت مسئولین شناخته می‌شد. هرچند که در مسیر ممکن بود سنگ‌اندازی‌هایی صورت بگیرد. این تصور تا دولت اول روحانی پابرجا بود؛ اما بازداشت فعالین جمعیت امام علی و فعالین محیط زیستی این تصور را نیز خدشه‌دار کرد. (هرچند که در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ نیز به دلیل آن‌که تشکل‌های سیاسی منتقد با در بسته مواجه شدند، فعالیت به سمت کانون‌ها و تشکل‌های اجتماعی میل پیدا کرد و این تشکل‌ها با محدودیت مواجه شدند.)

فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان را می‌توان به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی کرد. بخش رسمی به فعالیت تشکلی در درون و بیرون دانشگاه روی آورد و بخش غیررسمی نیز در قالب فعالین مدنی کنش‌هایشان را انجام می‌دادند. به همین دلیل در این پژوهش هم تشکل‌های غیررسمی و هم تشکل‌های رسمی که در دهه ۸۰ و بعد از سال ۱۳۸۴ مجوز تأسیس گرفته و نقش مهمی در فضای جامعه و دانشگاه داشتند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

با توجه به اینکه طی سال‌های مورد بررسی، دانشجویان در دو حوزه عمده سیاسی و اجتماعی فعالیت دانشجویی داشته‌اند، توجه به این نکته مهم است که برخی از تشکل‌ها که کارکرد سیاسی دارند، در برهه‌هایی کارکرد اجتماعی پیدا کرده و کارکرد اجتماعی را به‌عنوان بخشی از کارویژه‌های عام خود می‌دانند. برخی دیگر نیز صرفاً به کارکرد اجتماعی پرداخته و به سیاست توجه چندانی ندارند. البته با توجه به در هم تنیدگی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نمی‌توان با قاطعیت محور مشخص و یگانه‌ای برای هیچ‌یک از تشکل‌ها و کانون‌ها پیدا کرد. با این حال ابتدا به مرور تشکل‌هایی می‌پردازیم که هم رسمی‌ترند و هم ترکیبی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را انجام می‌دهند و سپس به معرفی دسته‌ای از تشکل‌ها خواهیم پرداخت که هرچند دارای مجوزهای رسمی هستند ولی در ساختار حاکمیتی، رسمیت چندانی ندارند. در کنار ویژگی پیش‌گفته، فعالیت خود را نیز عمدتاً اجتماعی می‌دانند. از تشکل‌های گفته‌شده در ذیل، بسته به سطح دسترسی به اعضای آن و یا تمایل به مصاحبه در میان آن‌ها، مصاحبه‌هایی صورت گرفته است که در ادامه گزارش به تفصیل اسامی افراد مصاحبه‌کننده از این تشکل‌ها می‌آید.

۱-۳-۲-۱- تشکل‌های سیاسی و اجتماعی

۱-۳-۲-۱- بسیج دانشجویی

بسیج دانشجویی در ۱۳ دی ماه ۱۳۶۹ با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی تأسیس شد (رمضان پور کروجی، ۱۳۶۹: ۲). این تشکل در ابتدا، کارکردش زنده نگه داشتن یاد شهدا در دانشگاه بود؛ اما بعد از مدتی، کارکرد سیاسی نیز پیدا کرد و در دانشگاه‌ها به مدافع وضع موجود بدل شد؛ اما این تشکل، بعد از سال ۱۳۷۹ با توجه به تغییر نام جهاد سازندگی به بسیج سازندگی، روی به اردوهای جهادی آورد «در سال ۱۳۷۹ با همت و توجه رهبر انقلاب به مشعلی برای نسل‌های بعد تبدیل شد. در این سال با دستور مقام معظم رهبری تشکیلات جدید «بسیج سازندگی» برای استفاده حداکثری از توان و همیاری جوانان برای عمران و آبادانی کشور راه‌اندازی شد. در واقع بسیج سازندگی جایگزین جهاد سازندگی شد» (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۸/۰۶/۱).

از آن سال به بعد، هر ساله در مقطعی از سال، بسیج دانشجویی به‌عنوان یک سازمان دانشجویی بخشی از کارویژه خود را تأکید بر روی فعالیت‌های اجتماعی و جهاد تعریف کرده و اکنون نیز در سازمان بسیج دانشجویی کل کشور، تحت عنوان معاونت جهادی و قرارگاه‌های زیرمجموعه آن، به صورت ویژه به این امور می‌پردازند.



۲-۱-۳-۲-۱- جنبش عدالت‌خواه دانشجویی

شاید بتوان مهم‌ترین تشکل دانشجویی همسو با جناح راست که دغدغه مسائل اجتماعی دارد را جنبش عدالت‌خواه دانست. این تشکل دانشجویی، به گفته مؤسسانش خود را نه در میانه بازی‌های سیاسی بلکه در جست‌وجوی عدالت می‌یابد. شاید شکل‌گیری جنبش عدالت‌خواه و بعضاً تقابل‌های مختلف با حاکمیت، این ذهنیت را به وجود آورده است. به گزارش رجانیوز: «سرماي سال ۱۳۸۳ همه را غافلگیر کرد. از اوایل آذرماه هرروز رسانه‌ها آمار کشته‌شدگان را اعلام می‌کردند. در این شرایط هیئت دولت حمایت سریع از بی‌خانمان‌ها را تصویب کرد. بیست و دوم آذر ۱۳۸۳، جلسه هیئت دولت به ریاست سیدمحمد خاتمی و وزیر کشور گزارشی از ساماندهی متکدیان و کارتن‌خواب‌ها ارائه کرد. براساس این گزارش، سالانه ۱۰ هزار متکدی در کشور ساماندهی شده‌اند و دولت نیز تا آن زمان مبلغ ۶۲ میلیارد ریال اعتبار برای نگهداری و ساماندهی این افراد در سطح کشور پرداخت کرده است. رئیس‌جمهور پس از گزارش یادشده، ضمن اظهار تأسف از وضعیت این افراد در جامعه، وزیر رفاه و تأمین اجتماعی را مکلف کرد حداکثر ظرف ۱۰ روز با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط طرح لازم برای پوشش حمایتی این افراد را تهیه کرده و به هیئت دولت ارائه کند. هیئت دولت همچنین مقرر کرد علاوه بر اعتبارات موجود مبلغ یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال برای نگهداری متکدیان و بی‌خانمان‌ها در اختیار وزارت کشور قرار گیرد. گفته می‌شد در طی ۲۳ روز در نقاط مختلف تهران ۴۷ کارتن‌خواب که اغلب آن‌ها مجهول‌الهویه بوده‌اند، جان خود را از دست داده‌اند. در چنین شرایطی کم‌کم خروشی دانشجویی در شهر شکل گرفت. دانشجویان عدالت‌خواه که پیش‌از این مراتب اعتراض خود را از طریق نامه‌هایی به دستگاه‌های مربوطه اعلام کرده بودند، این بار تصمیم گرفتند هر شب جلوی یکی از نهادهای مسئول تحصن کنند و در همان هوای سرد به شیوه کارتن‌خواب‌ها در خیابان بخوابند» (سایت رجانیوز، ۱۳۹۶/۰۶/۱۹). این تجمع در چند شب و در جلوی کمیته امداد، شهرداری تهران، سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت صورت دادند و این تجمعات و حضور شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی در میان دانشجویان منجر به بازتاب رسانه‌ای آن شد و در نتیجه، گرمخانه‌ها به پذیرش کارتن‌خواب‌ها روی آوردند. این حرکت به نوعی زمینه‌ساز تشکیل این تشکل دانشجویی شد. این تشکل، در میان تشکل‌های دانشجویی نزدیک به جناح راست، بیشترین نزدیکی را با اعتراضات اجتماعی و مسائل اجتماعی دارد. دیگر اتفاقاتی که مورد توجه این تشکل قرار گرفته، همراهی این گروه دانشجویی با فعالان کارگری و رانندگان کامیون در اعتراضات معیشتی‌شان بوده است.

۲-۱-۳-۳-۱- شورای صنفی دانشجویان

شورای صنفی دانشجویان، به عنوان تشکلی رسمی که به دنبال بهبود وضعیت رفاهی و معیشتی دانشجویان دانشگاه است، شناخته می‌شود؛ اما به دلیل نبود مأمنی برای فعالیت دانشجویی، دانشجویان متمایل به چپ (اعم از مارکسیست و فعالین غیرمسلمان) به پایگاه بخشی از دانشجویان مخالف با تشکل‌های نزدیک به جناح چپ و راست تبدیل شده است. عمده فعالیت پراهمیت این چند سال در میان این گروه را می‌توان در همسویی با اعتراضات معیشتی دی‌ماه ۱۳۹۶ و همین‌طور کمک‌رسانی در زلزله کرمانشاه و سیل شمال کشور مشاهده کرد. هرچند که این فعالیت‌ها با برخوردهای امنیتی مواجه شد. علی‌جنادله عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی، در نشست در مؤسسه رحمان در مورد زلزله کرمانشاه می‌گوید: «در دانشگاه علامه طباطبایی، چند دانشجو فراخوانی اعلام کردند باهدف جمع‌آوری کمک برای زلزله‌زدگان. کمک‌های نقدی و غیرنقدی فراوانی به سمت این دانشجویان سرازیر شد و حتی دانشجویان سایر دانشگاه‌ها نیز به این کار ملحق شدند. بسیاری از مردم به این دانشجویان مراجعه کردند و گفتند که می‌خواهند کمک‌هایشان را به جای نهادهای دولتی به این دانشجویان بدهند. این مسئله آن قدر گسترش یافت که حتی برخی نهادهای دولتی نگران شدند که شاید این کار دانشجویان به مسیرهای متفاوتی برود و پیامدهایی داشته باشد که از سوی آن نهادها قابل‌کنترل نباشد» (مؤسسه رحمان، ۱۳۹۶/۱۱/۰۲).

این اتفاق نشان می‌دهد که فعالیت‌های دانشجویی که از سمت گروه‌های دانشجویی سیاسی غیرهمسو با جناح راست (اعم از چپ و اصلاح‌طلب و جنبش سبزی) صورت گرفته است، با برخورد امنیتی و یا ممانعت مواجه شده است. همین اتفاق منجر به دور شدن این گروه‌ها از این‌گونه فعالیت‌ها شده است.



۱-۲-۳-۱-۴- انجمن‌های اسلامی دانشجویی

سابقه تأسیس انجمن‌های اسلامی به سال ۱۳۲۰ در دانشگاه تهران بازمی‌گردد، اما این مجموعه دانشجویی در بعد از انقلاب عمدتاً با دفتر تحکیم وحدت شناخته می‌شود. دفتر تحکیم اتحادیه‌ای مشتمل بر انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های مختلف کل کشور بود که گرد یکدیگر جمع شده بودند و کارویژه عمده خود را سیاسی تعریف کرده بودند. هرچند در تأسیس نهادهایی به مانند جهاد سازندگی و جهاد دانشگاهی نقش بسیار مهمی داشتند این مجموعه بعد از انقلاب با فراز و نشیب‌های متعددی مواجه شد و در بسیاری از کنش‌های اثرگذار در کشور به مانند اشغال سفارت آمریکا و انقلاب فرهنگی نقشی بسیار اساسی داشت. با اتمام جنگ تحمیلی، فضای انجمن‌ها به سمت موضعی انتقادی نسبت به فضای اجتماعی و سیاسی رفت و به همین دلیل با برخوردهای متعددی مواجه شد؛ اما مهم‌ترین اتفاقی که در درون این مجموعه رخ داد، انشقاق سال ۱۳۸۰ و ایجاد دو طیف شیراز و علامه بود. همین انشقاق منجر به ضعف انجمن‌ها و در نتیجه فشار بیشتر بر روی آن‌ها شد.

با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد، فضا برای بخشی از انجمن‌ها که موضع انتقادی بیشتری نسبت به حاکمیت داشتند، بسته‌تر شد و به همین دلیل با بسته شدن دفاتر و یا تغییرات مشی و رویکرد و تسویه اعضای گذشته مواجه شدند. با روی کار آمدن دولت روحانی، فضا برای بازگشایی مجدد این انجمن‌ها فراهم شد و سه گروه دانشجویی منتقد بازگشایی انجمن‌ها را دنبال کردند. این انجمن‌ها بسته به خاستگاه سیاسی، مواضع متفاوتی داشتند. یکی از این گروه‌ها شورای احیای انجمن‌های اسلامی نام داشت که موضعی بسیار همدلانه با حوادث سال ۱۳۸۸ را در درون خود می‌دید. دیگر گروه دانشجویی، شورای هماهنگی دانشجویان اصلاح طلب بود که نزدیکی بسیاری به مواضع سید محمد خاتمی داشته و بیشتر خاستگاه و نزدیکی خود را با جریان اصلاح طلب می‌دید. گروه سوم نیز دانشجویان خط امام بودند که نزدیکی سیاسی خود را بیشتر به سمت سیدهای خامنه‌ای می‌دیدند.

هرکدام از این گروه‌ها بسته به توان جذب مخاطب، در دانشگاه‌ها شروع به فعالیت کردند هرچند که فشار بیش از حد بر روی این تشکل‌ها موجب این شده بود که بیش از هر چیز درگیر مسائل سیاسی و برخوردهای متعدد باشند. البته بسته به اتفاقات روز، هرکدام در منطقه جغرافیایی مورد نظر خود، روی به فعالیت‌های اجتماعی نیز آوردند. به طور مثال، انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه کرمانشاه، در زلزله کرمانشاه، در حد توان خود به کمک پرداخت؛ اما مشکل عمده انجمن‌های اسلامی، درگیری با سیاست روزمره و جنگ برای بقای خود است. این انجمن‌ها هرروزه با فشارهای متعدد از جانب نهادهای دانشگاهی و برون دانشگاهی مواجه هستند و به همین دلیل کمتر برای خود به تعریف موضعی جز سیاست می‌پردازند. هرچند که بخشی از این عدم ورود نیز به دلیل ترس از برخوردهای بیرونی با انجمن‌هاست. چراکه در بیرون از محیط دانشگاه امکان برخورد بسیار راحت با این دانشجویان وجود دارد و علاوه بر این، بخشی از این تأکید بر کارویژه اجتماعی را، بخشی از پروژه سیاست‌زدایی دانشگاه می‌دانند.

۱-۲-۳-۲- تشکل‌های اجتماعی

۱-۲-۳-۲-۱- جمعیت امداد دانشجویی امام علی (ع)

این تشکل خیریه، مهم‌ترین تشکل خیریه دانشجویی با کارویژه‌های اجتماعی در دهه ۷۰ و ۸۰ است.^۱ به گفته سایت این مجموعه: «جمعیت امداد دانشجویی-مردمی امام علی (ع) یک سازمان مردم‌نهاد، کاملاً مستقل، غیرسیاسی و غیردولتی است. جمعیت امام علی (ع) از سال ۱۳۷۸ فعالیت خود را آغاز کرده و در سال ۱۳۸۴ به صورت رسمی به ثبت رسیده است و هم‌اکنون فعالیت‌های خود را با مجوز رسمی از وزارت کشور دنبال می‌کند» (سایت امداد دانشجویی امام علی).

این تشکل خیریه که در سازمان ملل مقام مشورتی دارد، در دانشگاه‌های تهران و شریف دفتر رسمی دارد و «در سایر دانشگاه‌های تهران و شهرستان‌ها نزدیک به ۱۰,۰۰۰ عضو فعال دارد» و اولین دفتر خود را نیز در سال ۱۳۸۴ در مولوی افتتاح کرده است و نام «خانه ایرانی را بر آن نهادند تا نمادی باشد از قدمی بزرگ برای آبادانی ایران توسط دانشجویان ایرانی». این تشکل مردم‌نهاد «در حال حاضر ۳۳ خانه

۱- در این مبحث به فعالیت‌های سازمان هلال احمر اشاره نشده است زیرا اساساً فعالیت‌های این سازمان، غیر دانشجویی هستند، هرچند ممکن است در میان اعضای آن دانشجویانی هم وجود داشته باشند. تشکل‌های مورد بررسی در این پژوهش، عموماً دانشجو محور هستند.

۱-۲-۳-۴- گروه دانشجویی باران

این گروه دانشجویی از سال ۱۳۸۲ در دانشگاه صنعتی سجاد مشهد شروع به فعالیت کرده و ۱۷ سال از تأسیس آن می‌گذرد. آدرس سایت این تشکل، barang.ir بوده و کارویژه خود را در حوزه ارتباط با کودکان و نوجوانان و جوانان بدسرپرست تعریف کرده و با سازمان بهزیستی ارتباط گسترده‌ای داشته و دارای ۸ مرکز خیریه در مشهد است که عبارت است از مرکز رسالت، مرکز بزرگسالان حضرت اصغر، مهدکودک حضرت علی اصغر، خانه فرشتگان، فداییان اسلام، کرامت، امام رئوف و فکور گلستان علی (ع) است. عمده کمک‌های این کانون دانشجویی، در همکاری معنوی با سازمان بهزیستی و برگزاری جشن‌های خیریه برای این مراکز است.

۱-۲-۳-۵- مؤسسه خیریه التیام

محل تولد این مؤسسه خیریه، دانشگاه علوم پزشکی ایران است. هدف این تشکل را چهار کارویژه حمایت از بیماران نیازمند، ترویج فرهنگ نوع دوستی، آگاهی بخش عمومی در زمینه درمان و آموزش کادر درمان در زمینه اخلاق پزشکی تعریف کرده‌اند. از عمر تأسیس این تشکل، خیلی نمی‌گذرد و به سال ۱۳۹۳ برمی‌گردد، اما با این عمر کوتاه به عنوان برترین خیریه دانشجویی وزارت بهداشت انتخاب شده است. این مجموعه دانشجویی، در زلزله کرمانشاه، وظیفه بازسازی یک خانه بهداشت را به عهده گرفت و بعد از بازسازی، توسط وزیر بهداشت افتتاح گردید. آدرس سایت این مجموعه eltiam-charity.ir بوده و در این سایت جهت امور خیریه، به فروش اقلام متعدد نیز می‌پردازد.

۱-۲-۳-۶- کانون یاریگران دانشگاه صنعتی شریف

این کانون در سال ۱۳۷۶ در دانشگاه شریف تأسیس شد، اما به نوشته سایت^۱ این مجموعه، یک سال بعد از سوی معاونت فرهنگی دانشگاه به رسمیت شناخته شد. این مجموعه، با توجه به اهمیت آموزش، خط مشی خود را بر اساس آموزش و تحصیل استوار کرده و هدف خود را آموزش به کودکان و اقشار آسیب پذیر بیان کرده است و به همین دلیل با مراکز فعال در زمینه کودک همکاری می‌کند. داوطلبان این کانون در حال حاضر در سه مرکز شیرخوارگاه ترکمانی، خانه شریف و قرنطینه اندرزگو با بهزیستی همکاری دارند و همچنین با چهار سازمان مردم نهاد با نام‌های جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، نوید زندگی کوشا، انجمن حمایت از حقوق کودکان و شکوفایی استعداد های کودکان مهر همکاری دارد. همچنین به مرکز کنکور در راستای حمایت از کودکان یاری می‌رساند.

۱-۲-۳-۷- کانون خیریه مهریار

این کانون در سال ۱۳۸۷ در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تهران تأسیس شد. هدف اصلی این مجموعه ارائه خدمات دندانپزشکی و درمانی به افراد بی بضاعت است. فعالیت‌های مهریار حول سه محور اصلی استوار است:

۱. کلینیک (جهت درمان بیماران)
۲. اجرایی (جهت ارائه کمک‌های انسانی به افراد مددجو، برگزاری مراسم و جشن‌ها و برپایی بازارچه‌های خیریه)
۳. مالی (جهت سامان بخشی به بودجه و صندوق کانون)

۱-۲-۳-۸- مؤسسه خیریه صبح امید

این مؤسسه خیریه طبق گفته پایگاه اطلاع‌رسانی اش به آدرس sobheomid.ir، در سال ۱۳۹۷ توسط جمعی از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های شهر تهران و افراد فعال در دانشگاه‌های شریف و تهران تشکیل شد. این گروه، چهار مأموریت کمک به رفع نیازهای ضروری معیشتی، کمک به درمان بیماران نیازمند، کمک به دانش‌آموزان نیازمند و برگزاری اردوهای فرهنگی- دانشجویی جهادی را



برای خود تعریف کرده است. همچنین اهداف عملیاتی خود را به صورت ذیل تعریف کرده و در این راستا تلاش می‌کند.

- کارآفرینی در مناطق محروم و کمک به اشتغال نیازمندان
- حمایت از خانواده‌های نیازمند برای رفع مشکلات و نیازهای اضطراری
- حمایت از گروه‌های خیریه دانشجویی و مردمی
- شبکه‌سازی، همکاری و هم‌افزایی گروه‌ها و مجموعه‌های خیریه

به همین دلیل با حضور در مناطق محروم سعی بر رفع نیازهای معیشتی و آموزشی افراد ساکن در این مناطق می‌کنند.

۲-۱-۳-۲-۹- جمعیت خیریه دانشجویی معین

این جمعیت خیریه در سال ۱۳۹۳، توسط جمعی از اعضای انجمن اسلامی مستقل دانشگاه شاهد تأسیس شد. به گفته دبیر این مجموعه، نام این موسسه الهام گرفته از نام «معین رئیسی» یکی از اعضای سابق اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان مستقل است که پیش‌تر در حادثه‌ای جان خود را از دست داده است. فعالیت این تشکل ابتدا در دانشگاه شاهد آغاز شد و با گذشت زمان و برگزاری بازارچه‌های خیریه متعدد در دانشگاه‌های مختلف تعداد دانشجویان همکار از دانشگاه‌های دیگر در این تشکل رو به افزایش نهاد. عمده فعالیت این تشکل دانشجویی به اطعام نیازمندان و اهدای بسته‌های حمایتی در کوره‌های آجرپزی شمس‌آباد و اسماعیل‌آباد و دیگر مناطق محروم اطراف تهران و کمک‌های معیشتی به محرومان و فراهم کردن شرایط ازدواج و اشتغال برای آنان بوده است. همچنین این مجموعه در حیطه کودکان کار با نهادهایی مانند شهرداری تهران همکاری دارد. علاوه بر این موارد، این مجموعه دانشجویی علاوه بر فعالیت‌های فوق، حمایت‌هایی را در مورد بیماران مبتلابه ام‌اس انجام می‌دهد (آرانی هوشمند، ۱۳۹۹).

۲-۱-۳-۲-۱۰- مؤسسه دست‌یاری به دشتیاری

طبق گفته یکی از اعضای هیئت مؤسس این مجموعه، تولد این مؤسسه، از اردوهای جهادی کانون خیریه در دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۹۲ آغاز شد؛ اما به دلیل محدودیت‌های ادامه فعالیت در دانشگاه، به بیرون از دانشگاه منتقل شد و به‌عنوان یک نهاد مدنی در بیرون از دانشگاه ثبت شده است (خشوعی اصفهانی، ۱۳۹۹). به گفته مرحوم حسین علیمرادی، مؤسس این کانون خیریه: «در حول محور سه هدف این کانون را ایجاد کردیم. یکی اینکه از دانشجویان بی‌بضاعت حمایت کنیم، دوم اینکه فرهنگ‌سازی کار خیر انجام دهیم و سوم رفع فقر آموزشی در مناطق محروم داشته باشیم» (خبرگزاری دانشجوی، ۲۷-۲-۱۳۹۷). سمن دانشجویی «دست‌یاری به دشتیاری» در سال ۱۳۹۶ تأسیس شد و قصد داشت با کمک خیرین، ۳۴۰ مدرسه برای ۳۰ هزار دانش‌آموز دشتیاری، یکی از مناطق محروم سیستان و بلوچستان بسازد اما مؤسس آن بر اثر سانحه تصادف حین فعالیت جهادی از دنیا رفت. این مؤسسه تاکنون سه مدرسه در منطقه دشتیاری ساخته است و قرارداد ساخت ۲۳ مدرسه دیگر را منعقد کرد؛ از این تعداد ۱۳ مدرسه با ۸۳ کلاس درس با مشارکت سازمان منطقه آزاد و خیرین در دست اجراست (خبرگزاری ایکنا، ۱۰/۰۹/۱۳۹۸).

۲-۱-۳-۲-۱۱- کانون خیریه CPR مهرورزی

طبق گفته سایت این مجموعه، کانون خیریه CPR مهرورزی یک تشکل دانشجویی است که با همکاری جمعی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در جهت کمک به افراد بی‌بضاعت و بیماران خاص در سال ۱۳۹۴ تأسیس گردیده است که علاوه بر کمک‌های معیشتی، به بیماران نیز کمک‌های لازم را انجام می‌دهد. این تشکل دانشجویی در ابتدا کارهای عام به مانند تقسیم ارزاق و کمک‌های معیشتی را انجام می‌داد؛ اما به مرور زمان فعالیت‌هایش به سمت تخصصی شدن میل پیدا کرده و به کارهای درمانی در حاشیه شهر روی آورد. این گروه دانشجویی با سفر ماهیانه یا دو ماهانه به حاشیه شهر رفته و با ویزیت رایگان و دندان‌پزشکی و مامایی و بینایی‌سنجی و کارهای پزشکی به کمک به مردم این مناطق می‌پردازد (سایت کانون خیریه CPR مهرورزی).

۱-۲-۳-۲-۱- کانون نیکوکاری ترنم محبت

این کانون خیریه که تأسیس آن به سال ۱۳۹۳ بازمی‌گردد، فعالیت خود را در دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام می‌دهد. مریم مردای فر از اعضای هیئت مؤسس این تشکل، شکل‌گیری این کانون را ناشی از دغدغه‌هایی که از دبیرستان با خود داشته است می‌داند و شروع این کانون را این‌گونه بیان می‌کند: «کانون نیکوکاری ترنم محبت در اسفندماه ۱۳۹۳ تأسیس شد و از دانشجویان رشته‌های مختلف در دانشگاه‌های مختلف تیمی تشکیل دادیم و در سه کمیته آموزشی تربیتی، فرهنگی، بهداشت و درمان فعالیت‌هایمان را سامان دادیم». همچنین این تشکل دانشجویی، بعد از گسترش، با سازمان‌های درون دانشگاه نیز همکاری‌هایی را صورت داد «از مهرماه ۱۳۹۷ الی بهمن‌ماه ۱۳۹۸ هم به عنوان کانون تخصصی نیکوکاری سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی در سطح وسیعی با حمایت جامعه دانشگاهی، ده‌ها پروژه نیکوکاری اجرا کردیم که تعداد زیادی از آن‌ها برای اولین بار در سطح مشهد انجام می‌شد. با توجه به خلاقیت و جامعیت طرح‌ها و همین‌طور عضویت تعداد قابل توجهی از دانشجویان رشته‌های مختلف به عنوان هسته مرکزی و مجمع عمومی ترنم محبت، کانون ما موفق به کسب رتبه سوم و رتبه نخست در بین دفاتر و کانون‌های جهاد دانشگاهی خراسان رضوی در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ شد». این مجموعه در حال حاضر نیز فعالیت خود را ادامه می‌دهد و «با ساختار بندی دقیق گروه‌های جداگانه و آموزش دیده در بخش‌های شناسایی، جلب کمک‌های مردمی و رسانه» به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این نهاد خیریه، مخاطب خود را خانواده‌های کم‌بضاعت حاشیه شهر، کودکان بی سرپرست و بدسرپرست در خانه‌های فرزندان، دانش‌آموزان مدارس کم‌برخوردار و بیماران نیازمند می‌داند و برای رفع مشکل آن‌ها تلاش می‌کند (مرادی فر، ۱۳۹۹).

۱-۲-۳-۲-۱- انجمن خیریه یاس (یاوران اندیشه‌ساز)

این مجموعه دانشجویی نیز به مانند ترنم محبت، فعالیت خود را در سال ۱۳۹۶ در مشهد آغاز کرده و عمده فعالیت‌هایش را در این شهر انجام می‌دهد. شعار این مجموعه «خدمت‌رسانی برای عدالت و پیشرفت» بوده و این شعار بنای تأسیس این تشکل بوده است. عمده اعضای این تشکل خیریه، سابقه عضویت در جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد و همچنین بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی مشهد را داشته‌اند (سهیلی، ۱۳۹۹).

۱-۲-۳-۲-۱- انجمن امداد دانشجویی مردمی ایما

این مجموعه دانشجویی که جدا شده از جمعیت امداد دانشجویی امام علی است، در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه اصفهان و با مجوز استانداری اصفهان فعالیت خود را در سطح اصفهان آغاز کرد؛ هرچند که شروع فعالیت این مجموعه، به سال‌های پیش از این برمی‌گردد. به گفته یکی از اعضای سابق این نهاد مدنی، انجمن در سال ۱۳۸۸ تأسیس شده است. «یکسری از دانشجویان دانشگاه اصفهان، علوم پزشکی اصفهان و دانشگاه صنعتی اصفهان که جمعیتشان زیر ۱۰ نفر بود، فعالیت‌هایی را با هدف آموزش کودکان کار آغاز کردند». مبدأ این حرکت در ابتدا مسجدی در یک منطقه محروم به نام منطقه «حصه» در حاشیه اصفهان بود. بعد از مدتی با توجه به تعداد زیاد کودکان و همین‌طور کمبود نیروی انسانی، شیوه فعالیت خود را تغییر دادند. آن‌ها در ابتدا منزلی را اجاره کرده و نام «خانه امید» را بر روی آن گذاشتند و آنجا را به محلی برای تدریس کودکان بدل کردند. این نهاد مدنی، عمده تمرکز خود را بر روی کودکان مناطق حاشیه‌نشین شهر اختصاص داده است. این فعالیت «از ابتدا در منطقه حصه و بعد در منطقه قائمیه اصفهان» آغاز شد و اکنون نیز در یکسری از روستاهای اطراف اصفهان این فعالیت‌ها در حال انجام است. تأکید این مجموعه در «خانه امید» افزایش سطح کیفی آموزشی و فراهم کردن آموزش سالم و درست و کارا کودکان است. شیوه گسترش فعالیت‌های دانشجویان در این مجموعه نیز با فراخوان صورت گرفت «بعد از مدتی که این بچه‌ها پس از شروع فعالیتشان دیدند تعدادشان کم است و بچه‌های محروم از تحصیل زیادند در دانشگاه فراخوان زدند»؛ در نتیجه این فراخوان، بعد از مدتی کانون‌های دانشگاهی تأسیس شده و از اینجا فعالیت رسمی و دانشگاهی این مجموعه آغاز



می شود.

فرآیند شناسایی و آموزش کودکان در این مجموعه نیز بدین صورت است که در ابتدا توسط یک گروه شناسایی، مددجویان شناسایی می شوند و با پایش چندین باره، افراد احصا می شوند. این فرایند احصا، هر چند ماه یک بار صورت گرفته و اطلاعات آماری تکمیل می شود. این کودکان «از پیش دبستانی می آیند و تحت نظر قرار می گیرند و تا ۱۵ یا ۱۶ سال هم آموزش می بینند». در این میان، ممکن است افرادی با سن بالاتر نیز تمایل به ادامه تحصیل داشته باشند و برای این مورد نیز «بچه هایی بودند که سنشان بیست تا بیست و یک سال بوده و در منطقه زندگی می کردند، گفتند که می خواهند تحصیل کنند و ما امکان تحصیلشان را فراهم کردیم». علاوه بر این، گروه شناسایی، در تأمین ارزاق کودکانی که مشکل تأمین خوراکی و مواد غذایی را به عهده دارند، کمک می کند. علاوه بر گروه شناسایی، گروه مددکاری نیز در این مجموعه وجود دارد «هسته اولیه گروه مددکاری را دانشجویان روان شناسی، تحت عنوان مرکز مشاوره آفتاب در خود منطقه و درون خانه امید راه اندازی کردند و بعد از آن برای هر دانش آموزی که به خانه امید می آید یک مددکار داریم که این مددکار اوضاع خانوادگی این کودک را کاملاً تحت نظر دارد و به مرکز مشاوره ارجاع می دهد». گروه دیگر در این مجموعه، گروه های زبان است که وظیفه تدریس زبان به کودکان را به عهده دارند. گروه دیگر، گروه حقوقی است و وظیفه آن ها این بود که «برای بچه هایی که شناسنامه نداشتند، شناسنامه می گرفت». گروه بعدی مادران آفتاب است که در جهت توانمندسازی مادران این کودکان فعالیت می کند و سعی بر تقویت زنان دارد. گروه مادران آفتاب برای زنان سرپرست خانوار فعالیت می کند یکسری کارگاه های خیاطی، کارگاه نان و کارگاه های دیگر برای مادران و افراد تحت پوشش ایجاد می کنند.

گروه دیگر، کارآفرینی است که سعی می کند تحت دو قالب، مهارت آموزی به کودکان و اشتغال مادران، به کودکان و مادران خانه امید مهارت هایی برای ایجاد شغل بدهد. گروه بعدی، گروه خلاقیت است که در کنار گروه کودکان امید در بحث توانایی های جانبی بچه ها کار می کند یعنی کودکان امید ما از نظر خلاقیت، از توانایی حل مسئله و تفکر نقادانه مورد آموزش قرار می دهند. گروه بهداشت هم در این مجموعه وجود دارد که گروهی از دانشجویان دندان پزشکی و دانشجویان رشته بهداشت هستند که مرتباً کودکان را مورد پایش قرار می دهند. گروه تحقیق و توسعه هم یکی دیگر از زیرمجموعه های این نهاد است. این گروه، بحث ارزیابی و تحقیق و توسعه را در کلیه گروه ها در نظر دارد و گروه منابع انسانی، دیگر زیرشاخه این NGO است که بحث تأمین نیروی انسانی مورد نیاز و آموزش آن ها را بر عهده دارد. تأمین مالی این مجموعه نیز، به دست خیرین (به صورت بازارچه و کمک های دیگر) رخ می دهد. این مجموعه، در سال ۱۳۹۴، زمینی برای احداث مجموعه ای آموزشی خریداری کرده که نام آن را «مجتمع امید» گذاشته و در کنار «خانه امید» به فعالیت می پردازد (چیت ساز اصفهانی، ۱۳۹۹).

۱-۲-۳-۲-۱۵- کانون آفتاب

این مجموعه دانشجویی که مهم ترین مجموعه خیریه ای دانشگاه شیراز است، در سال ۱۳۸۰ تأسیس شده است. به گفته یکی از اعضای این تشکل، این کانون، در پی حل آسیب های اجتماعی دانشگاه شیراز است و در راستای فعالیت های اجتماعی و فرهنگی فعال است. این کانون که سال هایی را به دلیل فعالیت سیاسی در تعلیق گذرانده بود، با روی کار آمدن دولت حسن روحانی مجدداً فعالیتش در دانشگاه شیراز آغاز کرده است. فعالیت های این تشکل را می توان به صورت ذیل بیان کرد:

- جلسات هم اندیشی: تلاش برای مکالمه سالم در میان افراد و بالا بردن تاب آوری افراد
- جلسات پخش، نقد و تحلیل فیلم در حوزه مسائل اجتماعی
- فعالیت های خیریه: هدف این کار، فرای کمک به محرومان، یاد دادن دستگیری توسط یکدیگر در میان دانشجویان بود و این فعالیت به صورت بازارچه خیریه صورت می گرفت.
- همکاری با دیگر کانون ها: با دیگر کانون های دانشگاه به مانند کانون هلال احمر
- کمک به کودکان بدسرپرست و بی سرپرست
- برنامه آشنایی با بازی های فکری و تفریحات سالم

• همکاری با نهادهای شهری برای برگزاری جشنواره‌های شهری (فاضل‌زاده، ۱۳۹۹).

۱-۲-۳-۲-۱-۱۶- کانون خیریه دانشگاه نوشیروانی بابل

این کانون از سال ۱۳۹۰ شروع به فعالیت کرده بود و فعالیت‌هایی در برگزاری بازارچه‌های خیریه داشته است. این کانون خیریه، جشنی ثابت تحت عنوان «جشن مهربانی» را به صورت ثابت و سالانه برگزار می‌کند و در آن به جمع‌آوری کمک‌ها می‌پردازد. فعالیت‌های عمده این کانون، از سال ۱۳۹۴ به بعد صورت گرفته است و توانسته جمعیت دانشجویی بسیاری را در دانشگاه نوشیروانی بابل با خود همراه کند. این کانون در بحران‌های زلزله کرمانشاه و سیل سراسری در کشور، مشارکت فعالی داشت و با کمک‌های مردمی همراه شد. همچنین این کانون خیریه، با نهادهای مدنی و NGO های حوزه آسیب اجتماعی مانند انجمن اوتیسم ایران ارتباطاتی برقرار کرده و در حد توان کمک‌هایی را به آن‌ها ارائه داده است. این تشکل بیشترین کمک دانشجویی در زلزله کرمانشاه را برعهده داشت (رضاعلیزاده، ۱۳۹۹).

۱-۲-۳-۲-۱-۱۷- کانون خیریه مهرانه

این کانون خیریه در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه صنعتی سهند تبریز تأسیس شد، عمده فعالیت‌هایش حول بازارچه‌های خیریه و بازدید از خانه سالمندان انجام می‌شود. این تشکل فعال‌ترین کانون خیریه دانشگاه تبریز است و در اتفاقاتی مانند سیل شمال کشور و زلزله کرمانشاه به جمع‌آوری کمک پرداخته است.

۱-۲-۳-۲-۱-۱۸- کانون همیاران سلامت

این کانون در سال ۱۳۹۴، زیر نظر مرکز مشاوره دانشجویی دانشگاه بوعلی سینای همدان تأسیس شد. کانون همیاران سلامت اهداف خود را طبق اساسنامه‌اش به چند بخش تقسیم کرده است که عمده آن‌ها همیاری با دانشجویان در به دست آوردن سلامت روانی‌شان است. این کانون محیط فعالیت خود را در درون دانشگاه تعریف کرده است و با شناسایی دانشجویانی که دارای مشکلات بوده و نیاز به کمک مشاوره‌ای دارند، به حل مسائل آن‌ها کمک می‌کند. همچنین با برگزاری کارگاه‌های مختلف به صورت مجازی و حضوری، در آموزش دانشجویان نیز اثرگذار است.

۱-۲-۳-۲-۱-۳- جمع‌بندی

در مورد فعالیت‌های دانشجویی بعد از انقلاب، می‌توان به چند نکته اشاره کرد: اولین نکته، تغییر یک باره فضای متکثر دانشگاه به یک فضای یکدست است. دانشگاهی که پیش از انقلاب و قبل از انقلاب فرهنگی، مأمّن و جایگاه‌ها تمامی گروه‌های ملی و چپ و مسلمان بود، بعد از اردیبهشت ۱۳۵۹، تنها دانشجویان مسلمان و همسو با حاکمیت را پذیرا بود. در عین حال، دانشگاه بعد از انقلاب برای ساختار سیاسی نیز، اهمیتی دوچندان پیدا کرد و همین دو عامل منجر به سيطرة بیشتر حاکمیت بر دانشگاه شد. فضای جنگی کشور و تشدید برخورد با صدای مخالف، موجب شد انحصار در دانشگاه بر فعالیت‌های دانشجویی نیز سایه بیندازد و انجمن اسلامی دانشجویان در دانشگاه، کلیه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را به عهده بگیرد و در نتیجه امکان فعالیت دانشجویی از بسیاری از گروه‌های دانشجویی گرفته شد. به همین دلیل عمده فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان در جهاد سازندگی و یا نهادهای رسمی و قانونی صورت می‌گرفت.

فضای پیشین با اتمام جنگ و درگذشت رهبر انقلاب و در عین حال تغییر پارادایم سیاسی و اجتماعی دستخوش تغییراتی شد و همین تغییرات زمینه‌ساز تکثر در دانشگاه شد، اما تا سال ۱۳۷۸، عمده فعالیت‌های اجتماعی حول تشکل‌های سیاسی (بسیج، انجمن اسلامی) تعریف می‌شد و در نتیجه همه چیز بر محوریت سیاست می‌چرخید. هم‌زمان با شکل‌گیری کانون‌های فرهنگی و اجتماعی



در انتهای دهه ۷۰، فضا برای فعالیتی متفاوت از فعالیت تشکل‌های سیاسی فراهم شد و کانون‌ها و نهادهای خیریه و اجتماعی مدنی بعد از آن زمان شکل گرفتند و تاکنون نیز ادامه دارند.

دومین نکته، سیطره سیاست بر همه امور دانشگاه طی ۴۰ سال اخیر است. فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان همیشه تحت نظارت سیاسیون بوده است و به همین دلیل امکان آزادانه فعالیت اجتماعی را محدود کرده است. دلیل این اتفاق نیز این است که ساختار سیاسی بخشی از شعارها، اهداف و برنامه‌های خود را بر روی بحث عدالت اجتماعی متمرکز کرده است و به همین دلیل خواستار تسلط بر فعالیت‌های این حوزه است. از این رو، فعالیت‌های اجتماعی همیشه تأییدیه‌ای از جانب بخشی از ساختار قدرت را لازم داشته است. این اتفاق منجر به این شده که تشکل‌های دانشجویی که رویکردی منتقدانه نسبت به حاکمیت داشته‌اند، از فعالیت‌های اجتماعی دور شوند و دلیل آن نیز هزینه زیاد فعالیت خارج از دانشگاه است. از آنجاکه لازمه فعالیت اجتماعی، ارتباط با جامعه و حضور در جمع‌های خارج از دانشگاه است، امکان برخورد با فعالان این حوزه را از سوی حاکمیت راحت‌تر می‌کند.

سومین نکته، رویکرد فعالان دانشجویی در حوزه اجتماعی است. آن‌ها به دلایلی که توضیح داده شد، یا رویکردی حمایتی نسبت به ساختار سیاسی دارند و یا اینکه مسیری فارغ از سیاست را در پیش می‌گیرند. هرچند که بخشی از این گروه‌ها علی‌رغم در پیش گرفتن رویکرد دوری‌گزینی از سیاست، با برخوردهایی مواجه می‌شوند. ساده‌ترین مثال در این رویکرد برخورد با جمعیت دانشجویی امام علی و ایجاد محدودیت برای این گروه است.

اگر بخواهیم مجموعه مسائل گفته شده را خلاصه کنیم، باید آن را حول سیاست و تکثر تعریف کنیم. از سویی سیاست بر همه فعالیت‌های اجتماعی سیطره دارد و از دانشجویان کنشی شبیه به کمیته امداد امام خمینی و نه شکل منتقدانه را انتظار دارد و از سویی دیگر به دلیل فضای متکثر جامعه و دانشگاه، روزه روز امکان این نظارت کمتر می‌شود.

فصل دوم:

مبانی نظری و روشی

پژوهش





۲-۱- مبانی نظری پژوهش

این پژوهش در اصل یک پژوهش اکتشافی است و به جای استفاده از مبانی نظری مرسوم و هم‌چنین استفاده از فرضیات پژوهش، با هدایت پرسش‌های پژوهش پیش برده خواهد شد. به عبارت دیگر این پرسش‌های پژوهش هستند که مسیر ما را در این پژوهش روشن می‌کنند و جهت می‌دهند. پرسش‌ها در فصل اول مورد اشاره قرار گرفتند اما یک سؤال اساسی دیگر وجود دارد که تا پاسخ نسبتاً روشنی به آن داده نشود، پاسخ به سؤالات اصلی پژوهش امکان‌پذیر نیست. ما به همین بهانه، با بیان مطلبی در این زمینه سعی می‌کنیم در راستای روشن نمودن مسیر پژوهش، پرتوی مضاعف بر زوایای مفهومی موضوع بیفکنیم؛ فعالیت اجتماعی به چه معناست؟

فعالیت اجتماعی دو معنا دارد: ۱. معنای عام: که تقریباً هر فعالیتی اعم از این که در حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با انسان‌ها انجام شود را در بر می‌گیرد. ۲. معنای خاص: فعالیت اجتماعی در مقابل فعالیت فردی قرار می‌گیرد و در اینجا به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که غیر از اقتصادی، سیاسی، یا فرهنگی باشد؛ اما این تعریف مناسبی نیست، ولی واقعیت آن است که ارائه تعریف درست و دقیق هم دشوار است. از نظر پارسونز^۱ نظام اجتماعی که فعالیت و رفتار اجتماعی هم در درون آن تعریف می‌شود، مفهومی به غایت کلی است و مصداق مستقیمی در دنیای واقعیت ندارد چون این مفهوم یک ابزار تحلیلی با میدان کاربرد گسترده است (روشه^۲، ۱۳۷۶: ۶۲)؛ اما می‌توان طبق تحلیلی که پارسونز از خرده‌نظام‌های نظام عمومی کنش با تأکید بر نظام اجتماعی ارائه می‌دهد، دست به استخراج مفاهیمی زد که فعالیت اجتماعی را برای ما روشن‌تر کند.

بر اساس دیدگاه پارسونز «یگانگی» یا به عبارت دیگر حفظ انسجام، مهم‌ترین کارکرد نظام اجتماعی است. به اعتقاد وی نظام اجتماعی با کارکرد یگانگی متناظر است؛ این نظام اجتماعی است که همبستگی ایجاد می‌کند، وفاداری به اصول و به پیمان‌ها را به وجود می‌آورد و حدود و فرجه آزادی عمل را تعیین می‌کند (همان: ۸۲).

چنانچه بپذیریم، فقر و بی‌عدالتی، محرومیت، بی‌خانمانی، بازماندن از تحصیل، اعتیاد، فرار از خانه، مورد تعرض و شکنجه گرفتن و مواردی از این قبیل، نمودها یا مصادیقی هستند که نظام اجتماعی را در سطوح خرد (خانواده)، میانه (محل، شهر و روستا) و کلان (جامعه) دچار از هم‌گسیختگی و فروپاشی می‌کند، آنگاه می‌توان مجموعه فعالیت‌هایی را که از شیوه‌های گوناگون، در پی بهبود آسیب‌دیدگان ناشی از آسیب‌های فوق و ترمیم روابط آن‌ها با نظام اجتماعی هستند را فعالیت اجتماعی قلمداد کرد. بر این اساس، مجموعه فعالیت‌های دانشجویان در زمینه فقرزدایی، محرومیت‌زدایی، آموزش بی‌سوادان یا فراهم کردن زمینه تحصیل افراد بازمانده از تحصیل، دفاع از حقوق شهروندی، تهیه خوراک، پوشاک و سرپناه برای افراد بی‌خانمان و مواردی از این قبیل را فعالیت اجتماعی به شمار آورد.

بدیهی است که پارسونز از مفهوم «کنش اجتماعی» استفاده کرده است و نه عبارت «فعالیت اجتماعی». با آگاهی از تفاوت این دو مفهوم و به ناگزیر سعی می‌کنیم از نظریه مذکور در جهت تعریف موضوع پژوهش بهره ببریم. پارسونز برای تحقق کنش اجتماعی از سه شرط انتظارات متقابل، ارزش‌ها و هنجارها و ضمانت‌های اجرا نام می‌برد (همان: ۹۵) که در این پژوهش می‌توان از این سه مفهوم ارزشمند برای تحلیل یافته‌ها بهره جست. البته در این مفهوم‌سازی، سنگ بنا، ارزش‌ها و هنجارها هستند و انتظارات بر آن‌ها استوار هستند. از دل ارزش‌ها و هنجارها، انتظارات متقابلی شکل می‌گیرد و ضمانت‌های اجرا هم شرط لازم برای تحقق انتظارات هستند. برای توضیح بیش‌تر باید گفت، طبق ارزش‌های ملی و دینی ما رسیدگی به مشکلات دیگران دارای اهمیت بالایی است؛ بنابراین هم افراد آسیب‌دیده انتظار کمک و دستگیری دارند و هم ما از خودمان انتظار داریم که به هم‌نوعانمان کمک کنیم ولی تحقق این انتظارات بر بستری گسترده از شرایط و ضمانت‌ها قرار گرفته‌اند که سرنوشت پیچیده و متنوعی برای کنش‌ها و اقدامات اجتماعی به ارمان می‌آورد. تحلیل این پیچیدگی‌ها محور اصلی پژوهش حاضر است. در فصل پایانی تحقیق در مطلبی تحت عنوان «ارتباط میان مبانی نظری و یافته‌ها» درباره چگونگی کاربرد مبانی نظری در زمینه یافته‌های تحقیق توضیحاتی ارائه شده است.

1 Talcott Parsons

۲. روشه، گی، (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، نشر نی ۲



۲-۲-۲- مبانی روشی پژوهش

۲-۲-۲-۱- مقدمه

آنچه در این بخش گفته خواهد شد، نکاتی کاملاً ساده و بدیهی است اما بیان نکردن آن‌ها پرسش‌های گوناگونی در ذهن خوانند و مخاطب متن ایجاد می‌کند تا جایی که فهم کامل متن را با مشکل روبه‌رو می‌کند. از آنجاکه پژوهش کیفی نیازمند فهمیده شدن از سوی مخاطب است، بیان هر یک از این موارد، کلیدی در اختیار خواننده قرار می‌دهد تا با متن ارتباط بهتری برقرار کند و به فهم بهتری از متن دست یابد. در واقع مطالب این بخش در حکم نقشه و راهنمای کل متن به‌ویژه یافته و نتایج آن است. از این‌رو ناگزیریم به مواردی از قبیل، چگونگی آغاز این پژوهش و روش اجماع افراد تصمیم‌گیرنده بر سر موضوع پژوهش، چگونگی انتخاب روش و تکنیک پژوهش، نحوه طراحی مصاحبه‌نامه‌ها و تعداد آن‌ها، نحوه انتخاب نمونه‌ها یا افراد مورد مصاحبه و هم‌چنین دلیل انتخاب آن‌ها، روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها و در نهایت اعتبار و روایی پژوهش اشاره کنیم.

۲-۲-۲-۲- چگونگی آغاز پژوهش

کارفرمای این پژوهش معاونت رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. دغدغه اصلی این معاونت، رفع فقر و محرومیت است. آن‌ها به خوبی دریافته‌اند که نیروی عظیم دانشجویی با انگیزه و توان بالا و بدون هیچ چشم‌داشتی آمادگی دارد تا در این زمینه نقش آفرینی کند؛ اما در ضمن به خوبی از این موضوع آگاه‌اند که به واسطه رخدادهای دو دهه گذشته، میانه حاکمیت و نیروهای دانشجویی شکرآب است و به همین راحتی نمی‌توان دانشجویان را در مسیری قرار داد که احساس می‌کنند توسط همان نیرویی راهبری می‌شود که آن‌ها را از فعالیت‌های سیاسی مورد علاقه‌شان بازداشته است و بارها دانشجویان را به دلیل فعالیت سیاسی مورد بازخواست و محدودیت قرار داده است. به‌رغم آگاهی از این موضوع کارفرما در نظر داشت برای آگاهی از زمینه‌های رشد فعالیت‌های اجتماعی، موانع موجود و راهکارهای دانشجویان برای حل مشکل مورد مطالعه به سراغ نسل‌های گوناگونی از فعالان تشکل‌های سیاسی برویم. با گفت‌وگو و تعامل کارفرما و مجری، متشکل از افرادی صاحب‌نظر و آشنا با موضوع فعالیت‌های دانشجویی و فرهنگ سیاسی جامعه، توافق حاصل شد به جای این کار، سراغ فعالان تشکل‌های اجتماعی برویم و بدین ترتیب، موضع پژوهش دچار دگرگونی قابل توجهی شد و امکان شناخت بهتر موضوع را فراهم ساخت.

۲-۲-۲-۳- چگونگی انتخاب روش و تکنیک پژوهش

به دلیل اکتشافی و کیفی بودن پژوهش، قاعدتاً استفاده از روش‌های کمی و پرسش‌نامه‌ای از دستور کار خارج و استفاده از روش‌های کیفی در دستور کار قرار گرفت؛ بنابراین این پژوهش با استفاده از روش تحلیل متن / محتوا^۱ و با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. توضیح این‌که ساختار مصاحبه‌نامه دارای انعطاف نسبی بود و علاوه بر تغییر جزئی در لحن و بیان پرسش‌ها، تعدادی از پرسش‌ها هم در خلال مصاحبه‌ها تغییر یافت.

۲-۲-۲-۴- نحوه طراحی مصاحبه‌نامه‌ها و تعداد آن‌ها

از ابتدای پژوهش طبق توافق صورت گرفته میان کارفرما و مجری، بنا بود به سه گروه از افراد به‌عنوان مصاحبه‌شونده مراجعه شود؛ فعالان تشکل‌های اجتماعی، صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه فعالیت‌های دانشجویی و اجتماعی و مسئولان و متصدیان امور دانشجویی. در همین راستا نیز سه نوع مصاحبه طراحی شد. ساختار مصاحبه‌نامه‌ها نسبتاً یکسان بود ولی دو پرسش از مجموع ۱۰ پرسش با اندکی تغییر برحسب نوع مخاطب در خلال مصاحبه تغییر می‌یافت (مصاحبه‌نامه‌ها پیوست گزارش است).

۱. تحلیل محتوا (فیلم، عکس، صوت، متن، یا هر محتوای دیگری) عام‌تر از تحلیل متن است - 1



۲-۲-۵- نحوه انتخاب نمونه‌ها یا افراد مورد مصاحبه و همچنین دلیل انتخاب آن‌ها

از میان سه گروه مصاحبه‌شونده‌ها (فعالان تشکل‌های اجتماعی، صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه فعالیت‌های دانشجویی و اجتماعی و مسئولان و متصدیان امور دانشجویی)، فعالان تشکل‌ها برای ما اهمیت بیش‌تری داشتند. به همین دلیل ابتدا به صورت هدفمند با جستجوی اینترنتی فهرستی از تشکل‌های مهم و معروف (برحسب معیار حضور در فضای مجازی و طبق نتایج حاصل از جستجوی اینترنتی) تهیه شد ولی فهرست مذکور کامل نبود. در گام بعدی با استفاده از روش نمونه‌گیری «گلوله برفی» از فعالان تشکل‌های مورد مراجعه در مورد افراد و تشکل‌های فعال پرس‌وجو کردیم و به تعدادی از افراد و تشکل‌های جدید دست پیدا کردیم. در مجموع در این پژوهش با ۲۱ دانشجو، ۵ پژوهشگر و ۵ مسئول دانشجویی فرهنگی مصاحبه کرده‌ایم^۱.

۲-۲-۶- شیوه گردآوری اطلاعات

همان‌طور که در بخش‌های قبلی گفته شد، داده‌های این پژوهش از طریق مصاحبه گردآوری شده است. در شرایط عادی قاعدتاً این کار می‌بایست با روش مصاحبه حضوری انجام می‌شد، اما به دلیل شیوع بیماری کرونا از یک سو و دور بودن بعد مسافت (پراکندگی جغرافیایی مصاحبه‌شوندگان) اغلب مصاحبه‌ها از طریق مصاحبه واتساپی (تبادل صوت از طریق نرم‌افزار اجتماعی واتساپ) انجام شد. در این روش، پس از شناسایی مصاحبه‌شونده، تأیید آن از سوی شورای راهبری طرح و ارسال پرسش‌های مصاحبه‌نامه برای او، از وی برای حضور در یک گروه مجازی دعوت به عمل می‌آمد. سپس ضمن معرفی طرح و گروه تحقیق، سؤال نخست، ضبط و برای مصاحبه‌شونده ارسال می‌شد و پس از دریافت پاسخ سؤال اول، سؤال‌های بعدی به همین ترتیب پرسیده می‌شد. این فرایند بین یک ساعت و نیم تا دو ساعت طول می‌کشید ولی گاه به دلیل وقفه‌های ناخواسته (مانند قطع اینترنت و ...) تا پنج ساعت هم به طول می‌انجامید. به دلیل طولانی بودن این روش و ضیق وقت برخی از مصاحبه‌شوندگان که عموماً مسئولان گذشته و فعلی دانشجویی یا پژوهشگران و صاحب‌نظران (که اغلب عضو هیئت‌علمی هستند) تعدادی از مصاحبه‌ها به صورت حضوری انجام شد. سه مورد از مصاحبه‌ها نیز با روش سوم که عبارت از پاسخ مکتوب به سؤالات بود، انجام شد که کیفیت آن‌ها از روش دیگر پایین‌تر است. البته بخشی از اطلاعات مربوط به تشکل‌ها یا اطلاعات مربوط به فعالیت‌های دانشجویی از طریق منابع مکتوب یا سایت‌های اینترنتی جمع‌آوری شده است.

۲-۲-۷- توزیع جغرافیایی، سیاسی و تحصیلی مصاحبه‌شوندگان

به منظور بالا بردن اعتبار طرح و قرار دادن آن در سطح یک طرح ملی و هم‌چنین بالا بردن اعتبار یافته‌ها از ابتدا دغدغه دامنۀ شمول و تنوع مصاحبه‌شوندگان مدنظر عوامل طرح بوده است. به همین خاطر تشکل‌هایی از سراسر کشور و در دانشگاه‌هایی در نقاط جغرافیایی مختلف به عنوان نمونه انتخاب شدند. افرادی از دانشگاه مشهد، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، دانشگاه سجاد مشهد، دانشگاه نوشیروانی بابل، دانشگاه تبریز، دانشگاه بوعلی سینا همدان، دانشگاه رازی کرمانشاه، دانشگاه شیراز، دانشگاه اصفهان، دانشگاه زاهدان، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشگاه شریف، دانشگاه شاهد و دانشگاه علامه طباطبایی، در میان مصاحبه‌شوندگان بوده‌اند. در میان پژوهشگران و مسئولان هم افرادی با تخصص‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق، روان‌شناسی و اقتصاد وجود داشته‌اند تا موضوع از زوایای گوناگون مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این سعی شده است افرادی از جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی، در میان مصاحبه‌شوندگان وجود داشته باشند. به همین دلیل افرادی از بسیج دانشجویی، انجمن اسلامی و جنبش عدالت‌خواه دانشجویی مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. موضع‌گیری افراد در خلال مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که اعضای تشکل‌های اجتماعی که در ابتدا رویکرد سیاسی‌شان برای ما معلوم نبوده است از هر دو جناح سیاسی چپ و راست بوده‌اند. همه این موارد به ما اجازه می‌دهد از این جهت، طرح را قابل دفاع ارزیابی کنیم.

۱. فهرست و مشخصات مصاحبه‌شوندگان، پیوست است - ۱



۲-۲-۸- روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحلیل اطلاعات این پژوهش، مراحل گوناگونی را شامل می‌شود. پس از ضبط مصاحبه‌ها، نسبت به پیاده‌سازی مصاحبه‌ها اقدام شد. در این مرحله، مطابقت متن با فایل‌های صوتی انجام و تقدم و تأخر فایل‌ها اصلاح شد. به‌عنوان مثال گاهی اوقات به دلیل جابه‌جایی صورت گرفته در فایل‌های ارسالی، پاسخ سؤال پنج در مقابل سؤال سه نوشته می‌شد که همه این موارد بررسی و اصلاح شد. مواردی هم که به دلیل نامفهوم بودن فایل صوتی به اشتباه پیاده‌سازی شده بود برطرف شد. این کار توسط هر دو پژوهشگر به صورت جداگانه و طی دو مرحله انجام شده است تا خطاها به حداقل برسد و متن ویراسته‌تر و پیراسته‌تری داشته باشیم.

در گام بعدی فایل‌های پیاده شده برای تک‌تک مصاحبه‌شوندگان ارسال شد و از آن‌ها خواسته شد اصلاحات موردنظر خود را اعمال یا اعلام کنند. برخی از افراد اصلاحات خود را اعلام و برخی دیگری نیز در قالب فایل صوتی نکات موردنظر خود را اعلام کردند. البته تعدادی هم یا بدون تغییری خاص متن را تأیید یا اصلاً توجهی به این موضوع نکردند.

گام سوم، جمع‌تمام مصاحبه‌ها در یک فایل جداگانه و مرور پاسخ‌های تک‌تک مصاحبه‌شوندگان بود که حدود ۴۰۰ صفحه شد. در این مرحله پاسخ‌های مهم هر پاسخگو علامت‌گذاری شد تا استفاده و گزینش پاسخ‌ها آسان‌تر شود. دشواری این مرحله آنجا بود که پاسخ‌های سراسری و مشخصی به پرسش‌ها داده نشده بود و گاهی پاسخ سؤال ۹ (پیشنهادات) در سؤال ۶ (موانع) یا حتی در سؤال ۱ (که هیچ ربطی به موانع و راهکارها نداشت) ارائه شده بود. در این مرحله با استخراج این خطاها و انحرافات که از معیارهای پاسخگویی حاصل شده بود، زمینه برای استخراج نهایی پاسخ‌ها فراهم شد.

در گام چهارم با طرح تک‌تک سؤالات، پاسخ‌های ۳۱ مصاحبه‌شونده را استخراج و در مقابل هر سؤال درج کردیم. در این مرحله هم به‌رغم تمهیدات قبلی، گاهی پیدا کردن پاسخ یک سؤال، مستلزم زیرورو کردن متن ۴۰۰ صفحه‌ای بود اما سرانجام پس از صرف وقت زیاد به یک متن حدوداً ۱۰۰ صفحه دست پیدا کردیم. این متن، منبع اصلی برای نگارش گزارش نهایی بوده است.

۲-۲-۹- اعتبار و روایی پژوهش

در این پژوهش که در مقوله پژوهش‌های کیفی است، سعی داریم اعتبار و روایی آن را متناسب با حوزه پژوهش‌های کیفی بیان کنیم. عده‌ای از محققان کیفی با ایجاد روش‌ها و مفاهیم جدید ارزیابی اعتبار، در جهت متمایز نمودن حوزه کیفی از کمی تلاش کرده‌اند. برای مثال، لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) و گوبا و لینکلن (۱۹۹۴)، معتقدند کوشش در جهت ایجاد و گسترش روش‌های جایگزین ارزیابی اعتبار، برای پژوهش کیفی ضروری است. این دو در جهت گسترش این ابزارها از مفاهیم زیر برای جان‌شین‌سازی مفاهیم به‌کاررفته در حوزه کیفی استفاده می‌کنند: ۱- قابلیت اعتبار (اعتبارپذیری): مشابه اعتبار درونی در پژوهش کمی، ۲- قابلیت انتقال (انتقال‌پذیری): مشابه اعتبار بیرونی در پژوهش کمی و ۳- قابلیت تأیید (تأییدپذیری): مشابه اعتبار سازه‌ای (Bryman, ۲۰۰۱: ۲۷۲)، به نقل از: عباس‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۳). اعتبارپذیری یا قابلیت اعتبار به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارت است از درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان پژوهش و برای زمینه‌ای که این پژوهش در آن انجام شده است؛ به این معنا که آنچه در یافته‌ها و نتایج تحقیق از سوی پژوهشگر ذکر می‌گردد، همانی باشد که در نظر و ذهن پاسخگو بوده است (همان: ۲۳). انتقال‌پذیری که جایگزین اعتبار بیرونی حوزه کمی به شمار می‌رود، به معنای قابلیت تعمیم نتایج به سایر حوزه‌ها و زمینه‌هاست. تأییدپذیری به معنای کوشش در جهت احراز شاخص عینیت در پژوهش است؛ هرچند این مفهوم در پژوهش‌های کمی به معنای پرهیز محقق از تأثیر سوگیری‌ها و ارزش‌داوری‌ها در تحقیق است، در پژوهش کیفی این امر بیشتر به معنای قدرت تحلیل و دقت داده‌ها و میزان تأیید آن‌هاست (همان: ۲۴).

در این رابطه لازم است نکاتی را بیان کنیم تا هم فایده این مبحث و شأن نزول آن مشخص شود و هم ارتباط میان آن و مباحث روشی روشن‌تر شود. در ارتباط با اعتبارپذیری پژوهش ما سعی کرده‌ایم با تفکیک «فعالیت‌های اجتماعی» از سایر فعالیت‌های هم‌ارز مانند «فعالیت سیاسی»، «فعالیت فرهنگی» و «فعالیت اقتصادی» از یک سو و متمایز کردن آن از «فعالیت دانشجویی» از سوی دیگر تا حد امکان مصاحبه‌نامه‌ها و مصاحبه‌ها را بر «فعالیت اجتماعی» به‌عنوان مسئله و موضوع اصلی این پژوهش متمرکز کنیم. بارها در طول



مصاحبه‌ها افرادی سعی می‌کردند بحث را به سایر فعالیت‌های خاص یا فعالیت دانشجویی به‌عنوان یک فعالیت عام بکشانند اما با تذکر به موقع تلاش می‌شد، از این خطای محتوایی که پیامدهای روشی دارد، جلوگیری شود تا مصاحبه‌ها بر همان موضوعی متمرکز شود که قصد مطالعهٔ آن را داشتیم.

برای رعایت انتقال‌پذیری پژوهش سعی بر آن بود تا نمونهٔ نمایانی از مصاحبه‌شوندگان را انتخاب کنیم. بدین منظور، ۳ گروه از مصاحبه‌شوندگان شامل فعالان تشکل‌های سیاسی، پژوهشگران و مسئولان انتخاب شدند. از نظر گسترهٔ جغرافیایی نیز از تمام نقاط کشور و دانشگاه‌های مهم افرادی در نمونه قرار گرفته‌اند. در بخش مسئولان و پژوهشگران نیز افرادی از رشته‌های گوناگون علمی انتخاب شده‌اند تا از زوایای گوناگون به تحلیل موضوع پردازند. همهٔ ملاحظات علمی و روشی مذکور سبب می‌شود ادعا کنیم داده‌های به‌دست‌آمده قابلیت تعمیم در میان جامعهٔ آماری مورد مطالعه را دارد.

همان‌گونه که گفته شد تأییدپذیری در پژوهش‌های کمی به معنای پرهیز محقق از تأثیر سوگیری‌ها و ارزش‌دوری‌ها در تحقیق است، در پژوهش کیفی این امر بیشتر به معنای قدرت تحلیل و دقت داده‌ها و میزان تأیید آن‌هاست. وبر در رابطه با «عینیت» در مطالعات علوم اجتماعی می‌گوید: «تحلیل علمی مطلقاً «عینی» از فرهنگ «پدیده‌های اجتماعی» وجود ندارد، به این معنا که تحلیل نمی‌تواند مستقل از نظرگاه‌های «یک بعدی» خاصی باشد که موضوعات براساس آن‌ها- صریحاً یا تلویحاً، آگاهانه یا ناآگاهانه- انتخاب، تحلیل و در جهت مقاصد تبیینی سازمان داده می‌شوند. عدم وجود این عینیت، به دلیل خصوصیت اهداف شناختی پژوهش‌های علوم اجتماعی است که در پی فراز آمدن بر مطالعهٔ صرفاً صوری هنجارهای قانونی یا قراردادی تنظیم‌کنندهٔ زندگی اجتماعی می‌باشند» (وبر، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

وی در ادامه می‌افزاید: «اعتبار عینی کلیهٔ معارف تجربی منحصراً بر پایهٔ نظم بخشیدن به واقعیت انضمامی با استفاده از مقوله‌هایی استوار است که به معنای خاص، ذهنی هستند؛ یعنی پیش‌فرض‌های معرفت ما در این مقوله‌ها دیده می‌شود و خود این مقوله‌ها بر پیش‌فرض ارزش حقایقی متکی‌اند که تنها معرفت تجربی قادر به ارائهٔ آن‌هاست» (همان: ۱۶۸).

وبر پیرامون دشواری این موضوع می‌گوید: «عینیت» علوم اجتماعی به این واقعیت بستگی دارد که داده‌های تجربی معمولاً با تصورات ارزش‌گذاری پیوند می‌خورند که به این داده‌ها ارزش دانستن می‌بخشد و معناداری داده‌های تجربی نیز از همان‌ها مشتق می‌شود؛ اما این داده‌ها هرگز نمی‌توانند پایه و اساس اثبات اعتبار تصورات ارزش‌گذار باشند- که از نظر تجربی غیرممکن است» (همان: ۱۶۹).

براین اساس باید گفت برای رفع این نقیصه که داده‌ها، مقوله‌گذاری‌ها و تفاسیر و تحلیل‌های به‌عمل‌آمده از داده‌ها به نحوی از انحاء با ارزش‌گذاری‌های محقق پیوند دارد، سعی شده است تمام داده‌ها مستند و قابل دآوری باشند. در این راستا هم تمام مراحل این مستندسازی شرح داده شده است و هم این امکان فراهم است تا هر داور و ناظری بتواند فرایند دآوری و تطابق تفسیرهای به‌عمل‌آمده را با داده‌های موجود واریسی کند.

فصل سوم:

تجزیه و تحلیل یافته‌ها



۳-۱- مقدمه

در این فصل در نظر داریم اطلاعات به دست آمده از طریق مصاحبه‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم. این کار همان طور که پیش تر گفته شد با استفاده از روش تحلیل محتوا/ متن انجام می‌شود. در این روش اطلاعات طبقه بندی، گزارش و تحلیل می‌شوند، اما نتیجه‌گیری نهایی به فصل بعدی موکول خواهد شد.

در فصل حاضر برای پیشبرد منظم کار، مبنای ما پرسش‌های مصاحبه‌نامه است. در مصاحبه‌نامه‌های سه‌گانه طرح، ۱۰ پرسش مطرح شده است که ما آن‌ها را به ۳ مقوله: الف) وضع موجود، جهت‌گیری‌ها و زمینه‌ها، ب) موانع و مشکلات فعالیت‌های اجتماعی و ج) کامیابی‌ها، پیامدها، راهکارها و چشم‌انداز آینده فعالیت‌های اجتماعی تقسیم کرده‌ایم.

ابتدا مصاحبه‌نامه شامل ۷ سؤال بود و بنا بر دلایلی مدعی این پیش فرض بود که: دانشجویان در حالت عادی گرایش بیشتری به فعالیت‌های سیاسی دارند و با مفروض دانستن چنین امری، در پی شناخت دلایل آن بودیم: چرا دانشجویان در مقایسه با فعالیت‌های سیاسی، تمایل و گرایش کمتری به فعالیت‌های اجتماعی دارند؟ در واقع چه زمینه‌هایی باید فراهم باشد تا دانشجویان به فعالیت اجتماعی بپردازند؟ اما از آنجا که مصاحبه‌شوندگان، فعالان تشکلهای اجتماعی بودند، به آسانی و با صراحت با پیش فرض پژوهش موافقت نمی‌کردند و همین موضوع موجب ایجاد چالشی نسبی در روند مصاحبه می‌شد و در همان ابتدا گره‌ای در فرایند مصاحبه ایجاد می‌کرد^۱. به همین دلیل پس از انجام ۹ مصاحبه، پرسش اول تغییر یافت و پرسش‌های دیگر به مصاحبه اضافه شد و نهایتاً در سه مقوله تقسیم‌بندی شدند:

۱- «وضع موجود» اشاره به سؤال از وضعیت فعلی دانشجویان در ارتباط با فعالیت‌های دانشجویی دارد و وقتی صحبت از «جهت‌گیری» می‌کنیم منظورمان وضعیت هنجاری یا تجویزی است و از پاسخگویان پرسیده‌ایم دانشجویان باید در چه زمینه‌ای فعالیت کنند؟
۲- البته در ادامه مصاحبه اغلب مصاحبه‌شوندگان، ادعای ما مبنی بر تمایل بیشتر دانشجویان به فعالیت سیاسی را ناخواسته مورد تأیید قرار می‌دادند.

۳-۲- وضع موجود، جهت‌گیری‌ها و زمینه‌ها

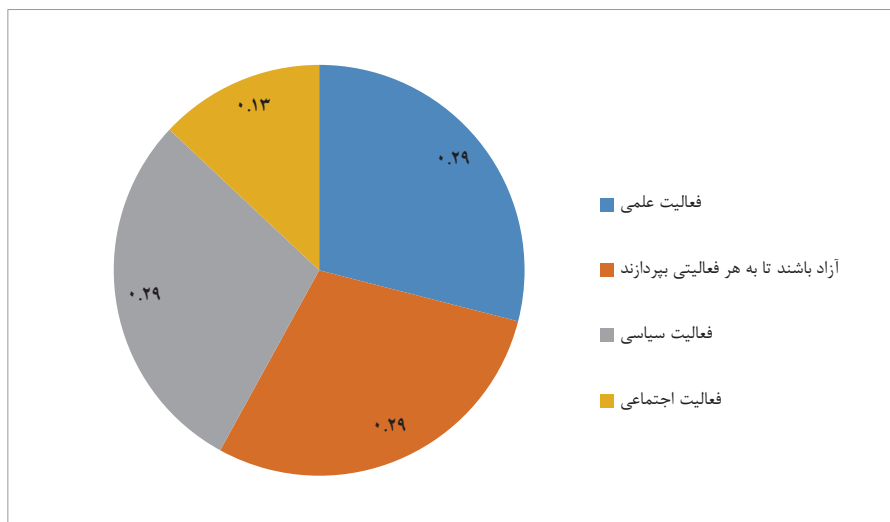
در این بخش ۳ پرسش به شرح زیر طرح شده‌اند:

- ۱- به نظر شما به ترتیب اولویت، مهم‌ترین زمینه‌هایی که دانشجویان باید در آن‌ها فعالیت داشته باشند، کدام است؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟^۲
- ۲- در حال حاضر ما چه می‌بینیم؟ دانشجویان بیشتر در کدام یک از زمینه‌های پیش‌گفته، فعالیت دارند؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟
- ۳- به نظر شما چه زمینه‌هایی باید فراهم باشد تا دانشجویان به فعالیت اجتماعی بپردازند؟

۳-۲-۱- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش اول:

- ۱- به نظر شما به ترتیب اولویت، مهم‌ترین زمینه‌هایی که دانشجویان باید در آن‌ها فعالیت داشته باشند، کدام است؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟
- ممکن است در ابتدا این سؤال پیش آید که مبنای تقسیم‌بندی فعالیت‌های دانشجویی به پنج مقوله بالا چه بوده است. در پاسخ باید گفت تقسیم‌بندی از هر نوع که باشد برخی از مقولات را در خود جای می‌دهد و امکان در برگرفتن همه جوانب واقعیت را ندارد. ما هم بر اساس شناخت و اطلاعاتی که از واقعیت موجود داشتیم مقولات مذکور را برجسته کردیم ولی لزوماً با تقسیم‌بندی‌های وزارت علوم مطابقت ندارد^۳، اما تا حدود زیادی برای مخاطبان و مصاحبه‌شوندگان، قابل فهم و قابل قبول بود^۴.
- از میان سه پرسش بالا، رسیدن به پاسخ سؤالات دوم و سوم مهم‌تر بود ولی به دلیل مقاومتی که سؤال اول در مصاحبه‌شوندگان ایجاد کرده بود، سؤال فعلی را مطرح کردیم. از این رو پرسش اول برای ما حکم یک مدخل یا مقدمه برای ورود به دو سؤال دیگر را دارد. در پاسخ به سؤال اول چهار دسته پاسخ، مهم‌تر از سایر پاسخ‌ها به نظر می‌رسند:

نمودار شماره ۱: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره فعالیتی که دانشجویان باید به آن بپردازند



۱- در اینجا ترتیب سؤالات مطابق با تیتراژ نیست بلکه برخلاف تیتراژ، ابتدا جهت‌گیری‌ها را پرسیده‌ایم و سپس از وضع موجود سؤال کرده‌ایم.

۲- با اضافه کردن عبارت «چرا؟» لزوماً به دنبال فهم چرایی پاسخ‌ها نبوده‌ایم بلکه می‌خواستیم پاسخگو را به توضیح و بیان شواهد بیشتر در تأیید پاسخی که ارائه کرده است، وادار کنیم. البته در خلال پاسخ‌ها هم به ندرت از چرایی صحبت به میان آمده است.

۳- به‌عنوان مثال، وزارت علوم مقوله‌ای تحت عنوان کانون‌های فرهنگی، هنری و دینی دارد و نشریات هم دو بعد علمی و سیاسی را شامل می‌شود.

۴- برخی از مصاحبه‌شوندگان (از جمله دکتر کبیری، دکتر مطهری و مهدی عباسی) هم خواهان اضافه شدن مقولاتی از قبیل مقولات اقتصادی/شغلی، کارآفرینی و ورزشی به مقولات پنج‌گانه پژوهش بودند.



دسته اول (۹ نفر یعنی ۲۹ درصد) کسانی بودند که کارکرد اصلی دانشگاه و در نتیجه وظیفه نخست دانشجویان را پرداختن به امور علمی و درسی می‌دانستند و بدون نفی سایر فعالیت‌ها اعتقاد داشتند که دانشجویان باید در وهله اول به امور درسی خود رسیدگی کنند و چنانچه فرصتی باقی ماند، به سایر امور فوق برنامه (برحسب علایق خود) بپردازند.

دسته دوم (باز هم ۹ نفر) کسانی هستند که معتقدند دانشجویان باید این اختیار را داشته باشند و یا این زمینه برایشان به نحوی فراهم باشد که در همه زمینه‌ها به طور یکسانی ورود داشته باشند. از نظر این دسته از افراد، فراهم بودن شرایط و آزاد بودن افراد در انتخاب حوزه فعالیتشان، بر هر نوع فعالیت برتری دارد. آن‌ها معتقدند، گرایش‌ها و ذائقه‌های دانشجویان به حدی متکثر است که نمی‌توان با اولویت بندی و تجویز چند فعالیت محدود، نسبت به ساماندهی آن‌ها اقدام کرد و دانشجویان باید در فضایی قرار بگیرند که انواع و اقسام فعالیت‌ها را امتحان کنند و از این رهگذر هم تجربه خود را بالا ببرند و هم با پیدا کردن تمایلات خود، به مرحله خودکوفایی برسند.

دسته سوم (باز هم ۹ نفر!) بدون توجه به صورت سؤال مبنی بر تعیین «باید» یا تکیه بر بعد تجویزی موضوع، گفته‌اند گرایش به فعالیت‌های سیاسی بیشتر است. عمده این پاسخ‌ها مربوط به زمانی است که از آن‌ها خواسته بودیم موافقت یا عدم موافقت خود را با پیش فرض پژوهش (تمایل بیشتر دانشجویان به فعالیت‌های سیاسی) اعلام کنند.

دسته چهارم (۴ نفر یعنی حدود ۱۳ درصد) بر اولویت داشتن فعالیت‌های اجتماعی تأکید دارند. این افراد، عمدتاً کسانی هستند که خودشان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی مشغول هستند و با توجه به فواید و کارکردهای مثبت فعالیت‌های اجتماعی به ویژه روشن شدن آثار و نمود این فعالیت‌ها در زندگی‌شان به چنین دیدگاهی دست پیدا کرده‌اند.

در خلال پاسخ‌های بالا و گاه در کنار آن‌ها موارد پراکنده دیگری هم به چشم می‌خورد که در اقلیت هستند؛ از جمله این‌که هدف باید پرورش دانشجو، یا پرورش مسئولیت اجتماعی در دانشجویان باشد، دیگری این‌که دانشجو در خلال فعالیت‌های گوناگون خود تنوع را بیاموزد (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، زیستی و...). یکی از پاسخگویان هم گرایش دانشجویان به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را یکسان و از سوی دیگر پاسخگویی دیگران را در افزایش دانشجویان به همه فعالیت‌ها را در یک سطح می‌داند.

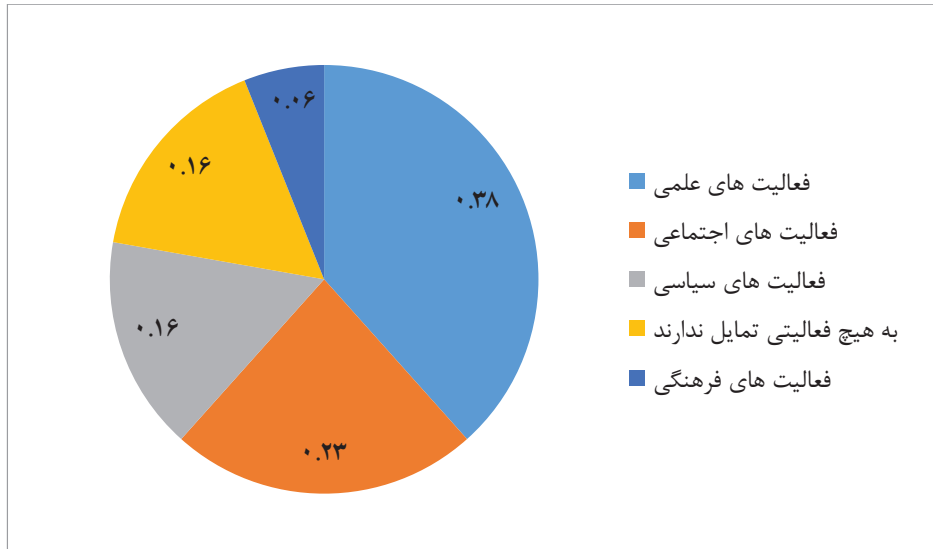
۳-۲-۲- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش دوم:

۲- در حال حاضر ما چه می‌بینیم؟ دانشجویان بیشتر در کدام یک از زمینه‌های پیش گفته، فعالیت دارند؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟

هدف از طرح سؤال این بوده است که با طرح آن، مقاومت ذهنی مصاحبه‌شونده شکسته شود و ذهن او به دور از تعصب، برای ارزیابی وضع موجود آماده شود. پاسخ‌ها نشان می‌دهد این هدف تا حدود زیادی محقق شده است. در اینجا باز هم مبنای کار، همان پنج مقوله مندرج در پرسش اول است.

می‌توان پاسخ‌ها ارائه شده توسط مصاحبه‌شوندگان را در چهار مقوله دسته بندی کرد:

نمودار شماره ۲: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره وضعیت فعلی فعالیت‌های دانشجویی



دسته اول که ۱۲ نفر (۳۹ درصد) هستند، معتقدند، دانشجویان در حال حاضر بیشتر به فعالیت‌های علمی گرایش دارند؛ یا فعالیت‌های علمی را به عنوان اولویت نخست خود مورد توجه قرار می‌دهند. این دسته از پاسخگویان را عمدتاً پژوهشگران و مسئولان تشکیل می‌دهند و البته تعدادی از دانشجویان هم در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. پاسخ‌های این بخش فاقد سوگیری است و پاسخگویان بدون تعصب، فارغ از تعلقات دانشجویی و پس از کسب تجارب علمی و اجرایی گوناگون به این نتیجه و ارزیابی رسیده‌اند.

دسته دوم شامل ۷ نفر (۲۳ درصد) که اغلب دانشجوی هستند، مهم‌ترین مشغله فعلی دانشجویان را فعالیت‌های اجتماعی می‌دانند. این دسته نه تنها اغلب دانشجوی هستند بلکه اغلب درگیر فعالیت‌های اجتماعی نیز هستند.

دسته سوم که ۵ نفر (۱۶ درصد) را شامل می‌شوند، معتقدند مهم‌ترین فعالیت فعلی دانشجویان در عرصه فعالیت‌های سیاسی است. این تعداد پاسخ که به ظاهر کم به نظر می‌رسد در حالی بیان شده است که تعداد قابل توجهی از پاسخگویان معتقدند فضای مناسبی برای فعالیت سیاسی فراهم نیست و دانشجویان به دلایل متعددی از سیاست دل‌زده شده‌اند.

دسته چهارم که در آن هم ۵ نفر (۱۶ درصد) قرار گرفته‌اند و باور دارند که به دلیل نامساعد بودن زمینه فعالیت دانشجویی و سرخورده شدن دانشجویان از اتفاقاتی که طی دو دهه گذشته پیش آمده است، دانشجویان به هیچ‌یک از فعالیت‌ها تمایلی ندارند. اگر با نگاه آسیب‌شناسانه در این یافته تأمل کنیم باید گفت که اولاً این تعداد از دانشجویان که هیچ فعالیتی انجام نمی‌دهند بسیار قابل توجه است و ثانیاً، بسیاری از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی احتمالاً از همین قشر سر می‌زند.

دسته پنجم که فقط شامل ۲ نفر (۶ درصد) می‌شود، فعالیت‌های فرهنگی را مهم‌ترین مشغله دانشجویان می‌دانند. در این دسته یک نفر از پاسخگویان از دو گزینه اجتماعی و فرهنگی استفاده کرده است.

۳-۲-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش سوم:

۳- به نظر شما چه زمینه‌هایی باید فراهم باشد تا دانشجویان به فعالیت اجتماعی بپردازند؟
هدف از طرح این سؤال آن بود تا مقوله کلی «وضع موجود، جهت‌گیری‌ها و زمینه‌ها» تکمیل شود. در دو پرسش قبلی تا حدود زیادی وضع موجود و جهت‌گیری فعالیت‌های دانشجویی مشخص شد، اما هنوز به این پرسش کلیدی پاسخ داده نشده است که چه زمینه‌هایی می‌تواند موجب گسترش و تقویت فعالیت‌های اجتماعی شود؟ در واقع این سؤال، سرآغاز ورود به دغدغه اصلی پژوهش (فعالیت‌های اجتماعی) است و همان‌طور که پیش‌تر هم گفته شد، دو پرسش قبلی، مقدمه‌ای برای طرح پرسش سوم بودند و صرف نظر از نوع

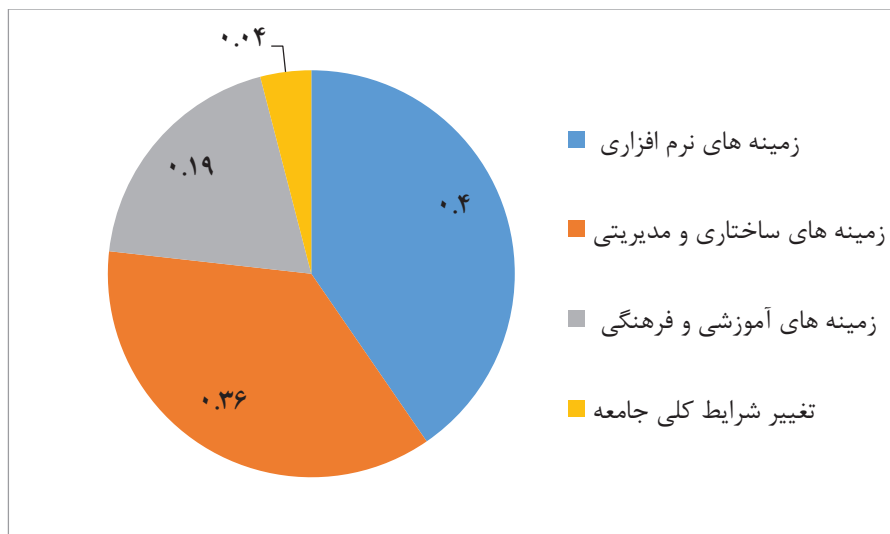


پاسخ‌هایی که به آن‌ها داده می‌شد ما ناگزیر بودیم پرسش سوم را به صورت جدی پی بگیریم. در پاسخ به این پرسش، ۷۴ پاسخ و ۳۸ مقوله/ پاسخ گوناگون داده شده است که برای فهم و جمع‌بندی بهتر آن‌ها، به صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند. در نگاه نخست و بدون آن‌که دخل و تصرفی در ترکیب‌بندی پاسخ‌ها داده باشیم، پاسخ‌های زیر، دارای بیش‌ترین فراوانی هستند:

- تخصیص بودجه و امکانات (۷ پاسخ)
- تشریح و توضیح اثربخشی فعالیت‌های اجتماعی برای دانشجویان (۶ پاسخ)
- ایجاد فضای امن برای دانشجویان و فعالیت اجتماعی (۴ پاسخ)
- همراه کردن خانواده‌ها (۴ پاسخ)
- استفاده از نظرات دانشجویان (۴ پاسخ)

هرچند پاسخ‌های بالا تا حدود زیادی گویای نوع نگاه پاسخگویان به زمینه‌های لازم برای انجام فعالیت‌های اجتماعی توسط دانشجویان است، اما برای دسته‌بندی بهتر پاسخ‌ها ترجیح دادیم پاسخ‌ها را در مقوله‌های جدیدتری دسته‌بندی کنیم:

نمودار شماره ۳: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره زمینه‌های لازم برای انجام فعالیت‌های اجتماعی



الف) زمینه‌های نرم‌افزاری (شامل اعتمادسازی، امنیت، امید و انگیزه‌دادن، حمایت، توجه، همراهی، شاد بودن برنامه‌ها، تشویق و ترغیب دانشجویان)؛ (۳۰ پاسخ، ۴۰ درصد).

ب) زمینه‌های ساختاری و مدیریتی (شامل اصلاح قوانین و مقررات، سازماندهی، تخصیص بودجه و امکانات، بسترسازی، امتیازبخشی)؛ (۲۷ پاسخ، ۳۶ درصد).

ج) زمینه‌های آموزشی و فرهنگی (شامل فرهنگ‌سازی، استعدادیابی، نظریه‌پردازی، تشریح اثربخشی، توانمندسازی، برجسته‌سازی، الگوسازی، تبلیغات)؛ (۱۴ پاسخ، ۱۹ درصد).

د) تغییر شرایط کلی جامعه؛ (۳ پاسخ، ۴ درصد).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اصلی‌ترین زمینه برای رشد و رونق فعالیت‌های اجتماعی، توجه به جنبه‌های نرم‌افزاری است. در گام بعدی، لازم است زمینه‌های ساختاری و مدیریتی فراهم شود. گام بعدی، توجه به مقوله آموزش و فرهنگ‌سازی است و البته تغییر شرایط عمومی و کلی جامعه هم باید موافق و در جهت تقویت فعالیت‌های اجتماعی باشد.



۳-۳- موانع و مشکلات

ابتدا بنا بر پیشنهاد کمیته راهبری پژوهش قرار بود موانع موجود در مسیر فعالیت‌های اجتماعی در قالب یک سؤال کلی پرسیده شود ولی ما بر این عقیده بودیم که پرسش کلی، پاسخ کلی در پی خواهد داشت. لذا بعد از انجام چند مصاحبه به همین نتیجه رسیدیم و پرسش‌های مربوط به موانع را در قالب سه پرسش زیر مطرح کردیم تا سطوح موانع از هم تفکیک شود و اگر نکته‌ای خارج از دو سطح مورد نظر به ذهن پاسخگو رسید در جمع بندی موانع بیان کند^۱.

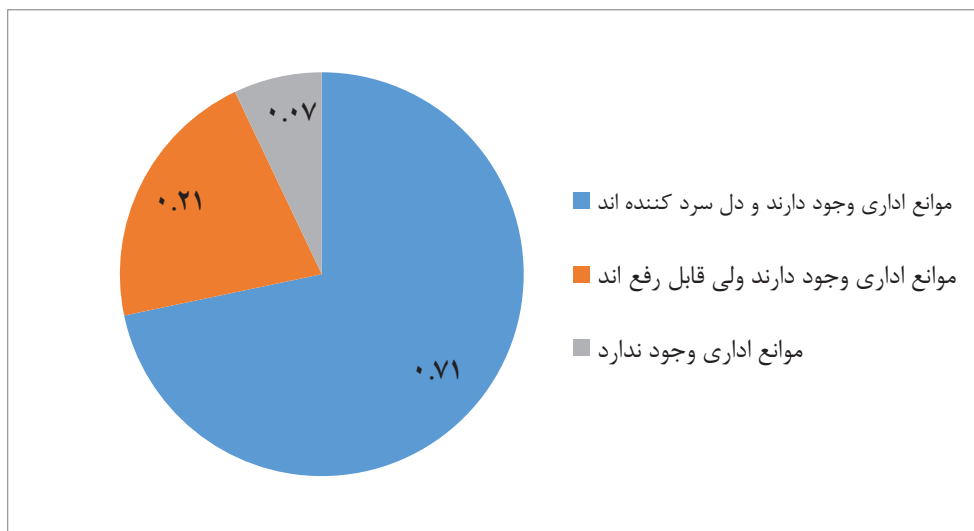
- ۴- موانع اداری، بوروکراتیک و ساختاری برای انجام فعالیت‌های اجتماعی کدام‌اند و چه تأثیری بر کاهش تمایل دانشجویان به فعالیت‌های اجتماعی دارند؟
- ۵- به نظر شما حاکمیت در ارتباط با فعالیت اجتماعی دانشجویان، نقش مشوق را ایفا می‌کند یا مانع‌تراشی می‌کند؟ چرا؟
- ۶- در مجموع، موانع فعالیت اجتماعی دانشجویان در این زمینه چیست؟

۳-۳-۱- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش چهارم

موانع اداری، بوروکراتیک و ساختاری برای انجام فعالیت‌های اجتماعی کدام‌اند و چه تأثیری بر کاهش تمایل دانشجویان به فعالیت‌های اجتماعی دارند؟

گاهی اوقات حتی اگر حاکمیت نسبت به پیشبرد یک موضوع نظر مخالفی هم نداشته باشد و یا حتی موافق آن باشد باز هم می‌بینیم، کارها به‌کندی پیش می‌رود. مقصود از طرح این پرسش این بود تا بین رفتار کلی حاکمیت از یک سو و امور اداری و بوروکراتیک رایج در دانشگاه‌ها تفکیک قائل شویم. در اینجا از پاسخگویان خواستیم برحسب تجاربی که داشته‌اند به موانع بوروکراتیک و تأثیری که بر کاهش تمایل آن‌ها در پیگیری فعالیت‌های اجتماعی داشته است، اشاره کنند. بدیهی است که فعالیت اجتماعی پاسخگویان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی در قالب تشکل‌ها انجام می‌شود و ثبت و قانونی کردن این تشکل‌ها مستلزم انجام تشریفات اداری معینی است و آن‌ها قادرند با توجه به این تجارب، موانع تجربه شده را بیان کنند. در یک نگاه کلی، پاسخ‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

نمودار شماره ۴: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره موانع اداری موجود در مسیر فعالیت‌های اجتماعی



۱- به‌رغم تأکید ما بر تفکیک موانع و طرح جداگانه پرسش‌های مصاحبه، باز تعدادی از پاسخگویان، پاسخ‌های کلی ارائه کرده‌اند.

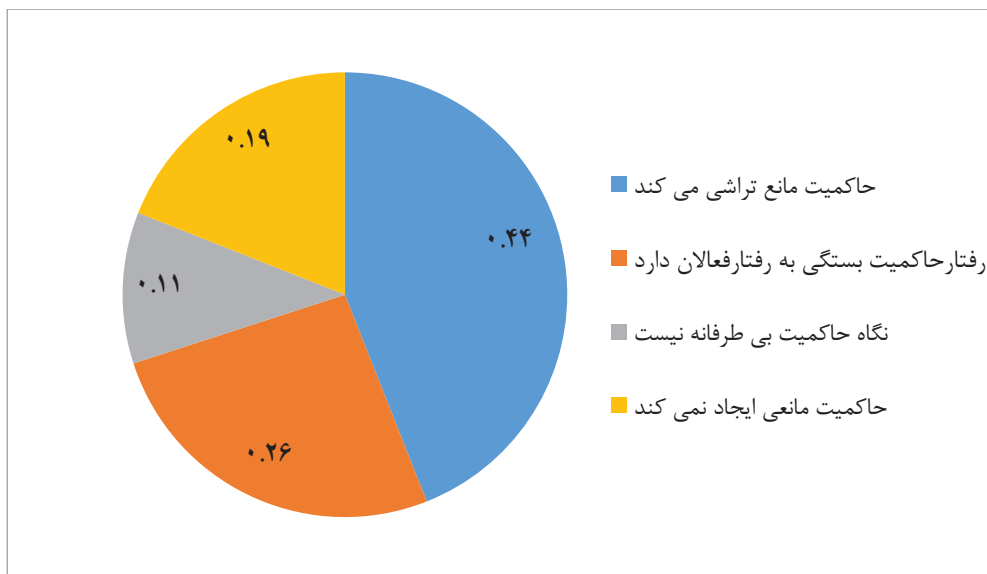
- ۱- کسانی که معتقدند در دانشگاه‌های ما موانع بوروکراتیک وجود دارد و همین موانع سبب محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی از یک سو و دلسرد شدن دانشجویان می‌شود (۲۰ پاسخ، ۷۱ درصد).
- ۲- کسانی که معتقدند موانع وجود دارد ولی نمی‌تواند موجب کند شدن یا توقف فعالیت‌های اجتماعی شود، زیرا انگیزه درونی دانشجویان و اشتیاقشان به فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند این موانع را از پیش رو بردارد، یا این‌که این موانع اساساً متوجه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نیست بلکه معطوف به فعالیت‌های سیاسی و صنفی است (۶ پاسخ، ۲۱ درصد).
- ۳- کسانی که به وجود موانع بوروکراتیک در دانشگاه اعتقادی ندارند و منکر وجود چنین موانعی هستند (۲ پاسخ، ۷ درصد).

بنابراین همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان به وجود موانع اداری در دانشگاه‌ها در مسیر فعالیت‌های اجتماعی اذعان دارند و از این گروه، حدود ۷۰ درصد از پاسخگویان، این موانع را جدی قلمداد می‌کنند و معتقدند وجود چنین موانعی موجب دلسردی دانشجویان از ادامه فعالیت در عرصه‌های اجتماعی می‌شود و نهایتاً موجب سوق دادن دانشجویان به فعالیت‌های سیاسی خواهد شد. گروهی کوچک (۲ نفر) هم معتقدند اساساً در مسیر فعالیت‌های اجتماعی، مانعی وجود ندارد یا این موانع ساختاری نیست.

۳-۲- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش پنجم

- ۵- به نظر شما حاکمیت در ارتباط با فعالیت اجتماعی دانشجویان، نقش مشوق را ایفا می‌کند یا مانع تراشی می‌کند؟ چرا؟
- موانع اداری، لایه اولیه برای ورود به بحث موانع است و چون با رفتار کارگزاران و سیاست دولت‌ها ارتباط دارد با تغییر دولت‌ها، کارگزاران و مدیران دولتی، ممکن است تغییرات زیادی در وضعیت قوانین و مقررات اداری ایجاد شود. از این گذشته پاسخگویان به راحتی به این‌گونه موانع اشاره می‌کنند زیرا تبعاتی برای آن‌ها در پی ندارد، اما موانع حاکمیتی می‌توانند عمری درازتر داشته باشند و از نظر اهمیت، در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرند زیرا با تغییر دولت‌ها تغییر چندانی در آن‌ها ایجاد نمی‌شود. از طرف دیگر پاسخگویان با احتیاط بیشتری به آن‌ها ورود می‌کنند ولی بدون شناسایی آن‌ها نمی‌توان به فهم درستی از موانع موجود بر سر راه فعالیت‌های اجتماعی دست یافت. در یک دسته بندی ساده می‌توان پاسخ‌ها را برحسب فراوانی آن‌ها به چهار دسته تقسیم کرد:

نمودار شماره ۵: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره نقش حاکمیت در مسیر فعالیت‌های اجتماعی





گروه اول که ۱۲ نفر (۴۴ درصد) هستند کم و بیش با عبارات‌های نسبتاً مشابهی اعلام کرده‌اند که حاکمیت در فعالیت‌های اجتماعی نقش مشوق ندارد، بلکه تا حد امکان در مسیر انجام این‌گونه فعالیت‌ها مانع‌تراشی می‌کند. از دید برخی از این پاسخگویان، گسترش دامنه فعالیت‌های اجتماعی ممکن است امکان کنترل و مدیریت آن‌ها را دشوار کند. لذا حاکمیت در اقدامی پیش‌دستانه به این‌گونه فعالیت‌ها روی خوش نشان نمی‌دهد و تا جایی که بتواند آن‌ها را کنترل و محدود می‌کند. حتی عده‌ای چنین رفتاری را از سوی حاکمیت، امری طبیعی دانسته‌اند و بر این اعتقادند در تمامی کشورها، حاکمیت وظیفه دارد فعالیت‌های ناهم‌سو با اهداف خود را محدود کند.

گروه دوم شامل ۷ نفر (۲۶ درصد)، بر این اعتقادند تا زمانی که فعالان تشکل‌های اجتماعی از خطوط قرمز مورد نظر حاکمیت عبور نکرده باشند با آن‌ها کاری ندارد و حتی ممکن است آن‌ها را تشویق کند، ولی به محض عبور آن‌ها از خطوط ترسیم شده، با آن‌ها برخورد می‌کند. از دید این گروه، همه چیز بستگی به رفتار فعالان تشکل‌های اجتماعی دارد.

گروه سوم که ۳ نفر (۱۱ درصد) هستند نگاه حاکمیت به فعالیت‌های اجتماعی را نگاهی برابر و بی‌طرف نمی‌دانند. از دید این گروه اگر حاکمیت عده‌ای را خودی بداند، آن‌ها را همراهی می‌کند در غیر این صورت با آن‌ها مخالفت می‌کند. وجه دیگر رفتار تبعیض‌آمیز حاکمیت از دید این گروه، تفاوت قائل شدن بین فعالیت‌های مذهبی و غیرمذهبی است.

گروه چهارم مشتمل بر ۵ نفر (۱۹ درصد)، نه تنها منکر هرگونه مانع‌تراشی حاکمیت در مسیر فعالیت‌های اجتماعی هستند بلکه معتقدند نظام در خدمت و مشوق دانشجویان در این مسیر است.

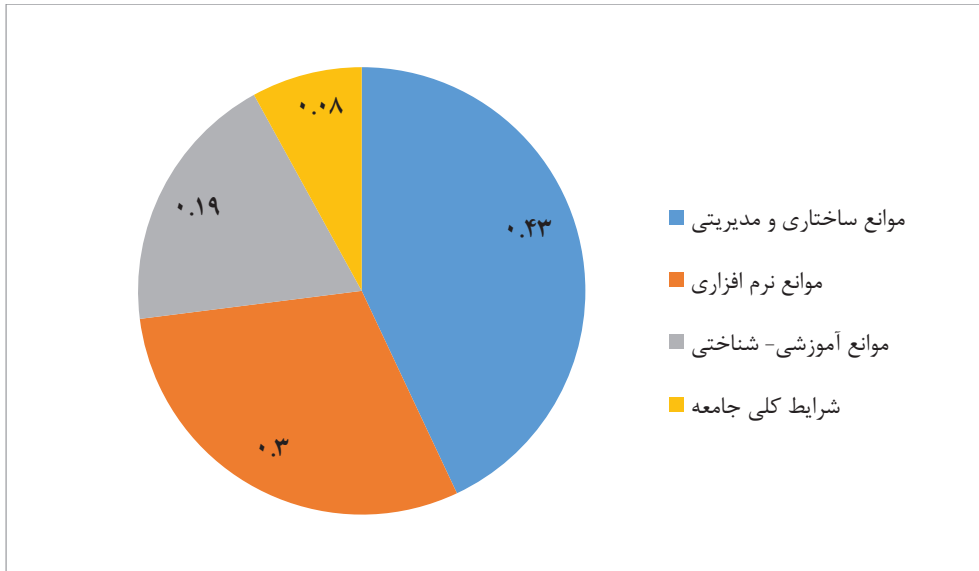
در جمع‌بندی یافته‌های مربوط به موانع حاکمیتی، باید گفت اکثر قریب به اتفاق پاسخگویان بر این عقیده‌اند که حاکمیت بدون قید و شرط (۱۲ نفر یا ۴۴ درصد) یا مشروط به رعایت نکردن برخی از شروط و خطوط قرمز (۷ نفر یا ۲۶ درصد) در مسیر انجام فعالیت‌های اجتماعی مانع‌تراشی می‌کند و بخشی دیگر (۳ نفر یا ۱۱ درصد) نیز معتقدند اساساً حاکمیت نگاه عادلانه‌ای نسبت به فعالیت‌ها یا تشکل‌های اجتماعی ندارد. این سه گروه جمعاً ۸۱ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند و در مقابل ۵ نفر یا حدود ۱۸ درصد اعتقادی به مانع‌تراشی حاکمیت در مسیر فعالیت‌های اجتماعی ندارند و بلکه حاکمیت را پشتیبان و مشوق فعالیت‌های اجتماعی می‌دانند.

۳-۳-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش ششم

۶- در مجموع، موانع فعالیت اجتماعی دانشجویان در این زمینه چیست؟

در ابتدا تصور بر این بود که به دلیل چالش تاریخی حاکمیت و گروه‌های دانشجویی در پیش و پس از انقلاب، احتمالاً مهم‌ترین چالش پیش روی فعالیت‌های اجتماعی کماکان حاکمیت باشد. از این رو این بخش از موانع به صورت جداگانه مورد پرسش و بررسی قرار گرفت تا هرگونه شک و شبهه‌ای برطرف شود و این متغیر مهم در لابه‌لای سایر پاسخ‌ها گم نشود. با این حال برای درک موانع فعالیت‌های اجتماعی، سؤال از موانع اداری و حاکمیتی کفایت نمی‌کرد زیرا موانع، بسیار عام‌تر و گسترده‌تر از این دو مقوله است به همین دلیل سؤال سومی هم در نظر گرفته شد تا هم نقص مذکور را بپوشاند و هم هر چه را که ما نادیده گرفته‌ایم توسط مصاحبه‌شونده‌ها بیان شود. وقتی از موانع کلی صحبت می‌کنیم، طیف گسترده‌ای از موانع را در بر می‌گیرد. چنانچه بخواهیم ۸۹ پاسخ و ۴۴ مقوله/پاسخ را در مقولات محدودتری خلاصه کنیم می‌توان از همان دسته‌بندی صورت گرفته در سؤال مربوط به زمینه‌ها استفاده کرد:

نمودار شماره ۶: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره موانع موجود در مسیر فعالیت‌های اجتماعی



الف) موانع ساختاری و مدیریتی (عدم تمایل حاکمیت و دانشگاه به فعالیت‌های اجتماعی، عدم پذیرش فعالیت‌های اجتماعی از سوی حاکمیت و دانشگاه، عدم همکاری مسئولان دانشگاه، عدم تخصیص بودجه و امکانات لازم، قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، نامشخص بودن اولویت‌ها، ضعف تشکل‌ها در جذب دانشجویان، ضعف تشکل‌ها در تیم‌سازی، فقدان بسترهای لازم در دانشگاه، فقدان ارتباط میان فعالیت‌های دانشجویی و صنعت، سیاسی بودن مسئولان دانشگاه، سیاست‌های نهاد رهبری در دانشگاه، اصالت دادن بیش‌ازحد به بودجه، خلأ و محدودیت قانونی، امتیاز ندادن به فعالیت‌های اجتماعی و یکسان بودن فرایند اداری فعالیت‌های اجتماعی با سایر فعالیت‌ها)؛ (۳۸ پاسخ، ۴۳ درصد).

ب) موانع نرم‌افزاری (شامل بی‌اعتمادی، احساس ناامنی، ناامیدی نسبت به آینده، غلبه فردگرایی و عدم تمایل به کار گروهی و داوطلبانه، ضعف مسئولیت اجتماعی، انحصارگرایی تشکل‌ها، عدم-اعتماد متقابل مسئولان و دانشجویان، کلیشه‌های جنسیتی، احساس غیرمؤثر بودن و ضعف فرهنگ مدارا)؛ (۲۷ پاسخ، ۳۰ درصد).

ج) موانع آموزشی-شناختی (شامل توانمند نبودن اعضای تشکل‌ها، شناخت نادرست دانشگاه و دانشجویان از فعالیت‌های اجتماعی، نامشخص بودن تعریف فعالیت اجتماعی، دانش اندک متولیان دانشگاه و آموزش ندیدن دانشجویان)؛ (۱۷ پاسخ، ۱۹ درصد).

د) شرایط کلی جامعه به‌ویژه شرایط اقتصادی؛ (۷ پاسخ، ۸ درصد).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از مجموع ۸۹ مانعی که ذکر شده است، بیش از ۴۲ درصد از آن‌ها در مقوله موانع ساختاری و مدیریتی قرار می‌گیرند که امری خارج از اراده و توان فعالان تشکل‌های اجتماعی است و پس از آن موانع نرم‌افزاری با ۲۷ مانع (۳۰ درصد) قرار می‌گیرند که امری مشترک و متقابل میان مدیریت دانشگاه‌ها، حاکمیت و دانشجویان است. در دسته سوم، موانع آموزشی-شناختی با حدود ۲۰ درصد (۱۷ مورد) قرار می‌گیرند که باز میان مسئولان و دانشجویان دارای اشتراک هستند و در پایان موانع مربوط به شرایط کلی جامعه قرار گرفته‌اند (۷ مورد یا ۸ درصد) که به‌طورکلی از دایره توان دانشجویان خارج ولی حاکمیت تا حدود زیادی می‌تواند در تغییر آن مؤثر واقع شود؛ بنابراین ۵۰ درصد از موانع از حیطة توان و اختیارات دانشجویان خارج است و در ۵۰ درصد مابقی هم بخش زیادی از موانع متوجه دانشگاه و حاکمیت است.

۳-۴- کامیابی‌ها، پیامدها، راهکارها و چشم‌انداز آینده

این بخش شامل چهار پرسش است که در نظر دارد میزان کامیابی دانشجویان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، پیامدهای مثبت یا منفی فعالیت‌های اجتماعی برای خود دانشجویان، دانشگاه، حاکمیت و جامعه، راهکارهای گسترش و بهبود فعالیت‌های اجتماعی و هم‌چنین دورنما و چشم‌انداز این فعالیت‌ها را مورد بررسی قرار دهد.

۷- با در نظر گرفتن همه جوانب، مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی به ویژه برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت در جامعه تا چه اندازه موفق یا ناموفق بوده است؟

۸- مشارکت در زمینه فعالیت‌های اجتماعی چه پیامدهایی (مثبت یا منفی) برای دانشجویان، دانشگاه، حاکمیت و جامعه دارد؟

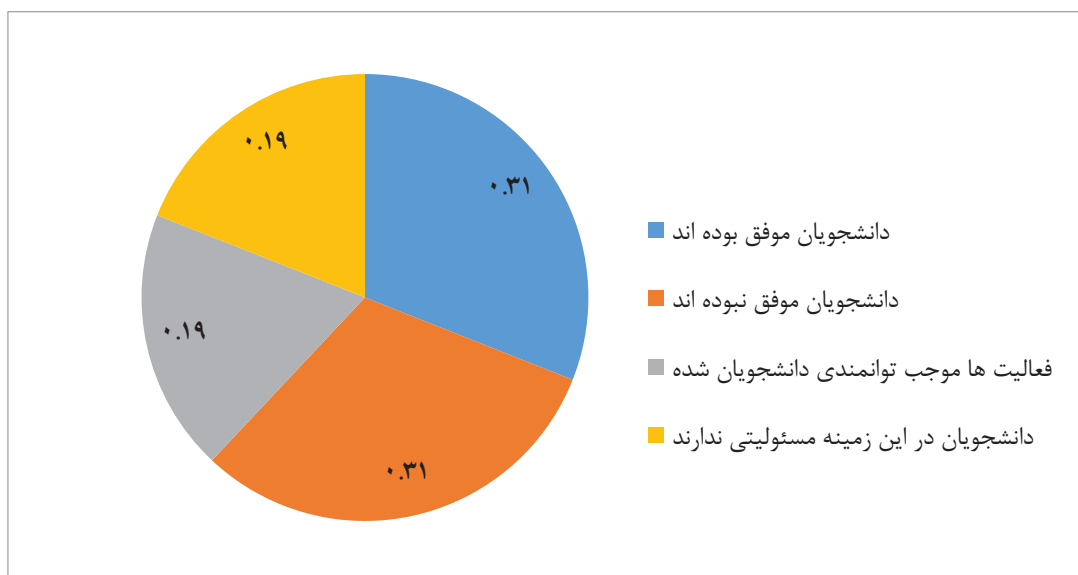
۹- برای بهبود و پیشرفت فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان چه پیشنهاداتی دارید؟

۳-۴-۱- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش هفتم

با در نظر گرفتن همه جوانب، مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی به ویژه برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت در جامعه تا چه اندازه موفق یا ناموفق بوده است؟

همان‌گونه که گفته شد در این پرسش به دنبال این بوده‌ایم تا ببینیم فعالیت‌های اجتماعی که از قضا با هدف رفع فقر و محرومیت و برقراری عدالت و با تمرکز بر فعالیت‌های خیریه‌ای انجام می‌شوند طبق ارزیابی فعالان این حوزه و نیز آگاهان و مسئولان این عرصه تاکنون تا چه اندازه موفق یا ناموفق بوده‌اند. پاسخ‌های ارائه شده حاکی از آن است که این پاسخ‌ها را می‌توان در چهار مقوله دسته‌بندی کرد:

نمودار شماره ۷: توزیع پاسخگويان برحسب نظر آن‌ها درباره میزان موفقیت دانشجویان در زمینه رفع فقر و محرومیت



الف) دسته اول شامل ۱۱ نفر (۳۱ درصد)، کسانی هستند که به رغم همه کاستی‌ها و موانع معتقدند دانشجویان در زمینه رفع فقر و محرومیت و برقراری عدالت موفق بوده‌اند.

ب) دسته دوم که آن‌ها نیز ۱۱ نفر (۳۱ درصد) نفر هستند، فعالان و تشکل‌های اجتماعی را در این زمینه موفق نمی‌دانند.

ج) دسته سوم شامل ۷ نفر (۱۹ درصد) بر این اعتقادند که اگرچه فعالان تشکل‌های اجتماعی کم‌وبیش موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی

داشته‌اند اما آنچه از موفقیت آن‌ها در زمینه رفع فقر و محرومیت مهم‌تر است، تأثیر درازمدت و ماندگار این‌گونه فعالیت‌ها در پرورش، خودسازی، آگاه‌سازی و دردمندی خود دانشجویان است. از دیدگاه این گروه، هدف از فعالیت اجتماعی بیش از آن‌که رفع فقر باشد، مواجهه و آشنایی دانشجویان با چهره‌های گوناگون فقر و نابرابری و هم‌چنین پرورش و توانمندسازی دانشجویان برای مدیریت بهتر جامعه و رفع مسائل و مشکلات آن در سطحی بالاتر است.

۵) دسته چهارم که آن‌ها نیز ۷ نفر (۱۹ درصد) هستند در زمینه رفع فقر و نابرابری هیچ‌گونه وظیفه‌ای برای دانشجویان قائل نیستند بلکه بر این عقیده‌اند، دانشجویان باید در این زمینه به جای غرق شدن در امور خیریه‌ای و دامن زدن به عطش جامعه برای کمک گرفتن از افراد خیر، مردم را نسبت به حقوقشان آگاه و حاکمیت را برای رفع نیازهای مردم، پاسخگو کنند.

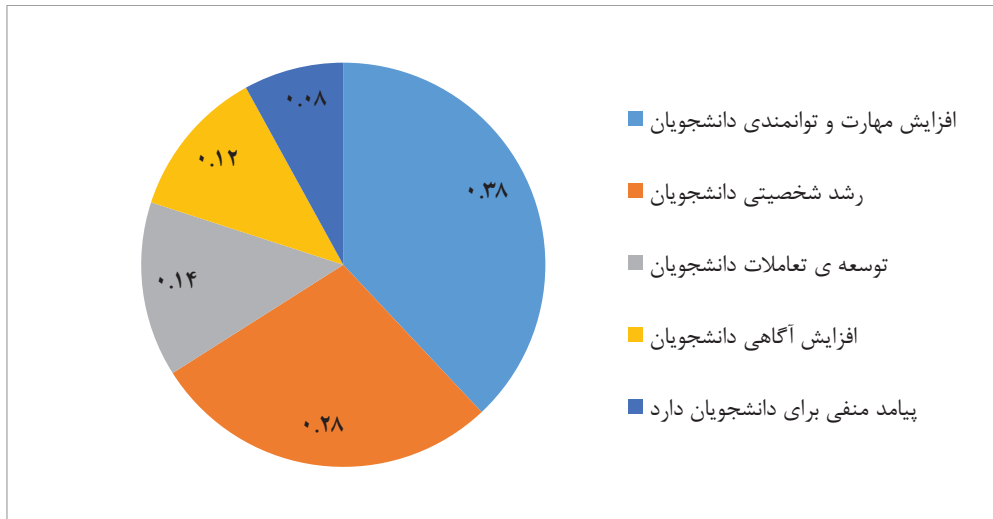
۳-۴-۲- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش هشتم

یکی از چالش‌های مفروض، چالش حاکمیت با فعالیت‌های دانشجویی به‌طور عام است. شاید چنین به نظر برسد که حاکمیت با فعالیت‌های اجتماعی که اتفاقاً هم‌راستا با اهداف نظام سیاسی هم هستند، هیچ مشکلی نداشته باشد، اما در واقع چنین نیست و یافته‌های این پژوهش که عمدتاً مبتنی بر نظرات فعالان تشکل‌های دانشجویی است حاکی از آن است که حاکمیت فقط در محدوده‌ای خاص با فعالیت‌های اجتماعی هم‌داستان است ولی وقتی چنین فعالیت‌هایی از دامنه و گستره مورد نظر حاکمیت (از نظر بعد و گستردگی فعالیت‌ها یا محدوده جغرافیایی) خارج شود یا برنامه‌ها و خواسته‌های فعالان تشکل‌های اجتماعی سمت و سویی پیدا کند که با سمت و سوی مورد انتظار حاکمیت هم‌خوانی ندارد، چالش با فعالیت‌های اجتماعی هم آشکار می‌شود. این در حالی است که به اذعان اکثریت فعالان این حوزه، فعالیت اجتماعی اگرچه ممکن است بعضاً موجب افزایش مطالبات اجتماعی شود و از این رهگذر در کوتاه‌مدت در دسرهایی برای حاکمیت ایجاد کند ولی در درازمدت می‌تواند بار زیادی را از روی دوش حاکمیت بردارد. از این رو سعی کردیم با پرداختن به پیامدهای فعالیت در تشکل‌های اجتماعی، چنین پیامدهایی را از زبان فعالان این عرصه جویا شویم. این کار سبب می‌شود ابعاد و زوایای پنهان ولی کارکردی این‌گونه فعالیت‌ها برای همه افراد ذی‌نفع و به‌ویژه برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران آشکار شود. در این پرسش پیامدهای فعالیت اجتماعی برای چهار بخش یا گروه دانشجویان، دانشگاه، حاکمیت و جامعه مورد سؤال قرار گرفته شده است. از این رو پرسش مذکور در واقع چهار پرسش است که در یک پرسش گنجانده شده است. در اینجا برای فهم و استفاده بهتر از یافته‌ها، آن‌ها را به صورت جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۳-۴-۲-۱- پیامدهای فعالیت اجتماعی برای دانشجویان

مشارکت در زمینه فعالیت‌های اجتماعی چه پیامدهایی (مثبت یا منفی) برای دانشجویان، دانشگاه، حاکمیت و جامعه دارد؟ کنشگران اصلی فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان هستند. شاید برای عده‌ای این سؤال پیش بیاید که فعالیت اجتماعی جز این‌که دانشجویان را از فعالیت اصلی‌شان یعنی تحصیل و پژوهش و مطالعه دور کند، چه فایده‌ای دارد؟ یا از خود پرسند آیا بهتر نیست کاری را که به عنوان مثال دانشجویان در قالب اردوهای جهادی انجام می‌دهند، با صرف مقداری هزینه، به افراد متخصص و کاردان، سپرده شود؟ برای پاسخ به پرسش‌های بالا و سایر پرسش‌های مشابه، نظرات دانشجویان و فعالان تشکل‌های اجتماعی در زیر و در قالب پنج گزاره پژوهشی آمده است:

نمودار شماره ۸: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره پیامد فعالیت‌های دانشجویی برای دانشجویان



الف) موجب تقویت مهارت و توانمندی فعالان دانشجویی می‌شود (افزایش مهارت دانشجویان، توانمندسازی، تقویت مهارت کار تیمی و گروهی، موفقیت شغلی، کسب تجربه، کسب آمادگی برای زندگی واقعی و افزایش احتمال پذیرش در دانشگاه‌های خارجی)؛ (۱۹ پاسخ، ۳۸ درصد).

ب) موجب تقویت ابعاد فردی، وجودی و شخصیتی خود فعالان دانشجویی می‌شود (افزایش حس مسئولیت پذیری، تقویت احساس از خودگذشتگی، داشتن حس خوب، تقویت بلندنظری، تغییر نگرش شغلی، دیگرخواهی، چندبعدی شدن، افزایش خلاقیت، تقویت روحیه عدالت طلبی و احساس مفید بودن برای جامعه)؛ (۱۴ پاسخ، ۲۸ درصد).

ج) موجب توسعه تعاملات و ارتباطات فعالان دانشجویی می‌شود (افزایش ارتباطات، افزایش همبستگی با جامعه، مثبت شدن نگاه جامعه به دانشجویان و افزایش احساس تعلق اجتماعی)؛ (۷ پاسخ، ۱۴ درصد).

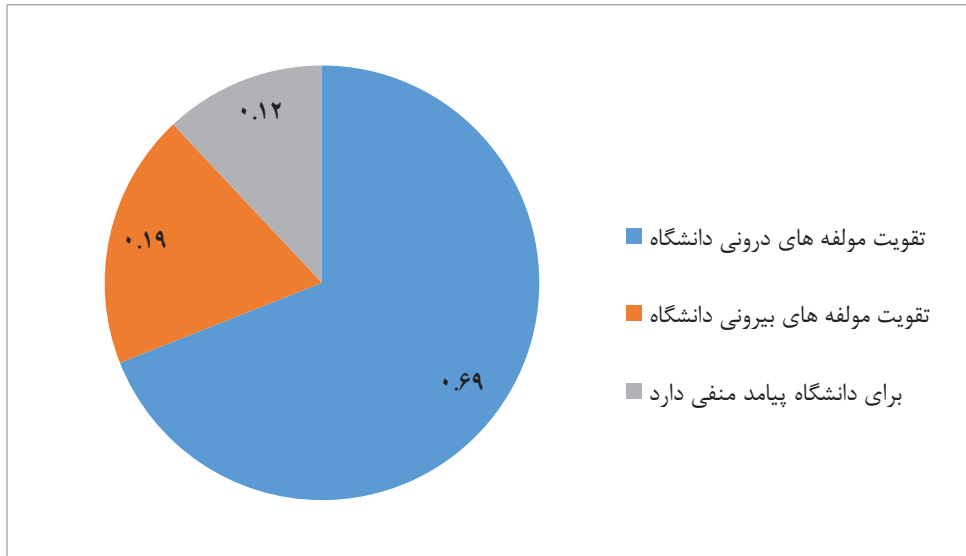
د) موجب افزایش شناخت و آگاهی فعالان دانشجویی می‌شود (۶ پاسخ، ۱۲ درصد).

ه) پیامدهای منفی دارد (افت تحصیلی، یأس و افسردگی ناشی از مشاهده و ارتباط با فقرا، صرف هزینه شخصی)؛ (۴ پاسخ، ۸ درصد). یافته‌های بالا نشان می‌دهد که از مجموع ۵۰ پاسخ ارائه شده به این بخش فقط ۴ پاسخ (۸ درصد) از پیامدهای منفی فعالیت‌های اجتماعی حکایت دارد و ۹۲ درصد پاسخ‌ها پیامدهای مثبتی برای این‌گونه فعالیت‌ها بیان کرده‌اند. پیامدهای مثبت فعالیت‌های اجتماعی که متوجه دانشجویان است به ترتیب بیشترین فراوانی، عبارت‌اند از: تقویت مهارت و توانمندی فعالان دانشجویی، تقویت ابعاد فردی، وجودی و شخصیتی خود فعالان دانشجویی، توسعه تعاملات و ارتباطات فعالان دانشجویی. این یافته‌ها نشان می‌دهد که: اولاً توانمند شدن فعالان دانشجویی، تقویت ابعاد فردی، وجودی و شخصیتی آن‌ها و توسعه تعاملات و ارتباطاتشان از اهمیت بالایی برخوردار است و ثانیاً آن‌ها چنین مزایایی را در طول فعالیت خود در شکل‌های اجتماعی تجربه کرده‌اند و بیان این مزایا به عنوان بخشی از «تجربه زیسته» شان محسوب می‌شود.

۳-۲-۲-۴-۳- پیامدهای فعالیت اجتماعی برای دانشگاه

پاسخ‌های ارائه شده در این بخش نسبت به سایر بخش‌ها کمتر است. این بدان معناست که پاسخگویان، دانشگاه را به عنوان نهادی پشتیبان و بسترساز برای تقویت و توسعه فعالیت‌های اجتماعی می‌دانند و انتظار نمی‌رود با رونق فعالیت‌های اجتماعی لزوماً منفعتی هم متوجه دانشگاه شود. با این حال ۱۶ پاسخ ارائه شده در این رابطه در سه مقوله زیر قابل تقسیم‌بندی هستند:

نمودار شماره ۹: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره پیامد فعالیت‌های دانشجویی برای دانشگاه



الف) تقویت مؤلفه‌های درونی دانشگاه (شامل افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها، تأمین فضایی برای گذاران اوقات فراغت دانشجویان، گفتمان‌سازی، کاهش انگیزه دانشجویان برای فعالیت سیاسی، افزایش عقلانیت دانشگاه، افزایش مشارکت دانشگاه، تقویت جنبه‌های علمی دانشگاه، کاهش آسیب‌های اجتماعی در دانشگاه و افزایش نشاط در دانشگاه)؛ (۱۱ پاسخ، ۶۹ درصد).

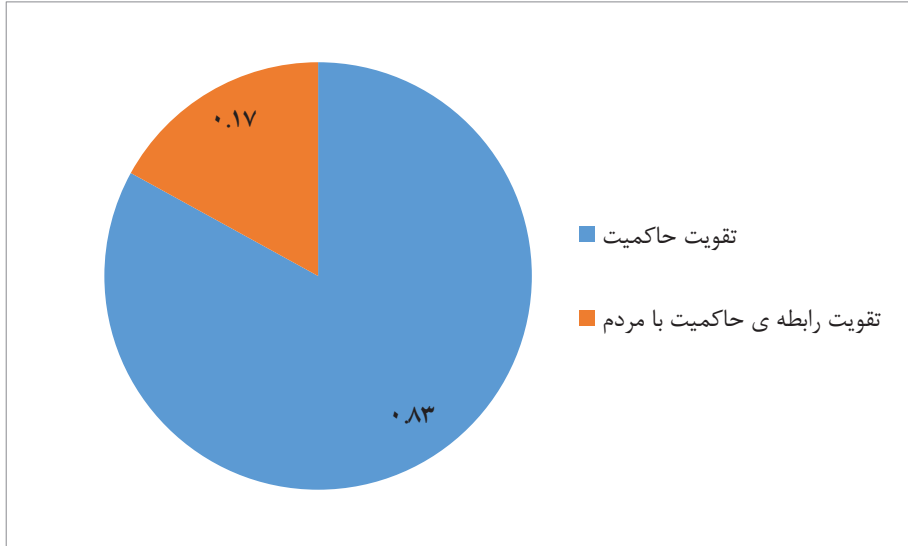
ب) تقویت مؤلفه‌های بیرونی دانشگاه (شامل آشنایی دانشگاه با مشکلات مردم، تقویت پرستیژ دانشگاه و افزایش ارتباطات دانشگاه با بیرون از دانشگاه)؛ (۳ پاسخ، ۱۹ درصد).

ج) برای دانشگاه پیامد منفی دارد (شامل افزایش مطالبات دانشجویان، ایجاد دردسر برای دانشگاه)؛ (۲ پاسخ، ۱۲ درصد). یافته‌های بالا هم نشان می‌دهد که رونق فعالیت‌های اجتماعی در دانشگاه‌ها بیش از آن‌که پیامد منفی داشته باشد دارای پیامدهای مثبت است و عمده این پیامدها معطوف به تقویت مؤلفه‌های درونی دانشگاه است. از این یافته‌ها چنین استنباط می‌شود که با گسترش فعالیت‌های اجتماعی در دانشگاه‌ها، دانشگاه، دانشگاه‌تر می‌شود.

۳-۲-۳- پیامدهای فعالیت اجتماعی برای حاکمیت

برخلاف تصور و انتظار ما یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که گویی فعالیت‌های اجتماعی عمدتاً چیزی مستقل یا کم‌ارتباط با حاکمیت است. در مجموع از میان پیامدهای متعددی که از سوی پاسخگویان برشمرده شده است فقط ۱۲ مورد متوجه حاکمیت است و از این تعداد، هیچ‌کدام مستلزم پیامد منفی برای حاکمیت نیست. این موارد در دو مقوله به شرح زیر تقسیم شده‌اند:

نمودار شماره ۱۰: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره پیامد فعالیت‌های دانشجویی برای حاکمیت



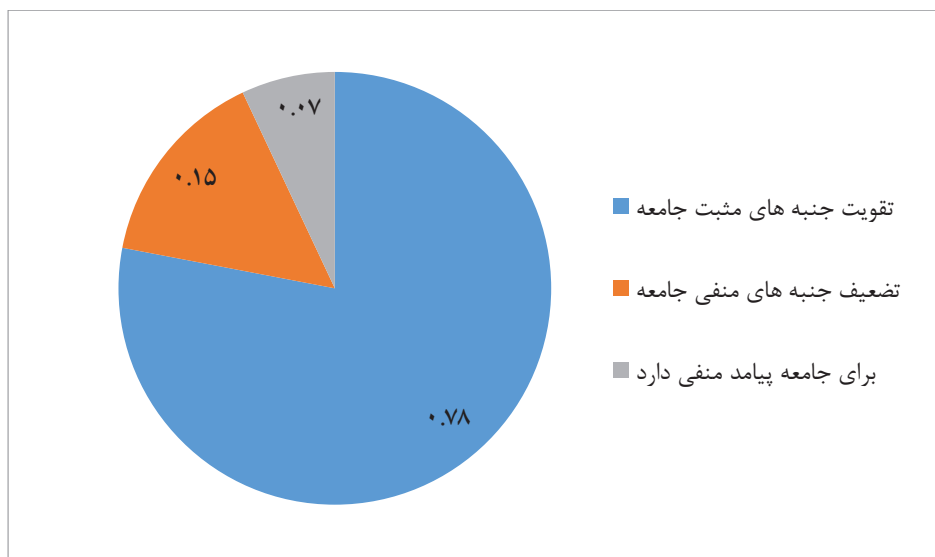
الف) تقویت حاکمیت (شامل تقویت توان مدیریتی جامعه، کاهش هزینه‌ها، تقویت حاکمیت، ظرفیت‌سازی برای حاکمیت و کاهش مشکلات دولت)؛ (۱۰ پاسخ، ۸۳ درصد).

ب) تقویت رابطه حاکمیت با مردم (شامل افزایش اعتماد متقابل دولت-ملت و تقویت رابطه دانشجویان با حاکمیت)؛ (۲ پاسخ، ۱۷ درصد). نکته جالب اینجاست که برخلاف نگرانی‌های حاکمیت از توسعه فعالیت‌های اجتماعی، هیچ‌یک از پاسخگویان، چنین فعالیت‌هایی را واجد پیامدی منفی برای حاکمیت نمی‌دانند.

۳-۴-۲-۴- پیامدهای فعالیت اجتماعی برای جامعه

برخلاف بخش قبلی و ارزیابی پاسخگویان مبنی بر کم‌تأثیر بودن فعالیت‌های اجتماعی بر حاکمیت، تعداد بیشتری از پاسخ‌ها بیانگر تأثیر این‌گونه فعالیت‌ها بر جامعه است. پاسخ‌های مرتبط با جامعه را می‌توان در دو قالب کلی دسته‌بندی کرد:

نمودار شماره ۱۱: توزیع پاسخگویان برحسب نظر آن‌ها درباره پیامد فعالیت‌های دانشجویی برای جامعه





الف) تقویت جنبه‌های مثبت جامعه (شامل تربیت انسان جامعه‌گرا، افزایش رفاه، افزایش درک دانشجویان برای کمک به محرومان، تربیت انسان تعامل‌گرا، الگوسازی برای جامعه، جلب مشارکت خانواده‌ها، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش احساس امنیت، بازتولید دانشجوی خیر، سیاسی شدن جامعه، افزایش کنشگری در جامعه، افزایش روحیه امید، مطالبه‌گری از دولت، تزریق حس خوب به جامعه و گسترش جامعه مدنی)؛ (۲۱ پاسخ، ۷۸ درصد).

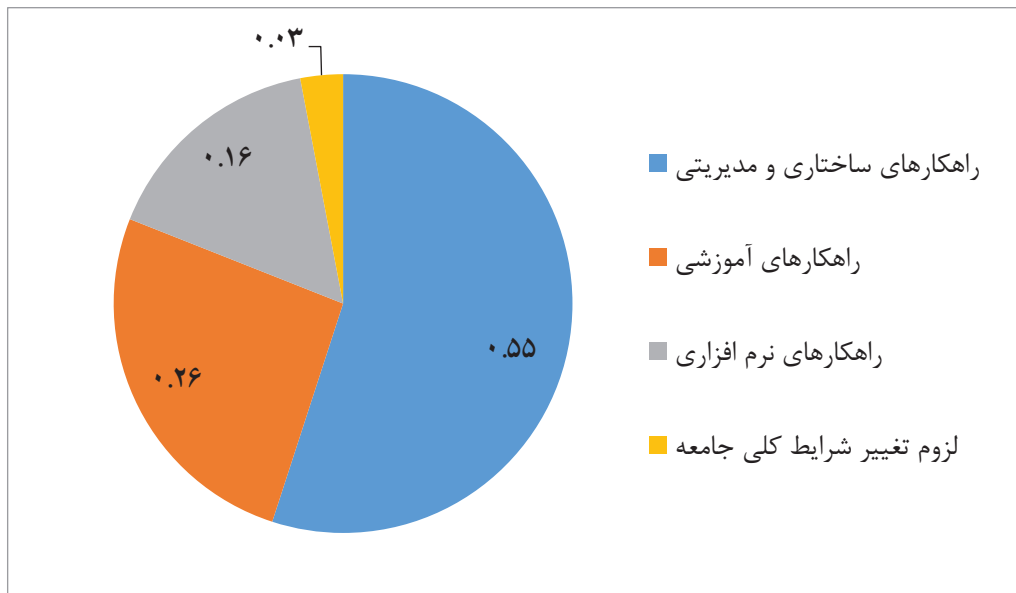
ب) تضعیف جنبه‌های منفی جامعه (شامل کاهش آسیب‌های اجتماعی، کاهش فقر و کاهش طلاق)؛ (۴ پاسخ، ۱۵ درصد). همان‌طور که ملاحظه می‌شود از میان ۲۷ پاسخ ارائه شده در این بخش، اکثریت پاسخ‌ها (۹۳ درصد) حاکی از پیامدهای متعدد و گوناگون مثبت فعالیت‌های اجتماعی برای جامعه است. البته در خلال پاسخ‌های فوق دو نفر (۷ درصد) هم به موضوع «وابسته شدن فقرا» به دریافت کمک‌ها و حمایت‌های اجتماعی اشاره کردند که به‌رغم کم‌تعداد بودن پاسخ‌ها، نکته قابل تأملی است.

۳-۴-۳- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش نهم

۹- برای بهبود و پیشرفت فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان چه پیشنهاداتی دارید؟

ارائه راهکار یا ارائه طی طریق را شاید بتوان مهم‌ترین یافته و دستاورد این پژوهش به حساب آورد. بخشی از این راهکارها پیش‌تر در قالب زمینه‌هایی از سوی مصاحبه‌شوندگان بیان شده است، اما چون آن موارد در بخش‌های ابتدایی مصاحبه بیان شده است و از دید ما باید با راهکارها دارای تفاوت‌هایی باشند، اصالت را به راهکارهای فعلی می‌دهیم هرچند شباهت‌های زیادی میان این دو به چشم می‌خورد؛ بنابراین ضمن استفاده از مقوله‌بندی صورت گرفته در بخش زمینه‌ها سعی می‌کنیم در حد امکان تفاوت‌های این دو را نیز ذکر کنیم. راهکارهای ارائه شده که مشتمل بر ۹۸ پاسخ و ۵۴ مقوله/پاسخ است را می‌توان در چهار مقوله زیر بیان کرد:

نمودار شماره ۱۲: توزیع پاسخ‌گویان برحسب راهکارهای ارائه شده از سوی آن‌ها



الف) راهکارهای ساختاری و مدیریتی (تخصیص بودجه و امکانات، ارتباط با محیط بیرون از دانشگاه و مردم به منظور آشنایی با مشکلات، در نظر گرفتن امتیاز برای فعالیت‌های اجتماعی، رفع موانع اداری، اصلاح قوانین و مقررات، استقلال دانشگاه‌ها، سپردن کار به افراد متخصص و غیرسیاسی، تقسیم عادلانه بودجه‌ها، انعکاس مشکلات مردم، برقراری گفت‌وگو میان دانشگاه و حاکمیت، تقویت حوزه عمومی در دانشگاه، تشکیل یابی در سطح ملی، هماهنگی دستگاه‌ها، پر کردن اوقات فراغت دانشجویان با فعالیت‌های اجتماعی، کاستن از کار اجرایی تشکل‌ها و افزودن بر بار انتقادی آن‌ها، افزایش تعداد تشکل‌ها، استفاده از تجارب جهانی، ثبت و انتقال



تجارب، افزایش اختیارات تشکل‌ها، تشکیل اتحادیه، داشتن استراتژی، جمع‌آوری امکانات، عضوگیری و داشتن گروه، تقسیم‌کار و تخصصی شدن فعالیت‌ها، الگوسازی، برقراری ارتباط با فعالان تشکل‌ها، انعکاس مشکلات مردم؛ (۶۰ پاسخ، ۵۵ درصد).

ب) راهکارهای آموزشی (آموزش دانشجویان و فعالان تشکل‌ها، فرهنگ‌سازی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی، امتیازدهی به فعالیت‌های اجتماعی و تقدیر از فعالان تشکل‌های اجتماعی، برگزاری جشنواره برای معرفی دانشجویان فعال، نفی درس محوری، تشویق مطالبه‌گری دانشجویان، تشویق کنشگری دانشجویان، نقش‌دهی به دانشجویان، تعریف فعالیت‌های اجتماعی، تقویت احساس تعلق اجتماعی دانشجویان، تقویت احساس تعلق ملی دانشجویان، شناسایی دانشجویان مستعد، آموزش چندبعدی بودن دانشجویان، نظریه‌پردازی پیرامون فعالیت‌های اجتماعی)؛ (۲۸ پاسخ، ۲۶ درصد).

ج) راهکارهای نرم‌افزاری (تغییر نگاه مسئولان به فعالیت‌های اجتماعی و پذیرش این‌گونه فعالیت‌ها، اعتماد به دانشجویان، تغییر نگرش خانواده‌ها، توجه مسئولان به فعالیت‌های اجتماعی، داشتن امید، اعتماد دانشجویان به دانشگاه و نفی نگاه امنیتی)؛ (۱۷ پاسخ، ۱۶ درصد).

د) لزوم تغییر شرایط کلی جامعه؛ (۳ پاسخ، ۳ درصد).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از مجموع ۱۰۸ پاسخ، ۶۰ پاسخ (۵۵ درصد) به راهکارهای مدیریتی و ساختاری اختصاص دارد که به تنهایی بیش از نیمی از راهکارها را به خود اختصاص داده است. این میزان در پرسش مربوط به زمینه‌ها ۳۶ درصد بود. در گام بعدی، راهکارهای آموزشی-ساختی قرار دارند که ۲۸ پاسخ یا ۲۶ درصد از راهکارها را شامل می‌شود این میزان در پرسش مربوط به زمینه‌ها، ۱۹ درصد بود. راهکار مهم سوم راهکار نرم‌افزاری است که با ۱۷ پاسخ، حدود ۱۶ درصد را به خود اختصاص داده است. این میزان در پرسش مربوط به زمینه‌ها ۴۰ درصد بود. آخرین راهکار فقط ۳ درصد از راهکارها را شامل می‌شود و همانند پرسش مربوط به زمینه‌ها که ۴ درصد بود شامل کم‌ترین میزان است؛ بنابراین زمانی که پرسش را از زمینه‌ها به راهکارها تغییر دادیم جابه‌جایی معناداری هم در پاسخ‌ها رخ داد.

این امر به خوبی بیانگر انتظارات پاسخگویان از مجموعه حاکمیت است و اگر بنابر ترسیم یک دوگانه یا دوآلیسم داشته باشیم، آن‌که باید در این زمینه قدم پیش بگذارد حاکمیت است نه دانشجویان.

از مجموع ۱۰۸ پاسخ ارائه شده، پاسخگویان در درجه اول برای توسعه و گسترش فعالیت‌های اجتماعی، بر راهکارهای مدیریتی و ساختاری تمرکز دارند. این دسته از راهکارها اگرچه معطوف به انجام یک سری از اقدامات هم از سوی حاکمیت، هم دانشگاه و هم دانشجویان است، اما وزن انتظارات دانشجویان از دانشگاه و مسئولان دانشگاهی بیشتر است. «تخصیص بودجه و امکانات»، «ارتباط با محیط بیرون از دانشگاه و مردم به منظور آشنایی با مشکلات»، «در نظر گرفتن امتیاز برای فعالیت‌های اجتماعی»، «رفع موانع اداری»، «اصلاح قوانین و مقررات»، «استقلال دانشگاه‌ها»، «سپردن کار به افراد متخصص و غیرسیاسی» از مهم‌ترین راهکارهای ساختاری و مدیریتی پاسخگویان در این زمینه است.

بدیهی است آماده‌سازی یک سری از مقدمات یا زمینه‌های ساختاری و تغییرات مدیریتی به تنهایی موجب رشد و توسعه فعالیت‌های اجتماعی نمی‌شود. از این رو انتظار می‌رود، اقدامات فوق با اقدامات آموزشی و فرهنگی تکمیل شود؛ «آموزش دانشجویان و فعالان تشکل‌ها»، «فرهنگ‌سازی»، «تبلیغات و اطلاع‌رسانی»، «امتیازدهی به فعالیت‌های اجتماعی و تقدیر از فعالان تشکل‌های اجتماعی» از مهم‌ترین پیشنهادها پاسخگویان در این زمینه است. در خصوص آموزش عده‌ای بر این عقیده‌اند که چنین آموزش‌هایی نه تنها در دانشگاه بلکه حتی باید در سنین پائین (مهدکودک و دوره مدرسه) آغاز شود.

منظور از راهکارهای نرم‌افزاری مجموعه تغییراتی است که باید در نوع نگاه، نگرش و روابط فی‌مابین حاکمیت و دانشگاه از یک سو و دانشجویان از سوی دیگر رخ بدهد. اگرچه این نوع راهکارها از نظر عددی در اولویت سوم قرار گرفته‌اند ولی دارای اهمیت بالایی هستند به نحوی که چنانچه مسائل و مشکلات مرتبط با این مقوله حل نشود، زمینه‌های ساختاری و حتی آموزشی به تنهایی نمی‌توانند موجب رشد و توسعه فعالیت‌های اجتماعی شوند.

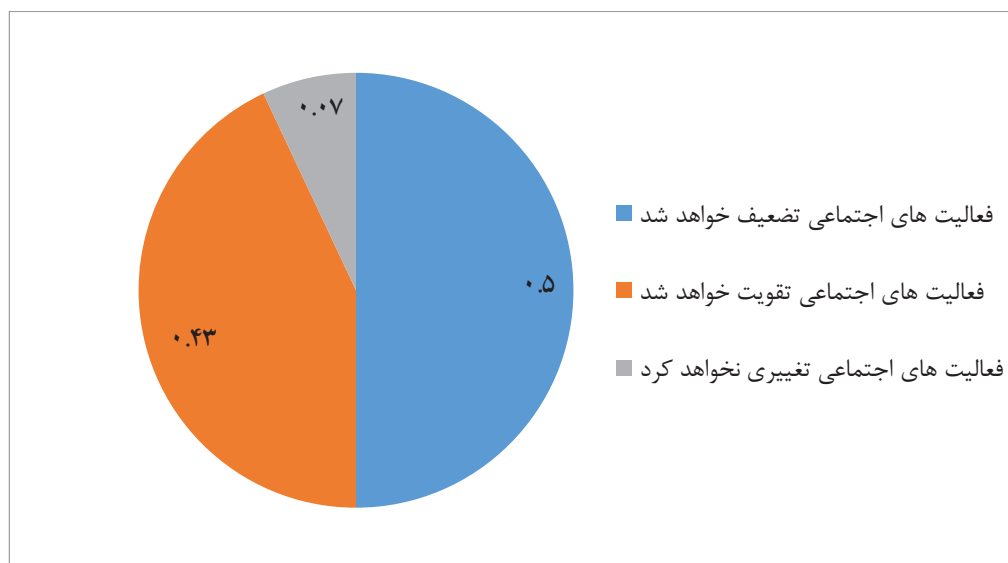
راهکار نهایی پاسخگویان برای رشد و توسعه فعالیت‌های اجتماعی، تغییر شرایط کلی جامعه است. به اعتقاد برخی از پاسخگویان،

دانشگاه چرخ‌دنده‌ای در کنار سایر چرخ‌دنده‌های جامعه است و تا همه چرخ‌دنده‌ها به درستی کار نکنند از چرخ‌دنده دانشگاه به تنهایی کاری بر نخواهد آمد. برخی دیگر، منظورشان از شرایط کلی جامعه، همان شرایط اقتصادی است که موجب زنده شدن امید به آینده در دل کنشگران می‌شود و آن‌ها با اعتمادی که به آینده اقتصادی و شغلی خود پیدا می‌کنند، می‌توانند بخشی از وقت و انرژی خود را صرف فعالیت‌های اجتماعی و امور خیریه‌ای کنند.

۳-۴-۴- تجزیه و تحلیل پاسخ‌های پرسش دهم

۱۰- چشم‌انداز فعالیت‌های اجتماعی را از نظر کمی و کیفی چگونه می‌بینید؟ گسترش می‌یابد؟ کمتر می‌شود یا فرقی نمی‌کند؟ برای ما مهم بود که به رغم همه موانع و مشکلات و نامایماتی که فعالان حوزه فعالیت‌های اجتماعی با آن مواجه شده‌اند و سختی‌هایی که در این مسیر تجربه کرده‌اند، چشم‌انداز و دورنما یا آینده این‌گونه فعالیت‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنند. آیا کماکان با خوش بینی در این عرصه فعالیت می‌کنند یا برای فعالیت‌های اجتماعی آینده‌ای درخشانی متصور نیستند. پاسخ‌ها را برحسب همین سه احتمال در اینجا آورده‌ایم:

نمودار شماره ۱۳: توزیع پاسخ‌گویان برحسب نظر آن‌ها درباره چشم‌انداز و آینده فعالیت‌های اجتماعی

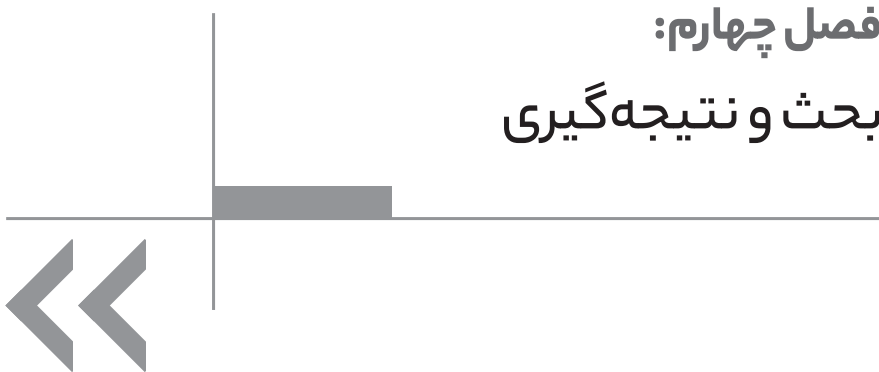


الف) متأسفانه ۱۴ نفر (۵۰ درصد) از ۲۸ نفری که به این پرسش، پاسخ داده‌اند، امید چندانی به بهبود و گسترش فعالیت‌های اجتماعی ندارند. آن‌ها با توجه به شرایط موجود و دشواری‌هایی که در این راه دیده یا تجربه کرده‌اند، بر این عقیده هستند که شرایط فعلی در آینده هم ادامه خواهد داشت و به همین دلیل از اقبال و توجه دانشجویان به فعالیت‌های اجتماعی کاسته خواهد شد.

ب) دسته دوم کسانی هستند که به رغم تجربه سختی‌ها و کاستی‌های فراوان در این زمینه، معتقدند حرکت تشکل‌های اجتماعی رو به رشد است زیرا گرایش و تمایل دانشجویان را به انجام امور خیر و دست‌یابی به درجه‌ای از «احساس مسئولیت» در حد بالایی ارزیابی می‌کنند. این افراد ۱۲ نفرند و ۴۳ درصد پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

ج) دسته سوم که فقط ۲ نفر یا ۷ درصد از پاسخ‌گویان را تشکیل می‌دهند، احتمال می‌دهند وضعیت فعلی فعالیت‌های اجتماعی که در حال حاضر هم برای آن‌ها رضایت‌بخش نیست، به همین صورت ادامه پیدا کند و تغییر خاصی در آن رخ نخواهد یافت.

فصل چهارم:
بحث و نتیجه‌گیری





۴-۱- مقدمه

در فصل پیش (تجزیه و تحلیل یافته‌ها) در اقدامی دشوار و وقت‌گیر، تمامی مضامین و مقوله‌های مرتبط با هر پرسش، استخراج و دسته‌بندی شد تا تصویری کلی از پاسخ‌های ارائه‌شده به هر یک از پرسش‌ها به دست آوریم. در فصل مذکور صرفاً به همین مقدار بسنده شد. تنها کاری که علاوه بر استخراج و دسته‌بندی پاسخ‌ها انجام دادیم، گزارش کمی اطلاعات بود تا خواننده کم‌وبیش به جایگاه آماری هر یک از مقوله‌ها و پاسخ‌ها پی ببرد ولی همان‌طور که گفته شد این امر لزوماً به معنای برتری یک پاسخ نسبت به پاسخ‌های دیگر نیست.

حال وقت آن است تا با کمی بحث و بررسی بیشتر به اطلاعات آماری پیشین جان دیگری ببخشیم و هر یافته‌ای را به بخشی از پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان مستند کنیم تا بدین وسیله به شناخت موضوع مورد مطالعه کمک کنیم. ماده اولیه برای تدوین فصل اخیر همان اطلاعات فصل پیشین است اما با آرایش و تحلیلی که بتواند مخاطبان و استفاده‌کنندگان گزارش را در فهم و شناخت موضوع یاری کند. در این فصل می‌کوشیم علاوه بر بحث و نتیجه‌گیری، راهکارهایی برای رشد و توسعه فعالیت‌های اجتماعی نیز ارائه کنیم. چارچوب کار در این فصل همان سه بخشی است که طبق آن یافته‌های پژوهش را در فصل قبل از همدیگر تفکیک کردیم. این سه بخش عبارت‌اند از:

الف) جهت‌گیری‌ها، وضع موجود و زمینه‌ها

ب) موانع و مشکلات

ج) کامیابی‌ها، پیامدها، راهکارها و چشم‌انداز آینده

۴-۲- جهت‌گیری‌ها، وضع موجود و زمینه‌ها

۴-۲-۱- جهت‌گیری فعالیت‌های دانشجویی

اطلاعات و یافته‌های مربوط به جهت‌گیری فعالیت‌های دانشجویی حاکی از آن است که ۲۹ درصد از مصاحبه‌شوندگان معتقدند کارکرد اصلی دانشگاه و در نتیجه وظیفه نخست دانشجویان پرداختن به امور علمی و بدون نفی سایر فعالیت‌ها اعتقاد دارند که دانشجویان باید در وهله اول به امور درسی خود رسیدگی کنند و چنانچه فرصتی باقی ماند، به سایر امور فوق برنامه (برحسب علایق خود) بپردازند. ۲۹ درصد دیگر کسانی هستند که معتقدند دانشجویان باید این اختیار را داشته باشند و یا این زمینه برایشان به نحوی فراهم باشد که در همه زمینه‌ها به طور یکسانی ورود داشته باشند. از نظر این دسته از افراد، فراهم بودن شرایط و آزاد بودن افراد در انتخاب حوزه فعالیتشان، بر هر نوع فعالیتی برتری دارد. آن‌ها معتقدند، گرایش‌ها و ذائقه‌های دانشجویان به حدی متکثر است که نمی‌توان با اولویت‌بندی و تجویز چند فعالیت محدود، نسبت به ساماندهی آن‌ها اقدام کرد و دانشجویان باید در فضایی قرار بگیرند که انواع اقسام فعالیت‌ها را امتحان کنند و از این رهگذر، هم تجربه خود را بالا ببرند و هم با پیدا کردن تمایلات خود، به مرحله خودشکوفایی برسند.

تا اینجا ۵۸ درصد از پاسخگویان هم بر رسالت اصلی دانشگاه (پرداختن به علم) تأکید دارند و هم به برابری فرصت‌ها و موقعیت‌ها برای انتخاب آزادانه و عادلانه فعالیت‌های مورد علاقه دانشجویان، اما ظاهراً این شرایط برابر و عادلانه فراهم نیست، زیرا ۹ نفر یا ۲۹ درصد از پاسخگویان گفته‌اند در حال حاضر گرایش به فعالیت‌های سیاسی بیشتر است. این‌که چرا دانشجویان به فعالیت‌های سیاسی بیش از هر فعالیت غیردرسی دیگری گرایش دارند، بنا بر ادعای تعدادی از مصاحبه‌شوندگان، ناشی از وجود محدودیت‌هایی در مسیر



شکل‌گیری سایر فعالیت‌ها به‌ویژه شکل‌گیری تشکل‌های اجتماعی و مدنی است.

«با توجه به ساختاری که در جامعه ما وجود دارد جامعه‌ای که متأسفانه نهادهای مدنی و بی‌طرف در آن شکل نگرفته، نهادهای مردمی نداریم منظور من از این نهادها، نهادهای واسطه بین توده جامعه و حاکمیت‌اند. چیزی که در جامعه دیده می‌شود متعلق به نهادهای حاکمیتی، حکومتی و دولتی است که به‌طور مستقیم متعلق به آن‌ها هستند؛ ما نه آن‌جی‌او داریم نه احزاب قوی داریم نه سازمان‌های مردم‌نهاد داریم و نه اینکه کارگزارها سندیکا دارند. این چیزها در جامعه ما وجود ندارد. متأسفانه در شرایط فعلی که این موارد وجود ندارد نقش واسطه بین حاکمیت و مردم را دانشجو باید ایفا کند و این تکلیفی است که روی دوش دانشجو قرار دارد و باید آن را انجام دهد به این معنا که مطالبات مردم را از حکومت پیگیری شود» (برگرفته از متن مصاحبه یکی از فعالان تشکل‌های اجتماعی).^۱

وقتی فرد نتواند به فعالیت اجتماعی، فرهنگی، هنری یا صنفی موردعلاقه خود بپردازد، وارد تشکل‌های سیاسی می‌شود تا از آن طریق بتواند به مثابه یک نهاد مدنی و به نمایندگی از افراد و اعضای بی‌نهاد و فاقد تشکل اعتراض و انتقاد کند.^۲ برخی از تشکل‌ها هم (از جمله جنبش عدالت‌خواه دانشجویی)، علت و خاستگاه شکل‌گیری‌شان، وجود آسیب‌های گسترده اجتماعی و فرهنگی است. آن‌ها وقتی می‌بینند از طریق روال معمول، احقاق حق صورت نمی‌گیرد و کارگران، بی‌خانمان‌ها و سایر اقشار محروم به حق و حقوقشان نمی‌رسند، به فعالیت سیاسی روی می‌آورند و از آن طریق بر سیاست‌مداران فشار می‌آورند.

شیوه شکل‌گیری برخی از تشکل‌های سیاسی به‌منظور حل مشکلات اجتماعی نشان می‌دهد که ظاهراً وجود برخی از تشکل‌ها و فعالیت‌های مدنی برای حاکمیت قابل‌پذیرش نیست و حتی به گروه‌ها و جناح‌ها یا فعالیت‌هایی خاص نگاه یکسانی ندارد. این همان چیزی است که دکتر محمد فاضلی، جامعه‌شناس و پژوهشگر، از آن تحت عنوان نقص «حکمرانی خوب» یاد می‌کند:

«اصل این داستان برمی‌گردد به اصل مهم حکمرانی. کیفیت حکمرانی شاخص بسیار مهمی دارد با عنوان بی‌طرفی. وقتی می‌گویند بی‌طرفی یعنی اینکه دولتی وقتی با کیفیت است که از نگاه او همه شهروندان به یک چشم نگاه شوند... دانشگاه بی‌طرف نیست. دانشگاه همه دانشجویان را به یک چشم نگاه نمی‌کند، بالأخص اگر بخواهند فعالیت کنند... وقتی هزینه فعالیت کردن در این کانون‌ها و دسته‌بندی‌های فرهنگی-اجتماعی بالا برود، اکثریت دانشجویان این هزینه را به جان نمی‌خرند؛ بنابراین اگر می‌خواهیم این‌ها رشد کنند باید دانشگاه بی‌طرف داشته باشیم... باید دانشگاهی فراهم کنیم که دانشجو علایقش را دنبال کند» (از متن مصاحبه دکتر محمد فاضلی).

باینکه ۷۰ درصد از پاسخگویان، فعالان تشکل‌های اجتماعی بوده‌اند، اما فقط چهار نفر یعنی حدود ۱۳ درصد از آن‌ها اولویت را به فعالیت‌های اجتماعی داده‌اند و انجام این‌گونه فعالیت‌ها را به عنوان اولویت نخست، تجویز کرده‌اند. این افراد، عمدتاً کسانی هستند که خودشان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی مشغول هستند و با توجه به فواید و کارکردهای مثبت فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه روشن شدن آثار و نمود این فعالیت‌ها در زندگی‌شان به چنین دیدگاهی دست پیدا کرده‌اند. این امر نشان می‌دهد که حتی برای فعالان تشکل‌های اجتماعی، بی‌طرف بودن حاکمیت و فراهم شدن زمینه برابر برای همه فعالیت‌ها، از پرداختن به فعالیت موردعلاقه خود پاسخگویان نیز مهم‌تر است.

۱- در ابتدا نام دانشجویان و تشکل متبوعشان ذکر شده بود اما بنا بر پیشنهاد ناظر محترم و تأمل نگارنده در نگرانی‌های برخی از دانشجویان پیرامون نحوه درج نظراتشان در گزارش، ترجیح داده شده به جای ذکر نام، از عبارت «یکی از فعالان تشکل‌های اجتماعی» استفاده شود. در صورت نیاز به آگاهی از صحت و سقم نقل قول‌ها، مستندات مصاحبه‌ها جهت بررسی، موجود است. باین حال، نام پژوهشگران و مسئولان و برخی از دانشجویان که گمان می‌رود نظراتشان حساسیت‌برانگیز نیست یا حاکمیت با آن‌ها همدلی بیشتری نشان می‌دهد، در متن گزارش آمده است. سمت کامل همه مصاحبه‌شوندگان، به پیوست همین گزارش آمده است.

۲- عکس این حالت هم صادق است؛ وقتی فضای دانشگاه برای فعالیت سیاسی فراهم نیست عده‌ای به فعالیت فرهنگی و اجتماعی روی می‌آورند. پیامدهای این وضعیت، جای تأمل زیادی دارد که در بخش بعدی به گوشه‌ای از آن اشاراتی خواهد شد.



۴-۲-۲- وضع موجود فعالیت‌های دانشجویی

اطلاعات و یافته‌های مربوط به وضع موجود نشان می‌دهد که ۱۲ نفر (۴۰ درصد) معتقدند، دانشجویان در حال حاضر بیشتر به فعالیت‌های علمی گرایش دارند، یا فعالیت‌های علمی را به عنوان اولویت نخست خود مورد توجه قرار می‌دهند. این دسته از پاسخگویان را عمدتاً پژوهشگران و مسئولان تشکیل می‌دهند و البته تعدادی دانشجویان هم در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. می‌توان ادعا کرد پاسخ‌های این بخش فاقد سوگیری است و پاسخگویان بدون تعصب و پس از کسب تجارب علمی و اجرایی گوناگون به این نتیجه و ارزیابی رسیده‌اند؛ زیرا فعالیت موردعلاقهٔ خود (فعالیت اجتماعی) را در اولویت قرار نداده‌اند.

گروهی دیگر شامل هفت نفر (۲۳ درصد) که اغلب دانشجویان هستند، مهم‌ترین مشغلهٔ فعلی دانشجویان را فعالیت‌های اجتماعی می‌دانند. این دسته نه تنها اغلب دانشجویان هستند بلکه اغلب درگیر فعالیت‌های اجتماعی نیز هستند؛ اما حتی از نگاه برخی از فعالان این حوزه، فعالیت‌های اجتماعی موجود در دانشگاه‌ها یک فعالیت اصیل نیست. یکی از فعالان تشکل‌های اجتماعی می‌گوید:

«کسانی که نمی‌توانند به صورت سیاسی فعالیت کنند و می‌خواهند کماکان فعال بمانند فعالیت اجتماعی را جایگزین فعالیت سیاسی می‌کنند... خیلی وقت‌ها به دلیل نبودن فضای سیاسی بعضی‌ها به فعالیت اجتماعی روی می‌آورند و اگر فضا بازتر شود به فعالیت سیاسی روی خواهند آورد».

او در خصوص دلیل گرایش دانشجویان به فعالیت‌های اجتماعی به ویژه تشکل تحت مدیریتش اضافه می‌کند:

«خیلی از جوانان سرخورده بخصوص در سال ۱۳۸۸ جذب جمعیت شدند و فعالیت اجتماعی را ترجیح دادند... در حال حاضر هم به همین منوال است. بعد از اتفاقاتی که در جامعه می‌افتد همه به این نتیجه می‌رسند که اگر ما نتوانستیم وضعیت جامعه را تغییر دهیم، بیاییم وضعیت یک بچه را تغییر بدهیم».

یکی دیگر از فعالان تشکل‌های اجتماعی هم گزارهٔ فوق را تأیید می‌کند:

«در سال‌های اخیر این فضای ناامیدی سیاسی باعث شده رغبت بچه‌ها به سمت امور سیاسی کم شود؛ اما در حوزه اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی عرصه همدلی پررنگ تر است یعنی چیزی که ما در عرصه عمل و میدان دیدیم این بوده. چراکه هم در تشکل سیاسی فعالیت کرده‌ام و هم در تشکلی که وظیفه‌اش مسئولیت اجتماعی است».

صادق مفرد که خود معاون کل جهادی سازمان بسیج دانشجویی است، بنا بر تجاربی که از این تشکل در خلال فعالیت اجتماعی و جهادی سال‌های اخیر آن کسب کرده است نیز گرایش به فعالیت‌های اجتماعی را ناشی از رکود یا بسته بودن فضای سیاسی می‌داند:

«در زمینهٔ فعالیت سیاسی، کلاً فعالیت سیاسی در دانشگاه‌ها کمتر شده و در سال‌های اخیر هم با رکود اتفاقات سیاسی مواجهیم. هرچقدر به سمت کارهای سیاسی می‌رویم مخاطب را محدود می‌کنند. کار سیاسی اتصال به جریان‌هایی دارد و این کار مخاطب کمی دارد. در حوزه فعالیت‌های اجتماعی، مخاطب، مخاطب عمومی است؛ یعنی هرکس با هر تفکر، هر نگاه و سلیقه‌ای می‌تواند خیررسانی داشته باشد، فعالیت اجتماعی داشته باشد، در جامعه و کشورش و در محیط دانشگاه مؤثر باشد».

با همهٔ محدودیت‌هایی که طی دو دهه اخیر پیرامون فعالیت‌های سیاسی وضع شده است و در بالا به بخش‌هایی از آن اشاره شد گروهی پنج نفره از پاسخگویان معتقدند مهم‌ترین فعالیت فعلی دانشجویان در عرصهٔ فعالیت‌های سیاسی است. این تعداد پاسخ که به ظاهر کم به نظر می‌رسد در حالی بیان شده است که تعداد قابل توجهی از پاسخگویان معتقدند فضای مناسبی برای فعالیت سیاسی فراهم نیست و دانشجویان به دلایل متعددی از سیاست دل‌زده شده‌اند؛ بنابراین به رغم نامناسب بودن فضای فعالیت‌های سیاسی، این تصور که هنوز فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه غلبه دارند، قابل تأمل به نظر می‌رسد. این یافته زمانی مهم‌تر به نظر می‌رسد که گروهی



دیگر از پاسخگویان، شامل پنج نفر، باور دارند که به دلیل نامساعد بودن فعالیت دانشجویی و سرخورده شدن دانشجویان از اتفاقاتی که طی دو دهه گذشته پیش آمده است، دانشجویان به هیچ یک از فعالیت‌ها تمایلی ندارند. غرض از بیان نکات فوق این بود که نشان دهیم به رغم رکود حاکم بر فضای فعالیت‌های دانشجویی و به ویژه محدودیت‌های اعمال شده بر مسیر فعالیت‌های سیاسی، اولاً هنوز اقبال به فعالیت‌های سیاسی، نسبتاً بالاست و ثانیاً آن دسته از دانشجویانی که به فعالیت اجتماعی روی آورده‌اند، لزوماً از سر اختیار و علاقه دست به چنین کاری نزنده‌اند و چه بسا با فراهم شدن زمینه فعالیت سیاسی مجدداً به همان فضا بازگردند. نکته پایانی و مهم در این زمینه، ادامه فعالیت‌های سیاسی در کالبد و پوشش فعالیت‌هایی اجتماعی که هم فعالان این حوزه را در معرض خطرات امنیتی قرار می‌دهد و هم ممکن است حاکمیت را در این عرصه در معرض تهدید قرار دهد؛ بنابراین «فعالیت اجتماعی» فعلاً فعالیتی اصیل و مبتنی بر نیازهای جامعه و علایق درونی دانشجویان نیست. بلکه فعالیتی گذرا از سر ناگزیری و فاقد اصالت است؛ و به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی در زمینه چنین فعالیت‌هایی نیازمند دوراندیشی و برنامه‌ریزی دقیق‌تری است. حال پرسش کلیدی این است که برای خروج از این وضعیت چه باید کرد؟

۴-۲-۳- زمینه‌های لازم برای توسعه فعالیت‌های اجتماعی

ما پاسخ‌های دریافتی از مصاحبه‌شوندگان (۷۴ پاسخ) را در چهار مقوله کلی زیر تقسیم کرده‌ایم:

الف) زمینه‌های نرم‌افزاری

ب) زمینه‌های ساختاری و مدیریتی

ج) زمینه‌های آموزشی و فرهنگی

د) شرایط کلی جامعه

از مجموع ۷۴ پاسخ، ۳۰ پاسخ یا ۴۰ درصد از آن‌ها شامل زمینه‌های نرم‌افزاری از قبیل اعتمادسازی، امنیت، امید و انگیزه دادن، حمایت، توجه، همراهی، شاد بودن برنامه‌ها، تشویق و ترغیب دانشجویان است. ۲۷ مورد یا ۳۶ درصد به زمینه‌های ساختاری و مدیریتی شامل اصلاح قوانین و مقررات، سازماندهی، تخصیص بودجه و امکانات، بسترسازی، امتیازبخشی اختصاص دارد. ۱۴ مورد یا ۱۹ درصد به زمینه‌های آموزشی و فرهنگی شامل آموزش، فرهنگ‌سازی، استعدادیابی، نظریه‌پردازی، تشریح اثربخشی، توانمندسازی، برجسته‌سازی، الگوسازی و تبلیغات ارتباط دارد و ۳ مورد یا ۴ درصد مربوط به شرایط کلی جامعه است. حال باید پرسید چرا زمینه‌های نرم‌افزاری تا این اندازه برای دانشجویان و فعالان حوزه فعالیت‌های اجتماعی مهم است و حتی بر زمینه‌های مدیریتی و ساختاری هم اولویت دارد؟ اگرچه چنین پرسشی در متن مصاحبه‌ها طرح نشده است اما تعدادی از مصاحبه‌شوندگان به آن پاسخ داده‌اند و می‌توان از پاسخ‌ها و توضیحات ارائه شده به دلایل این امر پی برد.

دکتر محمدحسین مطهری، مسئول کمیسیون دانشجویی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، در این رابطه می‌گوید:

«دو چیز شرط حداقلی آن [فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان] است یکی امنیت، دیگری دغدغه. معمولاً دغدغه را نداریم که در جنس سیاست‌گذاری و جنس مدیریت‌ها که دانشجویان درگیر کارهای اجتماعی شوند و این حوزه برای ما حوزه‌ای ترسناک است و دوم اینکه این فضاها امنیت، سماحت، تساهل و تسامح نیاز دارد، سعه صدر نیاز دارد، عموماً این سعه صدر هم وجود ندارد، برداشت عمومی این است که از امنیتی که نیازمند این فضای فعالیت اجتماعی است خبری نیست بلکه هزینه‌های جدی دارد».

دکتر محمدجعفر کبیری، اقتصاددان و فعال سابق دانشجویی، همین نکته را با زبان دیگری بیان می‌کند:

«بسترسازی، ایجاد فضای روانی امن از جهات مختلف است. مسئولین باید اعتماد کنند، فضای امن برای دانشجویان ایجاد کنند و نظارت کلی که ضرورت هرکاری است بر آن‌ها داشته باشند. در فضای علمی، فضا باید به گونه‌ای باشد که



افراد از جهات مختلف حس کنند هم دیده شده‌اند و هم مسئولیت‌پذیری‌شان افزایش پیدا می‌کند. وقتی شما به آن‌ها اعتماد می‌کنید، از آن‌ها بازده بیشتری برای کشور خواهید دید و بدون اینکه از آن‌ها بخواهید، در بزنگاه‌هایی می‌توانند برای کشور مدافعان و پدافند غیرعامل جدی باشند. ضرورت‌ها همین است، برای ایجاد فضای امن برای دانشجوی و برای خانواده‌ها ابتدا فضا سازی شود».

دکتر سیدضیاء هاشمی، جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران که خود چهار سال در جایگاه معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم مشغول فعالیت بوده است باز هم بر این جنبه از موضوع تأکید دارد:

«باید به بچه‌ها اطمینان داد، که اگر وارد این‌گونه فعالیت‌ها شدند نظام آموزش عالی و مجموعه‌های دیگر حمایت می‌کند. ما باید اعتمادبخشی هم داشته باشیم که اگر به شکل عادی و سالم وارد این تیپ از فعالیت‌ها می‌شوند مجموعه نظام از آن‌ها حمایت می‌کند».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود دکتر مطهری از این مقولات تحت عنوان «شرط حداقلی» و دکتر کبیری تحت عنوان «پدافند غیرعامل» یاد می‌کند. از این رو می‌توان استنباط کرد که تحقق زمینه‌های نرم‌افزاری، بر سایر زمینه‌ها اولویت دارد. درویشی، یکی از کنشگران این عرصه تا جایی پیش می‌رود که می‌گوید:

«فعالیت اجتماعی باید امن باشه. این امنیت به نظرم هم همه چیزه و هم تنها چیز».

به عبارت دیگر می‌توان ادعا کرد زمینه‌هایی از قبیل اعتمادسازی، امنیت، امید و انگیزه دادن، حمایت، توجه، همراهی، شاد بودن برنامه‌ها، تشویق و ترغیب دانشجویان، به مثابه شیرازه اصلی فعالیت‌های اجتماعی عمل می‌کنند.



۳-۴- موانع و مشکلات

۱-۳-۴- موانع اداری و بوروکراتیک

پیش‌تر گفته شد در خصوص باورداشتن یا نداشتن به موانع اداری، پاسخگویان به سه دسته تقسیم شدند ولی در مجموع، بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان به وجود موانع اداری در دانشگاه‌ها در مسیر فعالیت‌های اجتماعی اذعان داشتند و از این گروه، حدود ۷۰ درصد از پاسخگویان، این موانع را جدی قلمداد می‌کردند و معتقد بودند وجود چنین موانعی موجب دلسردی دانشجویان از ادامه فعالیت در عرصه‌های اجتماعی می‌شود و نهایتاً موجب سوق دادن دانشجویان به فعالیت‌های سیاسی خواهد شد. یکی از فعالان تشکل‌های اجتماعی در این رابطه هم به مشکل اشاره می‌کند و هم راهکارهایی برای حل آن ارائه می‌دهد:

«به نظر من بوروکراسی اداری خیلی مهم است. چون دانشجویانی که علاقه مند شده، گرایش دارند و قدم برداشته و ایده دارند، در مرحله قبل از اجرا با موانعی که سرراهشان گذاشته می‌شود بلوکه می‌شود؛ بوروکراسی اداری و عدم توجه و تبعیضی که نسبت به برنامه‌های مختلف ممکن است وجود داشته باشد، نقش مهمی دارد و خیلی از دانشجویان را مأیوس می‌کند و آن‌ها را از ادامه دادن مسیر برمی‌گرداند و در نهایت از مجموعه کسانی که می‌خواهند فعالیت انجام دهند کم می‌شود فکر می‌کنم اگر نه تنها در حین ثبت واقعا معضل وجود دارد بلکه پارتی بازی خیلی مسئله مهم دیگری در فضای خارج از دانشگاه است و باعث ایجاد یأس در فضای دانشجویی می‌شود. در مورد خود دانشگاه هم به نظر من اینکه فضاهای اداری و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی از همدیگر جدا باشد و مسیر حرکت برنامه‌های اجتماعی کوتاه‌تر شود و تسهیل شود و کسانی که باید موافقت کنند در زمان کوتاه‌تری به بچه‌ها جواب بدهند و مجوزها صادر شود در پویایی فعالیت اجتماعی و روی آوردن بچه‌ها به فعالیت اجتماعی و مأیوس نشدنشان خیلی کمک می‌کند. اگر دانشگاه یا فضاهایی که قرار است مجوز صادر کنند و فرایندها زیر نظر آن‌ها انجام شود بخواهند سنگ اندازی کنند، بچه‌ها خیلی زودتر برای انجام دادن فعالیت‌های اجتماعی خسته می‌شوند. وقتی دانشگاه مسیر انجام پروژه‌ها را بلوک نمی‌کند افراد می‌توانند با فکر آزاد و چندجانبه هم‌زمان چند طرح را ارائه بدهند و پیگیری کنند و در میزان فعالیتشان تأثیر مثبت زیادی دارد. من تأثیر مثبت و منفی این را دیده‌ام که خیلی برجسته است.»

۲-۳-۴- موانع حاکمیتی

در جمع‌بندی یافته‌های مربوط به موانع حاکمیتی، باید گفت اکثر قریب به اتفاق پاسخگویان بر این عقیده‌اند که حاکمیت بدون قید و شرط (۱۲ نفر یا ۴۴ درصد) یا مشروط به رعایت نکردن برخی از شروط و خطوط قرمز (۷ نفر یا ۲۶ درصد) در مسیر انجام فعالیت‌های اجتماعی مانع‌تراشی می‌کند و بخشی دیگر (۳ نفر یا ۱۱ درصد) نیز معتقدند اساساً حاکمیت نگاه عادلانه‌ای نسبت به فعالیت‌ها یا تشکل‌های اجتماعی ندارد. این سه گروه جمعاً ۸۱ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند و در مقابل ۵ نفر یا حدود ۱۸ درصد اعتقادی به مانع‌تراشی حاکمیت در مسیر فعالیت‌های اجتماعی ندارند و بلکه حاکمیت را پشتیبان و مشوق فعالیت‌های اجتماعی می‌دانند.

یکی از فعالان تشکل‌های اجتماعی، مداخلات حاکمیتی را در روند انجام فعالیت‌های اجتماعی به شرح زیر بیان کرده است. نظرات ایشان هم حاوی مداخله است و هم ناقض اصل بی‌طرفی حاکمیت به حساب می‌آید که پیش‌تر به آن اشاره شد:

«قطعاً مواردی بوده که مانع‌تراشی کرده یا مشوق بوده است. نظر شخصی من این است که بسیاری از ابتکارات دانشجویان مختلف در دانشگاه‌های مختلف برای برگزاری انجمن‌های اجتماعی و تشکل‌های اجتماعی با مخالفت هیئت نظارت و دستور و فشار مقامات حکومتی لغو می‌شود و اجازه برگزاری آزادانه از دانشجویان در خیلی از موارد گرفته شده، در رابطه با انجمن‌های مذهبی به نظر من این‌طور نیست، بودجه‌ای که به این انجمن‌ها اختصاص داده می‌شود خیلی بیشتر از سایر انجمن‌های مرتبط با سایر حوزه‌هاست، چه حوزه‌های اجتماعی و چه حوزه‌های فرهنگی. متأسفانه این وضعیت ناشی از فضایی است که در جامعه وجود دارد، که فضای آزادانه‌ای نیست و گاه‌ها به سمت سرکوب



هم پیش می‌رود و متأسفانه باعث می‌شود که ما از ایجاد خیلی از انجمن‌ها و تشکل‌ها و از خیلی از خلاقیت‌ها محروم باشیم».

یکی دیگر از فعالان دانشجویی در عالم نظر، مداخلات حاکمیتی را قابل‌تصور می‌داند به‌ویژه زمانی که فعالیت سیاسی باشد، اما برای خود و تشکل متبوعش تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است. نکته مهم در این ارتباط «احساس» نامبرده است که جانشین واقعیت شده و به مثابه واقعیت عمل می‌کند:

«با توجه به اینکه خود حاکمیت هم همیشه از جناح‌های سیاسی تشکیل شده مسلماً نمی‌تواند نسبت به فعالیت‌های سیاسی بی‌طرف باشد که فرض کنیم دارد در یک سطح کاملاً متعادل فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را تشویق می‌کند. اگر یکی از فعالیت‌های اجتماعی و هدایت‌کننده‌های آن فرایندی مغایر با اهداف و اصول حاکمیت را در پیش داشته باشند یا این‌گونه استنباط شود، اخلال و توقف در رخداد فعالیت‌های آنان بدیهی است اما اگر اصل غیرسیاسی بودن فعالیت‌های اجتماعی و افرادی که این فعالیت‌ها را هدایت می‌کنند وجود داشته باشد می‌توان گفت در مواردی تشویق می‌شود و یا حداقل مستقیماً در فعالیت‌های اجتماعی کارشکنی صورت نمی‌گیرد اما در رابطه با محیط‌های دانشجویی کاملاً بستگی به مدیران دانشگاه دارد. فعلاً بر اساس چیزی که طی این چند سال از مسئولین دانشگاه خودمان دیدم در فضایی که من کار کردم از سمت حاکمیت و یا دولت هیچ‌گاه کارشکنی صورت نگرفت مخصوصاً برای فعالیت‌های خیریه‌ای کمتر مانع‌تراشی از سمت نهاد‌های کلان صورت می‌گیرد».

گفته‌های دکتر عباس کاظمی هم مؤید نظرات فعال پیش‌گفته است. در اینجا هم حساسیت‌ها یا متوجه فعالیت سیاسی است یا فعالیتی که استنباط شود انگیزه‌های سیاسی دارد. طبق نظر ایشان، حاکمیت نسبت به فعالیت‌های دانشجویی بی‌طرف نیست و مایل نیست برای خودش و تشکل‌های مورد حمایت خود، رقیبی پیدا شود. همین نگرش موجب مداخله حاکمیت در روند فعالیت تشکل‌ها می‌شود و آینده آن‌ها را دچار یاس و ابهام می‌کند.

«این‌ها به‌طور خاص مداخلات سیاسی است و این در ایران خیلی زیاد است و به جای اینکه تسهیل‌بخش باشد مانع ایجاد می‌کند و انگیزه‌ها را از بین می‌برد. اتفاقی که برای جمعیت امام علی افتاد؛ در افکار عمومی می‌گویند که بحث‌هایی پشت این‌هاست، آستان قدس، بحث مالی و برند شدن عده‌ای و اینکه کسی اعتبار پیدا کند این مداخلات فعالیت‌های مدنی-دانشجویی را ناامید می‌کند. اگر در چارچوب بسیج نباشد [فقط] تا اندازه‌ای می‌تواند جلو برود و این خودش مانع است. چشم‌انداز مثبتی برای این نوع کارها از لحاظ سیاسی وجود ندارد به این معنی که جامعه سیاسی نه تنها تشویق نمی‌کند بلکه مانع ایجاد می‌کند و می‌خواهد همه چیز در چارچوب بهزیستی و کمیته امداد انجام شود. من تحولات سیاسی و مقوله سیاسی را مهم‌تر از همه می‌دانم. چون ساختارهای سیاسی ایدئولوژیک است برای جذب هیئت‌علمی و جذب دانشجو این معیارها را نه تنها برای دانشجو نمی‌پذیرد بلکه ممکن است امتیاز منفی داشته باشد که چرا نیامده در فعالیت‌های ما مشارکت کند. حکومت اجازه نمی‌دهد که چیزی مستقل از خودشان وجود داشته باشد. این تنش‌ها ادامه دارد».

۴-۳-۳- موانع کلی

از مجموع ۸۹ مانعی که ذکر شده است، بیش از ۴۲ درصد از آن‌ها در مقوله موانع ساختاری و مدیریتی قرار می‌گیرند که امری خارج از اراده و توان فعالان تشکل‌های اجتماعی است و پس از آن موانع نرم‌افزاری با ۲۷ مانع (۳۰ درصد) قرار می‌گیرند که امری مشترک و متقابل میان مدیریت دانشگاه‌ها، حاکمیت و دانشجویان است. در دسته سوم، موانع آموزشی-شناختی با حدود ۲۰ درصد (۱۷ مورد) قرار می‌گیرند که باز میان مسئولان و دانشجویان دارای اشتراک هستند و در پایان موانع مربوط به شرایط کلی جامعه قرار گرفته‌اند (۷ مورد یا ۸ درصد) که به‌طور کلی از دایره توان دانشجویان خارج ولی حاکمیت تا حدود زیادی می‌تواند در تغییر آن مؤثر واقع شود؛ بنابراین ۵۰ درصد از موانع از



حیطه توان و اختیارات دانشجویان خارج است و در ۵۰ درصد مابقی هم بخش زیادی از موانع متوجه دانشگاه و حاکمیت است. در باب نوع نگاه مدیریت حاکمیت و دانشگاه‌ها به فعالیت‌های فوق برنامه و اجتماعی، انتقاد اصلی مصاحبه‌شوندگان این است که حاکمیت به این‌گونه فعالیت‌ها باور و اعتماد ندارد، آن‌ها را مزاحم و دردسرساز، بی‌فایده و بی‌بازده، غیرضروری، تزئینی، هزینه‌بر و مستعد بحران‌آفرینی می‌داند. در ادامه به بخش‌هایی از نظرات مصاحبه‌شوندگان اشاره می‌کنیم که هرکدام مؤید یکی یا چند مورد از ادعاهای بالاست:

محمد صالح مفتاح، عضو سابق جنبش عدالت خواه:

«بعضی از سازوکارهای بیرونی تمایلی به فعالیت غیرعلمی [منظور فعالیتی غیر از فعالیت علمی است] دانشجویی ندارند. در دانشگاه‌های ما این پذیرش وجود ندارد که دانشجو می‌تواند فعالیت‌های اجتماعی را انجام دهد و در این فعالیت‌ها ساخته شده و صاحب تجربه شود.»

مهسان احمدی، عضو خیریه دانشجویی التیام:

«مسئولان خود را نیازمند فعالیت‌های دانشجویی نمی‌دانند.»

دکتر محمدحسین مطهری:

«حتی در زمینه‌های دیگر هم می‌بینیم به صورت غیرقانونی و با فشار نهادهای بیرون از دانشگاه، دانشگاه کارهای خلاف قانون انجام می‌دهد و جلوی فعالیت‌های دانشجو را می‌گیرد.»

یکی از فعالان تشکل‌های اجتماعی:

«بزرگ‌ترین مشکلی که چند سال با آن مواجه بودیم این بود که کسانی به امور فرهنگی می‌آیند و امور فرهنگی را در دست می‌گیرند که هیچ دیدی نسبت به کار فرهنگی ندارند و اکثراً سابقه سیاسی دارند به همین دلیل است که هر کاری که به مدیریت فرهنگی پیشنهاد می‌شود از جنبه سیاسی به آن نگاه می‌شود.»

دکتر عباس کاظمی، جامعه‌شناس و پژوهشگر:

«این‌ها از دانشگاه جامعه محور هم می‌ترسند چون احساس می‌کنند رقیب ایجاد می‌شود، قدرت اجتماعی و جامعه مدنی ایجاد می‌کند و جامعه مدنی می‌تواند دولت را تضعیف کند.»

دکتر جمال رحیمیان، معاون فرهنگی سابق دانشگاه علم و فرهنگ جهاد دانشگاهی:

«نگاه‌ها باید از نگاه دست‌چندمی و باری به هر جهت عوض شود و اینکه این چند دانشجو سرگرم هستند عوض شود. به‌عنوان سرمایه‌گذاری درازمدت روی نیروی انسانی و به رشد و تربیت نیروی انسانی نگاه شود.»

مهدی عباسی، رئیس سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی:

«به نظر من اولین مانع [این است که] نگرش مثبتی نسبت به این‌گونه فعالیت‌ها در چارچوب حاکمیت وجود ندارد. مانع بعدی، غلبه نگاه امنیتی بر تشکل‌یابی دانشجویان است.»

پرداختن به مشکلات مدیریتی و ساختاری و منع و مضایقه‌هایی که در خصوص تشکل‌های اجتماعی ایجاد می‌کنند نیاز به شرح و تفصیل زیادی ندارد اما شاید اشاره به یکی از این موارد از همه جالب‌تر باشد و شدت محدودیت‌ها و موانع را بیش از همه موارد دیگر نشان دهد:



پارسا دین‌دار، عضو کانون همیاران سلامت دانشگاه بوعلی سینا همدان:

«ما می‌خواستیم کاری مقابل سلف دانشگاه انجام بدهیم و تست روانشناسی برای بچه‌ها برگزار کنیم و در طرح خدقوت بین آن‌ها شیرینی و شکلات توزیع کنیم، هماهنگی‌ها را انجام دادیم وقتی سمت سلف رفتیم که این کار را انجام بدهیم به ما گفتند اصلاً با ما هماهنگی نشده، ما فقط یک میز خواستیم که کارمان را انجام بدهیم به ما گفتند از قبل هماهنگ نکرده‌اید و باید نامه‌نگاری می‌کردید این ساده‌ترین چیزی بود که می‌توانست در اختیار ما قرار بگیرد».

برای نشان دادن موانع نرم‌افزاری هم مصادیق زیادی وجود دارد.

فاطمه حسین‌زاده، عضو کانون خیریه مهریار دانشگاه علوم پزشکی تهران:

«اولین موردی که می‌تواند یکی از این موانع باشد فردگرایی و عدم تمایل به شرکت در فعالیت‌های گروهی است. دومین مورد تغییر سبک زندگی و کاهش روحیه مسئولیت‌پذیری دانشجویان و عدم تمایل برای شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه و صرفاً انجام فعالیت‌هایی است که جزو وظایف اصلی‌شان است نه فعالیت‌های فوق‌برنامه».

یکی از فعالان تشکل‌های اجتماعی:

«کلاً دانشجویان منزوی شده‌اند و به فعالیت‌های جمعی اقبالی نشان نمی‌دهند. جو دانشگاه‌ها به شدت افسرده است و همان‌طور که می‌دانید آمار خودکشی در دانشگاه‌ها زیاد است. ما بچه‌های افسرده زیاد داریم که قرص مصرف می‌کنند».

صادق مفرد، معاون کل جهادی سازمان بسیج دانشجویی:

«بعضی تشکل‌ها تقیدات بیخود دارند و تعصب به خرج می‌دهند و می‌گویند تنها هیئت دانشگاه ما هستیم، تنها مجموعه ما هستیم».

در پایان این بخش، لازم است به برخی از مصادیق موانع آموزشی-شناختی هم اشاره کنیم:

معین رضاعلیزاده، کانون خیریه دانشگاه نوشیروانی بابل:

«بحث دانش اجتماعی کم بین کسانی که به عنوان ساکنان دار این قضیه چه در دانشگاه و چه در حاکمیت هستند می‌تواند بزرگ‌ترین موانع این فعالیت‌ها باشد».

دکتر عباس کاظمی، جامعه‌شناس و پژوهشگر:

«اولین مرحله، نظام آموزش ما و تربیت است. روانشناسی و بحث آموزش و تربیت است که انسان‌های خودمحور و خودخواه پرورش می‌دهد. یک فرهنگ صدقه داریم که صندوق صدقات می‌گذاشتیم و این فرهنگ هم برای دفع بلاست نه برای کمک به جامعه و از طریق صدقه نمی‌شود جامعه را نگه داشت. ما جامعه‌ای نشدیم که بخشی از سرمایه خودمان را به صورت سیستماتیک به جامعه کمک کنیم. نظام آموزشی ما به‌گونه‌ای است که تخصص ما به نفع منافع فردی ماست نه در خدمت منافع جمعی».

محمد صالح مفتاح، عضو سابق جنبش عدالت‌خواه:

«هیچ بستری برای تربیت دانشجویان برای انجام این فعالیت‌ها وجود ندارد که افراد یاد گرفته باشند که باید نسبت به جامعه بی‌تفاوت نباشند و کاری انجام دهند که به نظر من این مسئله هم باید دیده شود».



۴-۴-۴- کامیابی‌ها، پیامدها، راهکارها و چشم‌انداز آینده

۴-۴-۱- کامیابی‌ها و ناکامی‌ها

در خصوص میزان کامیابی یا ناکامی تشکل‌های اجتماعی چهار دیدگاه وجود دارد:
الف) دسته اول شامل ۱۱ نفر (۳۱ درصد)، کسانی هستند که معتقدند به رغم همه کاستی‌ها و موانع، دانشجویان در زمینه رفع فقر و محرومیت و برقراری عدالت موفق بوده‌اند.

ب) دسته دوم که آن‌ها نیز ۱۱ نفر (۳۱ درصد) هستند، فعالان و تشکل‌های اجتماعی را در این زمینه موفق نمی‌دانند.
ج) دسته سوم شامل ۷ نفر (۱۹ درصد)، بر این اعتقاد دارند که اگرچه فعالان تشکل‌های اجتماعی کم‌وبیش موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی داشته‌اند اما آنچه از موفقیت آن‌ها در زمینه رفع فقر و محرومیت مهم‌تر است، تأثیر درازمدت و ماندگار این‌گونه فعالیت‌ها در پرورش، خودسازی، آگاه‌سازی و دردمندی خود دانشجویان است. از دیدگاه این گروه، هدف از فعالیت اجتماعی بیش از آن که رفع فقر باشد، مواجهه و آشنایی دانشجویان با چهره‌های گوناگون فقر و نابرابری و هم‌چنین پرورش و توانمندسازی دانشجویان برای مدیریت بهتر جامعه و رفع مسائل و مشکلات آن در سطحی بالاتر است.

د) دسته چهارم که آن‌ها نیز ۷ نفر (۱۹ درصد) هستند، در زمینه رفع فقر و نابرابری هیچ‌گونه وظیفه‌ای برای دانشجویان قائل نیستند بلکه بر این عقیده‌اند که دانشجویان باید در این زمینه به جای غرق شدن در امور خیریه‌ای و دامن زدن به عطش جامعه برای کمک گرفتن از افراد خیر، مردم را نسبت به حقوقشان آگاه و حاکمیت را برای رفع نیازهای مردم، پاسخگو کنند.
نکته اول در ارتباط با یافته‌های بالا یکسان بودن معتقدان به کامیابی و ناکامی تشکل‌های اجتماعی در زمینه مبارزه با فقر و محرومیت است. نکته دوم این است که به همان اندازه که عده‌ای برای دانشجویان و تشکل‌های اجتماعی، در زمینه رفع فقر و محرومیت وظیفه‌ای قائل نیستند، عده دیگری بدون توجه به چنین وظیفه‌ای معتقدند، فعالیت اجتماعی مزایای زیادی برای خود دانشجویان دارد و آن‌ها را از هر جهت برای ورود به عرصه‌های مختلف زندگی، با تجربه می‌کند، برای تقویت مدیریت کشور مفید است، دردمندی دانشجویان را افزایش می‌دهد و پیوند آن‌ها را با جامعه برای رفع فقر و محرومیت بیشتر می‌کند؛ بنابراین بر اساس همین یافته باید فعالیت‌های اجتماعی را فعالیتی موفق قلمداد کرد.

مریم مرادی فر، دبیر کانون خیریه ترنم محبت دانشگاه مشهد و علوم پزشکی مشهد در این باره معتقد است:
«اثر بلندمدت آن که به صورت تأثیر بر تفکر و نحوه عملکرد افراد به عنوان یک فرد مستقل در آینده است و بعد از اتمام دوره دانشجویی، این اثر، اثر مطلوبی هست و بهتر هم می‌شود».

سجاد سهیلی هم در این باره می‌گوید:

«من این قضیه را موفق دیده‌ام. نقطه اثرگذاری بلندمدت آنجایی است که این آدم‌هایی که بعداً صاحب جایگاه و اثرگذاری اجتماعی می‌شوند برمی‌گردند و به محله‌های خودشان خدمت می‌کنند».

نظر مهندس عباس عبدی هم در این رابطه چنین است:

«هدف اصلی‌شان این است که این دانشجویان از خلال این نوع فعالیت‌ها اجتماعی می‌شوند و جایگاه خودشان را نسبت به دیگران و دیگران را نسبت به خودشان تعریف می‌کنند؛ که دنیا را چگونه ببینند و چگونه در آینده بتوانند برنامه‌ریزی کنند و مهم‌ترین‌که مردم هم حس کنند که کسانی هستند که به فکر آن‌ها هستند و آن‌ها تنها نیستند».

نرجس فاضل‌زاده، عضو کانون آفتاب دانشگاه شیراز هم بر بعد آگاه‌سازی فعالیت‌های اجتماعی تأکید دارد:
«آگاه‌سازی‌ها بیشتر شده و آگاه‌سازی به نظر من یکی از بهترین رکن‌های فعالیت اجتماعی است که ما از این نظر رشد



خوب و نتایج خیلی خوبی در بحث آگاه‌سازی داشتیم. فکر نمی‌کنم برآیند فعالیت‌های دانشجویی در سطح جامعه به صورت عملی چیزی را تکان داده باشد اما این کارها کارهای ریشه‌ای است و قدم‌های ما ناپاست و باید بزرگ‌تر شود. شاید امروز اثراتش را مشاهده نکنیم اما سال‌های آینده می‌توانیم اثرات همین فعالیت‌های امروز و خرد دانشجویان را در سطح کلان هم ببینیم و من فکر می‌کنم قطعاً دانشجویان مؤثر بودند».

دکتر محمدحسین مطهری به‌گونه‌ای دیگر به پیامدهای مثبت فعالیت‌های اجتماعی اشاره می‌کند: «هدف ما مواجهه مستقیم دانشجو [با فقر و محرومیت] چه در شهر خودش چه در شهر دیگر است. هدف ما از حوزه‌های محرومیت‌زدایی رفع فقر و رفع محرومیت نیست هدف ما دردمندی و درد چشیدن است».

مهدی عباسی تا حدود زیادی مطالب بالا را به صورت خلاصه بیان کرده است: «من معتقدم بیشتر برای خود دانشجو مفید بوده و تأثیر مثبت داشته تا جامعه هدفی که این فعالیت‌ها در آن صورت گرفته است. به باور من تأثیر آن بر خود دانشجو مثبت بوده و شاید هدف عمده‌ای که برای این اردوها در نظر گرفته شده، آشنا کردن دانشجویان با مسائل و مشکلات و توانمندسازی دانشجویان در مواجهه با این مشکلات است. در سطح دانشجویی خوب بوده و توانسته دانشجویان زیادی را نسبت به محرومیت‌هایی که در سطح کشور وجود دارد حساس کند و آن‌ها را به مشارکت اجتماعی تشویق کند».

۴-۴-۲- پیامدها

۴-۴-۱- پیامد فعالیت‌های اجتماعی برای دانشجویان

یافته‌های نشان می‌دهد که از مجموع ۵۰ پاسخ ارائه شده به این بخش فقط ۴ پاسخ (۸ درصد) از پیامدهای منفی فعالیت‌های اجتماعی حکایت دارد و ۹۲ درصد پاسخ‌ها پیامدهای مثبتی برای این‌گونه فعالیت‌ها بیان کرده‌اند. پیامدهای مثبت فعالیت‌های اجتماعی که متوجه دانشجویان است به ترتیب بیشترین فراوانی، عبارت‌اند از: تقویت مهارت و توانمندی فعالان دانشجویی، تقویت ابعاد فردی، وجودی و شخصیتی خود فعالان دانشجویی، توسعه تعاملات و ارتباطات فعالان دانشجویی. این یافته‌ها نشان می‌دهد که: اولاً توانمندشدن فعالان دانشجویی، تقویت ابعاد فردی، وجودی و شخصیتی آن‌ها و توسعه تعاملات و ارتباطاتشان از اهمیت بالایی برخوردار است و ثانیاً آن‌ها چنین مزایایی را در طول فعالیت خود در تشکلهای اجتماعی تجربه کرده‌اند و بیان این مزایا به‌عنوان بخشی از «تجربه زیسته» شان محسوب می‌شود.

سجاد سهیلی، عضو انجمن خیریه یاس دانشگاه علوم پزشکی مشهد (عضو سابق بسیج و جامعه اسلامی) به‌عنوان یک دانشجو بخش زیادی از این پیامدهای مثبت را به صورت یکجا بیان کرده است:

«دانشجو را از فضای تک‌بعدی درس خواندن که منجر به سرکوب انرژی و توانمندی و پویایی ناشی از سنین جوانی می‌شود خارج می‌کند و او را در یک فضای چندبعدی و اجتماعی می‌آورد که او را برای مسئولیت‌هایی که در آینده قرار است بر عهده بگیرد، بار می‌آورد. دوم مانع از نگاه افراطی یا تفریطی که ناشی از القائات فضای مجازی است می‌شود و آن‌ها با دیدن واقعیت در حاشیه شهر و زندگی محرومین جامعه احساس مسئولیت خواهند کرد. سوم استفاده از ظرفیت‌های بالقوه‌ای که در وجود آن‌ها هست و بالفعل شدن آن‌ها مانند همان انتقال مهارت و توانمندی‌ها».

دکتر مجتبی صدیقی، معاون دانشجویی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هم به‌عنوان یک مسئول فعلی و فعال دانشجویی سابق، به نحو کامل‌تری پیامدهای پیش‌گفته را مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهد:

«عمدتاً پیامدش را مثبت می‌دانم. نگاهی که قبلاً به سابقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بچه‌هایی که در این طیف از



فعالیت‌ها اعم از محلی و ملی ورود پیدا کردند، بعدها مدیران خوبی برای جامعه شدند و در کنار درس خواندن سایر استعدادهایشان هم تربیت شد و به فعلیت درآمد و فهمیدند که با یک گروه چگونه می‌شود کار کرد و کار جمعی چگونه انجام می‌شود و اگر مسئولیت گروه را دارند چگونه باید گروه را رهبری و هدایت کنند و زمانی که فارغ‌التحصیل شد آمدگی دارد که بسترهای اجرایی کشور را به راحتی بپذیرد. جدا از بحث‌های تخصصی، عملی و کاربردی که در جریان این فعالیت‌ها ممکن است یاد بگیرند افرادی هستند که جامعه خودشان را بهتر شناخته‌اند و با دردهای جامعه بیشتر آشنا شده‌اند و زمانی که می‌رسند به عرصه خدمت کردن به مردم بعد از فارغ‌التحصیلی و ورود به بازار کار به احتمال زیاد مردم را فراموش نمی‌کنند و محرومیت‌های مردم، اتفاق‌هایی که به مردم ممکن است وارد شود و اگر در مسئولیتی قرار می‌گیرند به زیرمجموعه توجه می‌کنند و این از برکات این تیپ از حضورهاست.»

۴-۲-۲- پیامد فعالیت‌های اجتماعی برای دانشگاه

یافته‌ها نشان می‌دهد که رونق فعالیت‌های اجتماعی در دانشگاه‌ها بیش از آن که پیامد منفی داشته باشد دارای پیامدهای مثبت است و عمده این پیامدها معطوف به تقویت مؤلفه‌های درونی دانشگاه است. اگرچه برای تقویت وجهه بیرونی دانشگاه هم مفید است. از این یافته‌ها چنین استنباط می‌شود که با گسترش فعالیت‌های اجتماعی در دانشگاه‌ها، دانشگاه، دانشگاه‌تر می‌شود. دکتر عباس کاظمی به بخشی از پیامدهای مثبت فعالیت‌های اجتماعی برای دانشگاه اشاره کرده است:

«دانشگاه [با مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی] در توسعه کمک می‌کند؛ هم توسعه نظری و هم توسعه روش‌ها و [بدین ترتیب] ما بومی‌تر می‌شویم، بهتر نظر می‌دهیم، بهتر می‌توانیم جامعه را جلو ببریم، دانشگاه احساس مفید بودن می‌کند، مسائل دولت هم کمتر می‌شود. فایده آن هم این است که جامعه و دولت بیشتر نصیب می‌برند. دانشگاه هم توسعه‌اش توسعه واقعی می‌شود.»

دکتر محمدباقر خرمشاد که خود در دوره‌ای معاون فرهنگی وزارت علوم بوده است در این زمینه دغدغه زیادی دارد و هدف غایی فعالیت‌های اجتماعی را ایجاد نشاط و سرزندگی در دانشگاه و پویایی فضای علمی می‌داند. او معتقد است تا آنجا که مقدور است باید با انواع فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و ورزشی، اوقات فراغت دانشجویان را پر کرد و بدین وسیله زمینه و بستری فراهم شود تا هر دانشجویی بر اساس علایق و گرایش‌های خود فعالیت موردعلاقه خود را انتخاب کند:

«اگر این را قبول کنیم که دانش قدرت است و عمده دانش در دانشگاه‌ها رقم می‌خورد و اگر قبول کنیم که رسالت تمدن‌سازی دارید T حتی به صورت عرفانی هم نگاه کنید اگر تمدن ساخته شود بخش عمده آن دانش است این دانش قدرت است و این دانش تمدن‌ساز است این را چه نوع دانشگاهی می‌تواند تأمین کند؟ دانشگاهی که در آن فعالیت اجتماعی باشد یا دانشگاهی که در آن فعالیت اجتماعی نباشد؟ یقیناً هر آدم عاقلی می‌گوید که دانشگاهی که در آن فعالیت‌های اجتماعی در مفهوم عام باشد برای اینکه نشاط است که کمک می‌کند که علم از آن دربیاید و علم به اوج و بالندگی برسد.»

۴-۲-۳- پیامد فعالیت‌های اجتماعی برای حاکمیت

پیامد فعالیت‌های اجتماعی برای حاکمیت در دو مقوله به شرح زیر قابل تقسیم‌بندی هستند:

الف) تقویت حاکمیت (شامل کاهش هزینه‌ها، تقویت حاکمیت، ظرفیت‌سازی برای حاکمیت و کاهش مشکلات دولت)؛ (۶ پاسخ).

ب) تقویت رابطه حاکمیت با مردم (شامل افزایش اعتماد متقابل دولت-ملت و تقویت رابطه دانشجویان با حاکمیت)؛ (۲ پاسخ).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اشاره پاسخگویان به پیامدهای فعالیت اجتماعی دانشجویان برای حاکمیت به حدی انگشت‌شمار است که گویی این‌گونه فعالیت‌ها دوست دارند تا حد امکان به دور و فارغ از حاکمیت انجام شوند.



اشاره‌های سید محمدحسین عربی، عضو انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه رازی کرمانشاه یکی از معدود اشاره‌ها در این زمینه است: «فعالیت‌های اجتماعی به صورت کلی در کل کشور باعث ترمیم شکاف‌های دولت-ملت می‌شود و طبیعتاً با کاسته شدن این شکاف‌ها و اعتمادسازی بین دولت و ملت هر دو منتفع می‌شوند و تقویت مشارکت‌های اجتماعی باعث اعتمادسازی بین حکومت و ملت می‌شود و درنهایت می‌تواند هر دوی این‌ها را منتفع کند».

مهدی عباسی هم از بعد مدیریتی به این موضوع نگاه کرده است:

«اگر نگاه مثبتی نسبت به این فعالیت‌ها وجود داشته باشد می‌توانیم انتظار داشته باشیم که مجموعه‌ای از مدیران آینده از دل این فعالیت‌های اجتماعی بیرون بیایند که در سطوح حاکمیتی بتوانند مشغول به فعالیت شوند».

۴-۲-۴-۴- پیامد فعالیت‌های اجتماعی برای جامعه

برعکس معدود بودن پیامد فعالیت‌های اجتماعی برای حاکمیت، پیامدهای این‌گونه فعالیت‌ها برای جامعه نسبتاً زیاد است و از نظر کمی مقایسه پیامدهای احصا شده برای این دو حوزه ۱۲ در برابر ۲۷ است. از میان ۲۷ پاسخ ارائه شده در این بخش، اکثریت پاسخ‌ها حاکی از پیامدهای مثبت فعالیت‌های اجتماعی برای جامعه است. مهم‌ترین این پیامدها کاهش آسیب‌های اجتماعی، افزایش همبستگی و امید در جامعه است. البته در خلال پاسخ‌های فوق دو نفر هم به موضوع «وابسته شدن فقرا» به دریافت کمک‌ها و حمایت‌های اجتماعی اشاره کرده‌اند که به رغم کم‌تعداد بودن پاسخ‌ها، نکته قابل تأملی است. یکی از مهم‌ترین فواید یا پیامدها از نظر پاسخگویان، تقویت توان مدیریتی جامعه است.

زهرا رحیمی، عضو جمعیت امداد دانشجویی امام علی برخی از این پیامدهای مثبت را بدین شرح بیان کرده است:

«در جامعه‌ای که مردم مشارکت اجتماعی دارند و فعالیت اجتماعی می‌کنند، خانواده‌های موفق‌تر و درصد طلاق کمتری خواهیم داشت. وابستگی‌های عاطفی آن جامعه بالا می‌رود و سرمایه‌های اجتماعی هم بالا می‌رود. به طور کلی جامعه‌ای که هرکسی امید دارد که اگر حاکمیت به داد ما نرسید، خود ما مردم هستیم که به داد هم می‌رسیم احساس امنیتی به شهروندان می‌دهد».

۴-۳-۴- راهکارها

بر اساس یافته‌ها از مجموع ۱۰۸ پاسخ، ۶۰ پاسخ (۵۵ درصد) به راهکارهای مدیریتی و ساختاری اختصاص دارد که به‌تنهایی بیش از نیمی از راهکارها را به خود اختصاص داده است. در گام بعدی، راهکارهای آموزشی-شناختی قرار دارند که ۲۸ پاسخ یا ۲۶ درصد از راهکارها را شامل می‌شود. راهکار مهم سوم راهکار نرم‌افزاری است که با ۱۷ پاسخ، حدود ۱۶ درصد را به خود اختصاص داده است. آخرین راهکار (تغییرات شرایط کلی و اقتصادی جامعه) فقط ۳ درصد از راهکارها را شامل می‌شود.

یکی از راهکارهای مدیریتی و ساختاری بحث استقلال دانشگاه‌ها است. دکتر حمیدرضا جلایی‌پور بر این موضوع تأکید زیادی دارد و کل راهکارهای ارائه شده از سوی ایشان در همین بحث خلاصه می‌شود:

«برای حل مشکلات جامعه، اتفاقاً یکی از راه‌ها این است که دانشگاه‌ها را درست اداره کرد و این فقط مسئله ایران نیست ما باید ببینیم در دنیا جوامع موجود چگونه دانشگاه‌ها را اداره می‌کنند و چگونه دست به تولید نیروی انسانی می‌زنند؛ اداره دانشگاه باید زیر نظر اجتماع علمی خود دانشگاه‌ها باشد... آوریته باید با اعضای هیئت علمی دانشگاه باشد و از لحاظ اداری فضای غیرآموزشی، غیر از فضای کلاس، درس، تحقیق، علم و دانش فضای عمومی دانشگاه‌ها مانند تمام دانشگاه‌های زنده دنیا باید دست نماینده دانشجویان باشد، همین انجمن‌های صنفی، علمی و فرهنگی، برابر قانون بتوانند از محیط‌های عمومی استفاده کنند».



یکی دیگر از پیشنهادات پرتکرار، آموزش دانشجویان و حتی مدیران و متولیان دانشگاه است. معین رضاعلیزاده، عضو کانون خیریه دانشگاه نوشیروانی بابل:

«می‌توانیم در دانشگاه برای مدیران فرهنگی دانشگاه‌ها دوره و ورک‌شاپ‌هایی بگذاریم تا با این‌گونه فعالیت‌ها آشنا شوند.»

دکتر محمدباقر خرمشاد، معاون فرهنگی سابق وزارت علوم هم نظری مشابه در این رابطه دارد:

«مسئله بعدی این باشد که برای معاونت فرهنگی کارشناسان فرهنگی تربیت شود ولو دیدن دوره‌های دوسه ماهه یا شش ماهه.»

مهم‌ترین پیشنهاد در زمینه موضوعات نرم‌افزاری، تغییر نگاه مسئولان است. از دید پاسخگویان، هنوز به فعالیت‌های اجتماعی باور ندارند، یا آن را فعالیت درجه اولی به حساب نمی‌آورند. از سوی دیگر ممکن است به دانشجویان برای ایفای چنین نقش‌هایی اعتماد کامل نداشته باشند. دانشجویان و فعالان اجتماعی انتظار دارند که دیده شوند، فهمیده شوند و مورد اعتماد واقع شوند. مهدی عباسی بخشی زیادی از این دغدغه‌ها را به صورت یکجا بیان کرده است:

«نگرش مثبت حاکمیت نسبت به فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان، پذیرش و به رسمیت شناختن حق دانشجویان نسبت به فعالیت اجتماعی و به رسمیت شناختن استقلال دانشگاه و دانشجو، تقویت احساس تعلق اجتماعی و احساس تعلق ملی، حمایت جدی از فعالیت‌های دانشجویی و حمایت برابر از فعالیت‌های دانشجویی بدون غلبه نگاه‌های ایدئولوژیک نسبت به فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان، کنار گذاشتن نگاه امنیتی نسبت به تشکل‌یابی دانشجویان راهکارهای جدی در این زمینه هستند.»

۴-۴-۴- چشم‌انداز و دورنمای فعالیت‌های اجتماعی

متأسفانه ۱۴ نفر (۵۰ درصد) از ۲۸ نفری که در خصوص آینده فعالیت‌های اجتماعی، پاسخ داده‌اند، امید چندانی به بهبود و گسترش فعالیت‌های اجتماعی ندارند. آن‌ها با توجه به شرایط موجود و دشواری‌هایی که در این راه دیده یا تجربه کرده‌اند، بر این عقیده هستند که شرایط فعلی در آینده هم ادامه خواهد داشت و به همین دلیل از اقبال و توجه دانشجویان به فعالیت‌های اجتماعی کاسته خواهد شد. عده‌ای هم به‌رغم تجربه سختی‌ها و کاستی‌های فراوان در این زمینه، معتقدند حرکت تشکل‌های اجتماعی رو به رشد است زیرا گرایش و تمایل دانشجویان را به انجام امور خیر و دست‌یابی به درجه‌ای از «احساس مسئولیت» را در حد بالایی ارزیابی می‌کنند. این افراد ۱۲ نفرند و ۴۳ درصد پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. دسته سوم که فقط دو نفر یا ۷ درصد از پاسخگویان را تشکیل می‌دهند، احتمال می‌دهند وضعیت فعلی فعالیت‌های اجتماعی که در حال حاضر هم برای آن‌ها رضایت‌بخش نیست، به همین صورت ادامه پیدا کند. در ادامه، شواهدی از این دو نگاه اصلی (خوش‌بینانه/بدبینانه) را خواهیم آورد تا گوشه‌ای از استدلال‌های معتقدان به هر یک از دو دیدگاه روشن‌تر شود:

دکتر عباس کاظمی تا حدودی به آینده فعالیت‌های اجتماعی که آن را در بستر گفت‌وگوی میان دولت و دانشگاه امکان‌پذیر می‌داند، به صورت مشروط و همراه با بدبینی نگاه می‌کند:

«دو مانع مهم برای این کار [گفت‌وگوی میان دولت و دانشگاه برای حل مشکلات اجتماعی] وجود دارد، اگر این دو مانع برداشته شود در بازه ده‌ساله رخ می‌دهد. مانع اصلی تحریم‌هاست و این مانع دوم را رقم می‌زند که مانع مهاجرت است؛ یعنی این دو عامل تحریم و فشار اقتصادی اگر دولت را سرعقل بیاورد که این ربطی به جامعه ندارد و مشکل را حل کند. اگر فضا باشد و مسئله مهاجرت هم کمتر شود و این افراد احساس کنند که می‌توانند کار کنند در یک بازه ده‌ساله می‌شود این کار را کرد؛ اما تا زمانی که این دو عامل وجود دارند به‌عنوان عامل مخرب برای بازسازی جامعه دیده می‌شوند و در این شرایط شاید پنجاه سال یا صدسال آینده دانشگاه ما به آن سمت برود.»



دکتر سیدضیاء هاشمی نیز نگاهی مشابه در این زمینه دارد:

«من در کوتاه مدت متأسفانه مثبت نمی‌بینیم به این جهت که در کوتاه مدت فعالیت‌های داوطلبانه در فضای دانشجویی چه در بستر اجتماعی و چه در فضای مدیریت رسمی، خیلی حمایت و استقبال نمی‌شود. در فعالیت‌های داوطلبانه، در فضای رخوت هستیم، به جهت آزدگی‌هایی که وجود دارد، به جهت تضعیف اعتماد اجتماعی در بین فضای دانشجویی، به جهت سیاست زدگی که هر فعالیت جمعی، سیاسی دیده می‌شود. به نظر من در دوران افول و رکود هستیم ولی در درازمدت مثبت است و در درازمدت با کاهش هیجانات سیاسی و کاهش انگیزه فعالیت‌های سیاسی به نظر من فعالیت‌های اجتماعی توسعه پیدا خواهد کرد».

وقتی می‌خواهیم به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان استناد کنیم که ضمن خوش بینی به آینده فعالیت‌های اجتماعی، دلایل کافی هم برای خوش بینی شان داشته باشند، به موارد قابل توجهی برخورد نمی‌کنیم. نظرهای ارائه شده در این زمینه معمولاً کوتاه و فاقد استدلال است اما در لابه‌لای نظرات آن همان نکاتی یافت می‌شود که در پاسخ خانم مهسان احمدی هم آمده است:

«قشر نوجوان و جوان جامعه را در گذر زمان، مطالبه‌گرتر، آگاه‌تر و دغدغه‌مندتر می‌یابم و افزایش فعالیت‌های اجتماعی قابل پیش بینی است».



۴-۵- ارتباط میان مبانی نظری و یافته‌ها

در مبانی نظری، استفاده مختصری از نظریه پارسونز برای تعریف فعالیت اجتماعی برده بودیم و وعده داده بودیم در پرتو این نظریه، به تحلیل داده‌ها بپردازیم. در آن موقع توجه کافی به ابعاد و الزامات این نظریه صورت نگرفت. به همین دلیل نمی‌توان انتظار داشت یافته‌های این پژوهش را با توجه به نظریه مذکور توضیح داد یا تفسیر کرد. پیش‌تر بیان شد که پارسونز به جای عبارت «فعالیت اجتماعی» از مفهوم «کنش اجتماعی» استفاده کرده است. وی برای تحقق کنش اجتماعی از سه شرط انتظارات متقابل، ارزش‌ها و هنجارها و ضمانت‌های اجرا نام می‌برد. در این مفهوم‌سازی، سنگ بنا ارزش‌ها و هنجارها هستند و انتظارات بر آن‌ها استوار هستند. از دل ارزش‌ها و هنجارها، انتظارات متقابلی شکل می‌گیرد و ضمانت‌های اجرا هم شرط لازم برای تحقق انتظارات هستند. حال با عنایت به توضیحات فوق می‌توان جدولی به صورت زیر ترسیم نمود:

جدول ۱. انتظارات متقابل، ارزش‌ها و هنجارها و ضمانت‌های اجرا و سوالات مرتبط با هر یک

ردیف	محور	سوالات مرتبط	توضیحات
۱	ارزش‌ها و هنجارها	سؤال ۱ (دانشجویان در چه زمینه‌ای باید فعالیت کنند؟) سؤال ۲ (حوزه فعالیت فعلی دانشجویان) سؤال ۸ (پیامد فعالیت‌های اجتماعی)	
۲	انتظارات متقابل	سؤال ۱ (دانشجویان در چه زمینه‌ای باید فعالیت کنند؟) سؤال ۳ (زمینه‌های لازم برای فعالیت‌های اجتماعی) سؤال ۹ (راهکارها)	
۳	ضمانت‌های اجرا	سؤال ۹ (راهکارها)	

در توضیح جدول فوق و علت گنجانده نشدن همه پرسش‌ها در قالب مفاهیم پارسونز یا ناممکن بودن توضیح یافته‌ها در پرتو نظریه مذکور، ذکر چند نکته لازم است:

۱- این نظریه برای تبیین کنش اجتماعی بر ساخته شده است، حال آن‌که موضوع پژوهش ما فعالیت اجتماعی است و هنگام استفاده از این نظریه هم بیان شد که از سرناچاری و برای عبور از تنگنای به وجود آمده در خصوص تعریف «فعالیت اجتماعی» از این نظریه استفاده کردیم.

۲- برای استفاده بهتر از نظریه پارسونز و به خصوص معنادار شدن «انتظارات متقابل» لازم بود ما همه کنشگران دخیل در فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه نمایندگانی از حاکمیت را هم در این پژوهش مورد مطالعه قرار دهیم که بنا بر دلایلی که مهم‌ترین آن‌ها موضوع پژوهش و خواسته‌های کارفرمای محترم بود، عمداً از این کار صرف نظر شد.

۳- در این پژوهش از ابتدا قصدی برای نظریه‌پردازی یا نظریه‌آزمایی وجود نداشته است. پژوهش حاضر از نوع اکتشافی و جهت کشف ابعاد ناشناخته موضوع به‌ویژه فهم زمینه‌ها، موانع و راهکارهای گسترش فعالیت‌های اجتماعی انجام شده است.

به‌رغم موارد بالا سعی شده است رابطه‌ای هرچند مختصر میان نظریه پارسونز و یافته‌های این پژوهش برقرار شود. در این راستا به‌زعم ما پرسش‌های ۱، ۲ و ۸ (سؤال ۱) دانشجویان در چه زمینه‌ای باید فعالیت کنند؟ سؤال ۲ (حوزه فعالیت فعلی دانشجویان)، سؤال ۸ (پیامد فعالیت‌های اجتماعی) کم‌وبیش جنبه‌هایی از ارزش‌ها و هنجارهای پاسخگویان را نشان می‌دهند، پرسش‌های ۱، ۳ و ۹ (سؤال ۱) دانشجویان در چه زمینه‌ای باید فعالیت کنند؟، سؤال ۳ (زمینه‌های لازم برای فعالیت‌های اجتماعی؟ سؤال ۹ (راهکارها)) به انتظارات متقابل اشاره دارد و پرسش ۹ نیز (راهکارها) بخشی از ضمانت‌های اجرا را بازگو می‌کند.

براین اساس و با عنایت به یافته‌های هر یک از پرسش‌های مذکور می‌توان «ارزش‌ها و هنجارها»، «انتظارات متقابل»، «ضمانت‌های اجرا» پاسخگویان را به شرح زیر بیان کرد:



ارزش‌ها و هنجارها: در خصوص ارزش‌ها و هنجارها، پاسخگویان، پرداختن به امور علمی را در درجهٔ نخست به‌عنوان یک باید و هنجار مهم بیان کرده‌اند. وضعیت فعلی فعالیت دانشجویان (شامل فعالیت علمی، اجتماعی و سیاسی)، بیانگر ترجیحات یا ارزش‌های رایج میان آن‌هاست. پیامدهای مثبت فعالیت‌های اجتماعی که متوجه دانشجویان است به ترتیب بیشترین فراوانی، عبارت‌اند از: تقویت مهارت و توانمندی فعالان دانشجویی، تقویت ابعاد فردی، وجودی و شخصیتی خود فعالان دانشجویی، توسعهٔ تعاملات و ارتباطات فعالان دانشجویی. مهم‌ترین پیامدهای فعالیت اجتماعی برای جامعه، کاهش آسیب‌های اجتماعی، افزایش همبستگی و امید در جامعه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رونق فعالیت‌های اجتماعی در دانشگاه‌ها معطوف به تقویت مؤلفه‌های درونی دانشگاه است.

مجموعه پیامدهای ذکر شده را هم می‌توان به‌عنوان اموری یا اتفاقاتی قلمداد کرد که پاسخگویان آن‌ها را ارزشمند تلقی می‌کنند.

انتظارات متقابل: همان‌طور که گفته شد، فعالیت علمی از نظر پاسخگویان یک فعالیت ارزشمند است. به همین دلیل معتقدند دانشجویان باید در درجهٔ اول به این‌گونه فعالیت‌ها بپردازند و به‌عبارت دیگر انتظار دارند چنین فعالیت‌هایی در دانشگاه‌ها رواج داشته باشند. از این رو فعالیت علمی هم ارزشمند است، هم امری هنجاری است و هم انتظار می‌رود مورد توجه قرار گیرد. پاسخگویان هم چنین انتظار دارند فضایی برابر و آزادانه برای همهٔ دانشجویان وجود داشته باشد تا آن‌ها بتوانند فعالیت‌های مورد علاقهٔ خود را انتخاب کنند. برای رشد و توسعهٔ فعالیت‌های اجتماعی، بیش از ۷۵ درصد پاسخگویان انتظار دارند گام‌هایی از سوی دانشگاه و حاکمیت برداشته شود تا زمینه‌های لازم برای ورود و مشارکت دانشجویان در عرصهٔ فعالیت‌های اجتماعی فراهم شود. این زمینه‌ها عمدتاً از نوع مدیریتی - ساختاری و نرم‌افزاری اند. حتی وقتی صحبت از زمینه‌های آموزشی و فرهنگی یا تغییر شرایط کلی جامعه می‌کنند باز هم مخاطب آن‌ها دانشگاه و نهادهای حاکمیتی است و انتظار دارند آن‌ها به فراهم شدن این زمینه‌ها کمک کنند. راهکارها هم بخشی از انتظارات پاسخگویان هستند؛ تقریباً همهٔ پاسخگویان انتظار دارند مشکلات موجود از طریق راهکارهای مدیریتی و ساختاری، راهکارهای آموزشی - شناختی، یا راهکارهای نرم‌افزاری حل و فصل شود. همهٔ این موارد به نحوی خارج از توان یا مقدرات خود دانشجویان است و آن‌ها چنین راهکارهایی را به‌عنوان مطالبهٔ خود از سایر بازیگران این عرصه انتظار دارند.

ضمانت‌های اجرا: اگر بخواهیم صادقانه و منصفانه قضاوت کنیم، هنوز نظام سیاسی ما به درجه‌ای از بلوغ یا میزانی از احساس نیاز به فعالیت‌های اجتماعی نرسیده است که بخواهد برای تضمین چنین فعالیت‌هایی، ضمانت اجرایی در نظر بگیرد، اما پاسخگویان در قالب راهکارهای مورد نظرشان انتظار دارند بخش‌هایی از حاکمیت، شرایطی فراهم کنند که تداوم فعالیت‌های اجتماعی تضمین شود. این انتظارات ضمانت‌گونه همان‌هایی هستند که در بخش قبل به آن‌ها اشاره شد. اگر بخواهیم آن‌ها را به زبانی ساده‌تر و متناسب‌تر با بخش اخیر بیان کنیم، می‌توان گفت: قوانین و مقرراتی برای تسهیل فعالیت‌های اجتماعی فراهم شود، فضایی امن و غیرامنیتی برای فعالان دانشجویی ایجاد شود و شرایط کلی جامعه، به‌ویژه شرایط اقتصادی بهبود پیدا کند.

۴-۶- خلاصهٔ نتایج

از بحث بالا که بگذریم، مهم‌ترین نتایج این پژوهش را می‌توان بدین شرح برشمرد:

از نظر ۲۹ درصد پاسخگویان، دانشجویان باید به فعالیت‌های علمی بپردازند، ۲۹ درصد دیگر نیز معتقدند دانشجویان باید آزاد باشند تا هر فعالیتی را که دوست دارند انتخاب کنند و فقط ۱۳ درصد اعتقاد دارند که دانشجویان باید به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند.

از نظر پاسخگویان ۳۸ درصد دانشجویان در حال حاضر به فعالیت‌های علمی، ۲۳ درصد به فعالیت‌های اجتماعی می‌پردازند و ۱۶ درصد به هیچ فعالیتی نمی‌پردازند.

به اعتقاد پاسخگویان، زمینه‌های نرم‌افزاری با ۴۰ درصد، زمینه‌های ساختاری و مدیریتی با ۳۶ درصد و زمینه‌های آموزشی با ۱۹ درصد، مهم‌ترین زمینه‌های رشد و توسعهٔ فعالیت‌های اجتماعی هستند.



بیش از ۹۰ درصد از پاسخگویان به وجود موانع مختلف اداری در مسیر فعالیت‌های اجتماعی باور دارند. بیش از ۸۰ درصد از پاسخگویان باور دارند که حاکمیت به شیوه‌ها و دلایل گوناگون در مسیر فعالیت‌های اجتماعی، مانع ایجاد می‌کند. از نظر پاسخگویان، ۴۳ درصد موانع موجود بر سر راه فعالیت‌های اجتماعی، ساختاری و مدیریتی، ۳۰ درصد نرم‌افزاری و ۱۹ درصد هم آموزشی-شناختی هستند.

اگرچه تعداد موافقان و مخالفان موفقیت دانشجویان در زمینه مبارزه با فقر و محرومیت برابر (۳۱ درصد) است، اما ۱۹ درصد معتقدند که صرف نظر از موفقیت یا عدم موفقیت دانشجویان در این زمینه، آن‌ها با انجام این‌گونه فعالیت‌ها به رشد و شکوفایی خود کمک کرده‌اند.

به اعتقاد پاسخگویان، مهم‌ترین پیامد فعالیت‌های اجتماعی برای دانشجویان، افزایش مهارت و توانمندی آن‌ها (۳۸ درصد)، برای دانشگاه، تقویت مؤلفه‌های درونی دانشگاه (۶۹ درصد)، برای حاکمیت، تقویت حاکمیت (۸۳ درصد) و برای جامعه، تقویت جنبه‌های مثبت جامعه (۷۸ درصد) است.

مهم‌ترین راهکارها به ترتیب: ساختاری و مدیریتی (۵۵ درصد)، آموزشی (۲۶ درصد) و نرم‌افزاری (۱۶ درصد) هستند. حدود ۵۰ درصد پاسخگویان معتقدند فعالیت‌های اجتماعی در آینده تقویت و ۴۳ درصد معتقدند این‌گونه فعالیت‌ها تضعیف خواهند شد.

۴-۷- بحث و نتیجه‌گیری نهایی

اگرچه تاریخچه فعالیت‌های اجتماعی به پیش از انقلاب برمی‌گردد، اما در واقع طی دو دهه اخیر شکل گرفته‌اند. وقتی از شکل‌گیری صحبت می‌کنیم منظورمان تأسیس تشکل‌های دانشجویی و سازماندهی فعالیت‌های اجتماعی در قالب تشکل‌های مذکور است. حاکمیت تمایل دارد بخشی از محرومیت‌های جامعه را به واسطه نیروی عظیم دانشجویی برطرف کند. راه‌اندازی اردوهای جهادی و سفر دانشجویان به مناطق محروم کشور برای رسیدگی به امور محرومان، نشانه‌ای بارز از این تمایل است که در عمل محقق شده است. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که حاکمیت مایل است جمعیت متکثر دانشجویی را در قالب تشکل‌هایی محدود از قبیل بسیج دانشجویی سازماندهی کند، اما منطقاً چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و برای پاسخگویی به تنوع علایق و سلیق دانشجویان باید فضاها و امکانات متعدد را فراهم کرد.

پژوهش حاضر در پی آن بوده تا بخشی از ابهام‌های موجود در این زمینه را روشن کند؛ زمینه‌های مؤثر بر شکل‌گیری فعالیت اجتماعی و موانع پیش رو را شناسایی کند، پیامدهای این‌گونه فعالیت‌ها را بر طیف زیادی از ذینفعان آن اعم از دانشجویان، دانشگاه، جامعه و حاکمیت مشخص کند و راهکارهای عملی برای حل مشکلات موجود در حوزه فعالیت‌های را از زبان افراد دخیل در این حوزه بشنود و بشناسد.

اگرچه دانشجویان تمایل زیادی برای حضور، مشارکت و فعالیت در عرصه فعالیت‌های اجتماعی دارند اما به طور مستقیم یا غیرمستقیم از این‌که از سوی دانشگاه و نهادهای حاکمیتی مورد کم‌توجهی قرار می‌گیرند، یا در مسیر فعالیت‌های آن‌ها موانعی ایجاد می‌شود، ناخرسندند. یافته‌ها حاکی از آن است که فعالیت سیاسی کماکان یکی از فعالیت‌های جذاب برای دانشجویان است و چنانچه فعالیت‌های سیاسی محدود شوند، دانشجویان به سایر فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های اجتماعی روی می‌آورند. چنین اوجاجی در مسیر فعالیت‌های دانشجویی موجب کاهش اصالت فعالیت‌های اجتماعی می‌شود. در راستای حل چنین مشکلی، پاسخگویان معتقدند باید زمینه آزاد و برابر برای همه دانشجویان فراهم شود تا هرکسی به فعالیت مورد علاقه خود بپردازد.

اکثریت پاسخگویان بر وجود موانع اداری، حاکمیتی و مدیریتی اذعان دارند. برای داشتن فعالیت‌های اجتماعی گسترده و امید به رفع



مشکلات و رفع فقر و محرومیت از جامعه باید موانع موجود را رفع کرد. در غیر این صورت، انرژی متراکم دانشجویی هدر خواهد رفت و دانشجویان برای ادامه مسیری که بتوانند اهداف و آمال خود را دنبال کنند سر از کشورهای خارجی در خواهند آورد و مهاجرت می‌کنند. در آسیب‌شناسی این وضعیت، برخی از پژوهشگران بر وجود زمینه‌های مهاجرت به عنوان یکی از موانع جدی فعالیت‌های اجتماعی اشاره کرده‌اند.

فعالیت‌های اجتماعی پیامدهای متعددی دارد و گروه‌های ذینفع را متأثر می‌کند. اکثریت پاسخگویان بر پیامدهای مثبت فعالیت دانشجویی برای دانشجویان، دانشگاه، حاکمیت و جامعه تأکید کرده‌اند و معتقدند فعالیت دانشجویی اگر هیچ تأثیر مثبتی هم بر رفع فقر و محرومیت نداشته باشد، دست‌کم موجب توانمندی و خودشکوفایی دانشجویان خواهد شد و در واقع فعالیت‌های اجتماعی تمرینی برای ورود به زندگی واقعی و کسب مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی است. اگر حاکمیت می‌خواهد نسلی توانمند را با کم‌ترین هزینه پرورش دهد لازم است بستر فعالیت‌های اجتماعی را به‌طور جدی تقویت کند و موانع آن را برطرف کند؛ زیرا از نظر پاسخگویان، فعالیت‌های اجتماعی تقریباً هیچ پیامد نگران‌کننده‌ای برای حاکمیت ندارد و نگرانی‌های امنیتی هم جایگاه قابل‌اعتنایی در ذهن پاسخگویان ندارد.

در خلال پاسخ‌ها تعداد اندکی به وضعیت کلی جامعه به عنوان یک مانع و لزوم تغییر آن به عنوان یک راهکار اشاره کرده‌اند؛ ولی توضیحات بعدی نشان می‌دهد این گروه، جامعه را به عنوان یک کلیت در نظر می‌گیرند و مادام که چشم‌انداز آینده کشور به‌ویژه وضعیت اقتصادی آن امیدوارکننده نباشد، نباید امید چندانی به مشارکت گسترده دانشجویان در فعالیت دانشجویی به‌طور عام و فعالیت‌های اجتماعی به‌طور خاص داشت. اگرچه تعداد افرادی که بر لزوم تغییر وضعیت کلی جامعه برای رونق فعالیت اجتماعی باور دارند اندک است، اما تقریباً نیمی از پاسخگویان، دورنما و چشم‌انداز فعالیت‌های اجتماعی را امیدوارکننده نمی‌دانند که این یک زنگ خطر است!

۴-۸- راهکارها

به دلیل اهمیت راهکارها برای حل مشکلات موجود در مسیر فعالیت‌های اجتماعی، یک بار دیگر مهم‌ترین راهکارهای ارائه شده توسط پاسخگویان را در اینجا ذکر می‌کنیم تا مورد توجه بیش‌تر مدیران، مسئولان و برنامه‌ریزان قرار گیرد و در ادامه برخی از راهکارهای تفصیلی‌تر که حاصل استنباط و تأمل و تعامل نگارنده با یافته‌های پژوهش است، بیان خواهد شد:

الف) راهکارهای ساختاری و مدیریتی: تخصیص بودجه و امکانات، ارتباط با محیط بیرون از دانشگاه و مردم به منظور آشنایی با مشکلات، در نظر گرفتن امتیاز برای فعالیت‌های اجتماعی، رفع موانع اداری، اصلاح قوانین و مقررات، استقلال دانشگاه‌ها، سپردن کار به افراد متخصص و غیرسیاسی، تقسیم عادلانه بودجه‌ها، انعکاس مشکلات مردم، برقراری گفت‌وگو میان دانشگاه و حاکمیت، تقویت حوزه عمومی در دانشگاه (۵۵ درصد).

ب) راهکارهای آموزشی: آموزش دانشجویان و فعالان تشکلهای فرهنگ‌سازی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی، امتیازدهی به فعالیت‌های اجتماعی و تقدیر از فعالان تشکلهای اجتماعی، برگزاری جشنواره برای معرفی دانشجویان فعال، نفی درس محوری، تشویق مطالبه‌گری دانشجویان، تشویق کنشگری دانشجویان، نقش‌دهی به دانشجویان، تعریف فعالیت‌های اجتماعی (۲۶ درصد).

ج) راهکارهای نرم‌افزاری: تغییر نگاه مسئولان به فعالیت‌های اجتماعی و پذیرش این‌گونه فعالیت‌ها، اعتماد به دانشجویان، تغییر نگرش خانواده‌ها، توجه مسئولان به فعالیت‌های اجتماعی، داشتن امید، اعتماد دانشجویان به دانشگاه و نفی نگاه امنیتی (۱۶ درصد).

د) لزوم تغییر شرایط کلی جامعه؛ (۳ درصد).

علاوه بر موارد بالا، در خلال مصاحبه‌ها و مطالعات صورت گرفته، متوجه نواقص دیگری در این عرصه شده‌ایم که پیشنهاد برای رفع آن‌ها می‌تواند به توسعه فعالیت‌های اجتماعی کمک کند:

- فعالان تشکلهای اجتماعی فاقد تشکل عام یا اتحادیه هستند. شکل‌گیری این تشکل می‌تواند محملی برای ارتباط و



تبادل اطلاعات و تجارب بیشتر فعالان این عرصه شود.

- همان طور که پیش تر اشاره شد، فعالیت های اجتماعی، در مقایسه با سایر فعالیت های دانشجویی، فعالیت های جدید و نوظهور هستند. ترویج و توسعه این گونه فعالیت ها با توجه به خدماتی بودن آن ها و نیز تنوع خدمات گیرندگان و در نتیجه تخصصی بودن این گونه فعالیت ها نیازمند تولید و تدوین متون آموزشی تخصصی است.
- به دلیل حساسیت های بسیار زیاد حوزه فعالیت های اجتماعی، ورود به این عرصه باید مستلزم گذراندن دوره های آموزشی تخصصی باشد.
- فعالان این عرصه نشریه ای تخصصی برای ثبت و مستندسازی و انتقال تجارب خود ندارند. وجود نشریات تخصصی و ترویجی می تواند نواقص موجود در این زمینه را تا حد زیادی برطرف کند.
- استفاده از تجارب دانشجویان کشورهای خارجی و ارتباط و تعامل با آن ها می تواند دریچه های جدیدی در زمینه های فعالیت های اجتماعی ایجاد کند.
- دانشجویان، نیازمند احترام، اعتماد و توجه هستند. با رعایت همین سه نکته ساده می توانند مشکلات بسیار زیادی از کشور را حل کنند.
- تشکل های دانشجویی فقط در صورت گسترده بودن می توانند اثرگذار باشند، زیرا علاوه بر کمک به محرومان می توانند راهکارهایی برای قطع وابستگی آن ها نیز پیدا کنند. تشکل های کوچک و مینیاتوری فقط به عطش نیازمندان برای کمک گرفتن بیشتر دامن می زنند.
- دانشگاه باید عرصه ای برابر برای همه فعالیت ها به ویژه فعالیت سیاسی فراهم کند، در غیر این صورت، فعالیت اجتماعی، تبدیل به فعالیتی غیر اصیل و سیاسی خواهد شد.
- دانشجویان باید حق و فرصت داشته باشند تا علاوه بر کمک به محرومان، به ریشه یابی فقر و محرومیت هم بپردازند تا دولت و حاکمیت عادت نکنند وظایف ذاتی خود را بردوش دانشجویان قرار دهند.
- ریشه یابی دلایل برخی از اظهارنظرها و یافته ها مستلزم انجام پژوهش های مستقل دیگری است چون پژوهش حاضر، نمی تواند به برخی از سوالات از قبیل این که چرا فعالیت اجتماعی دانشجویان یک فعالیت اصیل نیست و یا چرا به رغم کشمکش های چند دهه اخیر دانشجویان و حاکمیت، دانشجویان کماکان کوتاهی ها در زمینه فعالیت های اجتماعی را متوجه حاکمیت می دانند، پاسخ دهد.

پیوست‌ها



پیوست شماره ۱: مصاحبه‌نامه فعالان تشکل‌های اجتماعی

مصاحبه‌نامه طرح فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان

(فعالان تشکل‌های دانشجویی) ویراست نهم: ۹۹,۶,۲۵

نام..... نام خانوادگی..... متولد سال..... (.....سال)
آخرین مدرک تحصیلی..... سال‌های فعالیت دانشجویی از..... تا..... در
مقطع تحصیلی..... در دانشگاه..... رشته تحصیلی..... فعال در تشکل دانشجویی
.....
نام تشکلی که هم‌اکنون در آن فعالیت دارید؟..... سال تاسیس:.....
سمت:..... از سال..... تا سال.....

- ۱- به نظر شما به ترتیب اولویت، مهم‌ترین زمینه‌هایی که دانشجویان باید در آن‌ها فعالیت داشته باشند، کدام است؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟
- ۲- در حال حاضر ما چه می‌بینیم؟ دانشجویان بیشتر در کدام یک از زمینه‌های پیش‌گفته، فعالیت دارند؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟
- ۳- به نظر شما چه زمینه‌هایی باید فراهم باشد تا دانشجویان به فعالیت اجتماعی بپردازند؟
- ۴- موانع اداری، بوروکراتیک و ساختاری برای انجام فعالیت‌های اجتماعی کدام‌اند و چه تأثیری بر کاهش تمایل دانشجویان به فعالیت‌های اجتماعی دارند؟
- ۵- به نظر شما حاکمیت در ارتباط با فعالیت اجتماعی دانشجویان، نقش مشوق را ایفا می‌کند یا مانع‌تراشی می‌کند؟ چرا؟
- ۶- در مجموع، موانع فعالیت اجتماعی دانشجویان در این زمینه چیست؟
- ۷- با در نظر گرفتن همه جوانب، مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی به ویژه برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت در جامعه تا چه اندازه موفق یا ناموفق بوده است؟
- ۸- مشارکت در زمینه فعالیت‌های اجتماعی چه پیامدهایی (مثبت یا منفی) برای دانشجویان، دانشگاه، حاکمیت و جامعه دارد؟
- ۹- برای بهبود و پیشرفت فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان چه پیشنهاداتی دارید؟
- ۱۰- چشم‌انداز فعالیت‌های اجتماعی را از نظر کمی و کیفی چگونه می‌بینید؟ گسترش می‌یابد؟ کمتر می‌شود یا فرقی نمی‌کند؟



پیوست شماره ۲: مصاحبه نامه پژوهشگران و صاحب نظران

مصاحبه نامه طرح فعالیت های اجتماعی دانشجویان (پژوهشگران و صاحب نظران)

مقدمه

فعالیت های اجتماعی دانشجویان پیشینه چندان زیادی در ایران ندارد و در آغاز راه پرفرازونشیب خود قرار دارد. از سوی دیگر جامعه ایران با مشکلات اجتماعی گسترده ای دست به گریبان است که استفاده از پتانسیل های دانشجویی می تواند برخی از مشکلات مذکور را کاهش دهد یا برطرف کند. با توجه شناخت محدود ما از پیچیدگی های عرصه فعالیت های اجتماعی دانشجویان در ایران، پژوهش حاضر به منظور مطالعه این فعالیت های و دست یابی به شناختی جدید در این زمینه تعریف شده است. در این راستا زمینه های شکل گیری، موانع پیش رو و راهکارهای توسعه این گونه فعالیت ها با روش مطالعات اسنادی و میدانی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. بدین منظور از طریق تکنیک مصاحبه، به سه گروه از افراد مراجعه می شود: پژوهشگران و صاحب نظران در زمینه فعالیت های دانشجویی؛ مسئولان و متصدیان امور دانشجویی یا کسانی که در دوره مسئولیت خود در دانشگاه، عهده دار وظایفی در حوزه دانشجویی بوده اند؛ و نهایتاً خود دانشجویانی که به عنوان عضو فعال در یکی از تشکل های دانشجویی در زمینه موضوعات اجتماعی فعالیت داشته اند. حضرتعالی در شورای راهبردی پروژه، به عنوان یکی از نمایندگان گروه اول برای انجام مصاحبه انتخاب شده اید؛ بنابراین تقاضا می شود فرصتی را برای این مصاحبه اختصاص دهید تا در زمینه پرسش های زیر درباره فعالیت های اجتماعی دانشجویان با هم گفت و گویی داشته باشیم. با توجه به شرایط کرونایی با تمایل جنابعالی این مصاحبه می تواند به طور غیرحضوری (در واتساپ و یا...) صورت گیرد.

با سپاس فراوان
جهاد دانشگاهی

پرسش‌ها

مهم‌ترین آثار پژوهشی یا مطالعاتی در زمینه فعالیت‌های دانشجویی (اعم از مقاله یا کتاب):

۱.
۲.
۳.

۴. به نظر شما مهم‌ترین زمینه‌ای که دانشجویان باید در آن فعالیت داشته باشند، کدام است؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟

۵. در حال حاضر دانشجویان بیشتر در کدام یک از زمینه‌های پیش‌گفته، فعالیت دارند؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟

۶. به نظر شما چه زمینه‌هایی باید فراهم باشد تا دانشجویان به فعالیت اجتماعی بپردازند؟

۷. موانع اداری، بوروکراتیک و ساختاری برای انجام فعالیت‌های اجتماعی کدام‌اند و چه تأثیری بر کاهش تمایل دانشجویان به فعالیت‌های اجتماعی دارند؟

۸. به نظر شما حاکمیت در ارتباط با فعالیت اجتماعی دانشجویان، نقش مشوق را ایفا می‌کند یا مانع‌تراشی می‌کند؟ چرا؟

۹. در مجموع، موانع فعالیت اجتماعی دانشجویان در این زمینه چیست؟

۱۰. با در نظر گرفتن همه جوانب، مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت در جامعه تا چه اندازه موفق یا ناموفق بوده است؟

۱۱. مشارکت در زمینه فعالیت‌های اجتماعی چه پیامدهایی (مثبت یا منفی) برای دانشجویان، دانشگاه، حاکمیت و جامعه دارد؟

۱۲. اگر بخواهید بر اساس مطالعات، تعاملات یا پژوهش‌هایی که در زمینه فعالیت‌های دانشجویی داشته‌اید به دانشجویان نسل فعلی و نسل‌های آینده برای فعالیت بهتر دانشجویی در حوزه اجتماعی توصیه‌ای داشته باشید، آن توصیه (ها) چیست؟

۱۳. چشم‌انداز فعالیت‌های اجتماعی را چگونه می‌بینید؟ گسترش می‌یابد؟ کمتر می‌شود یا فرقی نمی‌کند؟



پیوست شماره ۳: مصاحبه نامه مسئولان و مدیران

مصاحبه نامه طرح فعالیت های اجتماعی دانشجویان (نسخه مسئولان)

مقدمه

فعالیت های اجتماعی دانشجویان پیشینه چندان زیادی در ایران ندارد و در آغاز راه پرفرازونشیب خود قرار دارد. از سوی دیگر جامعه ایران با مشکلات اجتماعی گسترده ای دست به گریبان است که استفاده از پتانسیل های دانشجویی می تواند برخی از مشکلات مذکور را کاهش دهد یا برطرف کند. با توجه شناخت محدود ما از پیچیدگی های عرصه فعالیت های اجتماعی دانشجویان در ایران، پژوهش حاضر به منظور مطالعه این فعالیت های و دست یابی به شناختی جدید در این زمینه تعریف شده است. در این راستا زمینه های شکل گیری، موانع پیش رو و راهکارهای توسعه این گونه فعالیت ها با روش مطالعات اسنادی و میدانی مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. بدین منظور از طریق تکنیک مصاحبه، به سه گروه از افراد مراجعه می شود: پژوهشگران و صاحب نظران در زمینه فعالیت های دانشجویی؛ مسئولان و متصدیان امور دانشجویی یا کسانی که در دوره مسئولیت خود در دانشگاه، عهده دار وظایفی در حوزه دانشجویی بوده اند؛ و نهایتاً خود دانشجویانی که به عنوان عضو فعال در یکی از تشکل های دانشجویی در زمینه موضوعات اجتماعی فعالیت داشته اند. حضرتعالی در شورای راهبردی پروژه، به عنوان یکی از نمایندگان گروه دوم برای انجام مصاحبه انتخاب شده اید؛ بنابراین تقاضا می شود فرصتی را برای این مصاحبه اختصاص دهید تا در زمینه پرسش های زیر درباره فعالیت های اجتماعی دانشجویان با هم گفت و گویی داشته باشیم. با توجه به شرایط کرونایی با تمایل جنابعالی این مصاحبه می تواند به طور غیرحضوری (در واتساپ و یا...) صورت گیرد.

با سپاس فراوان
جهاد دانشگاهی

پرسش‌ها

۱. به نظر شما مهم‌ترین زمینه‌ای که دانشجویان باید در آن فعالیت داشته باشند، کدام است؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟
۲. در حال حاضر دانشجویان بیش‌تر در کدام یک از زمینه‌های پیش‌گفته، فعالیت دارند؟ (علمی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، صنفی)؟ چرا؟
۳. به نظر شما چه زمینه‌هایی باید فراهم باشد تا دانشجویان به فعالیت اجتماعی بپردازند؟
۴. موانع فعالیت اجتماعی دانشجویان (اعم از موانع اداری، ساختاری و حاکمیتی) برای انجام فعالیت‌های اجتماعی کدام‌اند و چه تأثیری بر کاهش تمایل دانشجویان به فعالیت‌های اجتماعی دارند؟
۵. با در نظر گرفتن همه جوانب، مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های اجتماعی به‌ویژه برقراری عدالت و رفع فقر و محرومیت در جامعه تا چه اندازه موفق یا ناموفق بوده است؟
۶. مشارکت در زمینه فعالیت‌های اجتماعی چه پیامدهایی (مثبت یا منفی) برای دانشجویان، دانشگاه، حاکمیت و جامعه دارد؟
۷. الان اگر بخواهید بر اساس تجارب اجرایی‌تان و شناختی که از حوزه فعالیت‌هایی دانشجویی دارید به دانشجویان نسل فعلی و نسل‌های آینده برای فعالیت بهتر دانشجویی در حوزه اجتماعی توصیه‌ای داشته باشید، آن توصیه (ها) چیست؟
۸. چشم‌انداز فعالیت‌های اجتماعی را چگونه می‌بینید؟ گسترش می‌یابد؟ کمتر می‌شود یا فرقی نمی‌کند؟



پیوست شماره ۴: فهرست مصاحبه شوندگان

فهرست مصاحبه شوندگان

ردیف	نام مصاحبه شونده	نام تشکل / کانون	سمت
۱	سید محمد مهدی خشوعی	کانون فرهنگی خیریه دانشگاه علامه طباطبایی	عضو هیئت مؤسس
۲	فاطمه حسین زاده	کانون خیریه مهریار دانشگاه علوم پزشکی تهران	دبیر
۳	نیلوفر آرائی هوشمند	خیریه دانشجویی معین دانشگاه شاهد (عضو سابق انجمن اسلامی دانشجویان مستقل)	دبیر
۴	مریم مرادی فر	کانون خیریه ترنم محبت دانشگاه مشهد و علوم پزشکی مشهد	دبیر
۵	زهرارحیمی	جمعیت امداد دانشجویی امام علی (ع)	مدیرعامل
۶	سجاد سهیلی	انجمن خیریه یاس دانشگاه علوم پزشکی مشهد (عضو سابق بسیج و جامعه اسلامی)	دبیر
۷	محمد سعید چیت ساز اصفهانی	انجمن امداد دانشجویی - مردمی ایما دانشگاه اصفهان	دبیر
۸	محسن سلیمانی جای	جمعیت خیریه صبح امید (دانشگاه تهران و شریف)	دبیر
۹	حسین وحدت پرست	خیریه دانشجویی باران، دانشگاه سجاد مشهد	عضو شورای مرکزی
۱۰	محمد صالح مفتاح	جنبش عدالت خواه دانشجویی	عضو اسبق شورای مرکزی
۱۱	مهندس عباس عبدی	پژوهشگر و فعال سابق دانشجویی	صاحب نظر در حوزه موضوعات دانشجویی
۱۲	مهسان احمدی	خیریه دانشجویی التیام	دبیر روابط عمومی
۱۳	سید سجاد سجادی	جنبش عدالت خواه دانشجویی	عضو شورای مرکزی
۱۴	صادق مفرد	بسیج دانشجویی	معاون کل جهادی سازمان بسیج دانشجویی
۱۵	نرجس فاضل زاده	کانون آفتاب دانشگاه شیراز	دبیر
۱۶	محمد اکبری	کانون مهرورزی cpr دانشگاه سیستان و بلوچستان	دبیر
۱۷	سید محمد حسین عربی	انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه رازی کرمانشاه	دبیر
۱۸	معین رضا علیزاده	کانون خیریه دانشگاه نوشیروانی بابل	دبیر
۱۹	احسان طاهری	کانون خیریه مهرانه دانشگاه تبریز	دبیر
۲۰	دکتر عباس کاظمی	عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم	جامعه شناس / پژوهشگر
۲۱	دکتر سید ضیاء هاشمی	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	معاون فرهنگی سابق وزارت علوم و تحقیقات و فناوری
۲۲	دکتر مجتبی صدیقی	عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی امیرکبیر	معاون دانشجویی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری
۲۳	پارسا دین دار	کانون همیاران سلامت دانشگاه بوعلی سینا همدان	دبیر
۲۴	دکتر مرتضی منطقی	عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی	پژوهشگر و روان شناس
۲۵	دکتر محمد باقر خرمشاد	عضو هیئت علمی دانشگاه علامه	معاون فرهنگی سابق وزارت علوم و تحقیقات و فناوری
۲۶	دکتر جمال رحیمیان	عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی	معاون فرهنگی سازمان جهاد دانشگاهی تهران
۲۷	دکتر محمد جعفر کبیری	معاون رفاه وزارت تعاون، کار و رفاه	فعال دانشجویی سابق، اقتصاددان
۲۸	دکتر محمد فاضلی	عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی	پژوهشگر و جامعه شناس
۲۹	دکتر محمد حسین مطهری	دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی	مسئول کمیسیون دانشجویی
۳۰	مهدی عباسی	عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی	رئیس سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی
۳۱	دکتر حمید رضا جلالی پور	عضو هیئت علمی دانشگاه تهران	پژوهشگر و جامعه شناس

پیوست شماره ۵: فهرست مصاحبه‌ها

*از مصاحبه‌های زیر در بخش پیشنهاد، جهت تکمیل توضیحات برخی از تشکل‌ها استفاده شده است.

۱. آرانی هوشمند، نیلوفر. (۱۳۹۹). مصاحبه‌کننده: اصغر احمدی. (۱۳۹۹/۰۶/۰۲)
۲. اکبری، محمد. (۱۳۹۹). مصاحبه‌کننده: اصغر احمدی. تاریخ مصاحبه: (۱۳۹۹/۰۶/۲۵)
۳. چیت‌ساز اصفهانی، محمد سعید. (۱۳۹۹). مصاحبه‌کننده: اصغر احمدی. تاریخ مصاحبه: (۱۳۹۹/۰۶/۱۲)
۴. خشوعی اصفهانی، سید محمد مهدی. (۱۳۹۹). مصاحبه‌کننده: اصغر احمدی. (۱۳۹۹/۰۵/۲۹)
۵. رضا علیزاده، معین. (۱۳۹۹). مصاحبه‌کننده: اصغر احمدی. تاریخ مصاحبه: (۱۳۹۹/۰۷/۱۲)
۶. سهیلی، سجاد. (۱۳۹۹). مصاحبه‌کننده: اصغر احمدی. تاریخ مصاحبه: (۱۳۹۹/۰۶/۱۱)
۷. طاهری، احسان. (۱۳۹۹). مصاحبه‌کننده: اصغر احمدی. تاریخ مصاحبه: (۱۳۹۹/۰۷/۲۳)
۸. فاضل‌زاده، نرجس. (۱۳۹۹). مصاحبه‌کننده: اصغر احمدی. تاریخ مصاحبه: (۱۳۹۹/۰۷/۰۵)
۹. مرادی فر، مریم. (۱۳۹۹). مصاحبه‌کننده: اصغر احمدی. تاریخ مصاحبه: (۱۳۹۹/۰۶/۱۰)



منابع

- آبراهامیان، یراوند. (۱۳۸۹). ایران بین دو انقلاب. ترجمه: ابراهیم فتاحی، محمد و گل محمدی، احمد. تهران: نشر نی، چاپ شانزدهم.
- ثقفی، علیرضا. (۱۳۹۲). تاریخچه و فراز و فرودهای جنبش دانشجویی در ایران. بازمبلی شده از رادیو زمانه، دسترسی در: <https://www.tribunezamaneh.com/archives/37983>.
- جنادله، علی. (۱۳۹۶). نشست تغییرات سبک زندگی و خلیات جوانان. موسسه رحمان. ۱۳۹۶/۱۱/۰۲.
- خبرگزاری دانشجو. (۱۳۹۷/۰۲/۲۷). دسترسی در: <https://snn.ir/002sLL>.
- خبرگزاری ایکننا. (۱۳۹۸/۰۹/۱۰). دسترسی در: <https://iqna.ir/fa/news/3860828>.
- رمضان پورکروجی، الهه. (۱۳۹۱). لشکر مخلص خدا از آرمان تا عمل. دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریاضی، ابوالحسن. (۱۳۸۹). بازخوانی یک تجربه؛ شکل‌گیری نهادهای دانشجویی جدید. کتاب تشکل‌های دانشجویی، به اهتمام محمدجواد جاوید. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عباس‌زاده، محمد. (۱۳۹۱). "تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی". مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره اول، بهار ۱۳۹۱.
- سایت دانشگاه علم و صنعت. دسترسی در: http://www.iust.ac.ir/page_arch.php?slc_pg_id=5583&sid=37&slc_lang=fa.
- سایت موسسه خیریه صبح امید. دسترسی در: www.sobheomid.ir.
- سایت جمعیت امداد دانشجویی امام علی (ع). دسترسی در: www.sosapoverty.org.
- سایت کانون یاریگران دانشگاه شریف. دسترسی در: www.yarigaran.sharif.ir.
- سایت موسسه خیری التیام. دسترسی در: eltiam-charity.ir.
- سایت دانشگاه اصفهان. لینک دسترسی: http://www.ui.ac.ir/Dorsapax/Data/Sub_21/File/%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D8%B3%D9%86%D8%A7%D9%85%D9%87%20%D8%AE%D9%8A%D8%B1%D9%8A%D9%87.pdf
- سایت گروه دانشجویی باران. دسترسی در: www.barang.ir.
- سایت کانون خیریه دانشجویی CPR مهرورزی. دسترسی در: www.cprmehrvarzi.ir.
- سایت باشگاه خبرنگاران جوان. (۱۳۹۸/۰۶/۰۱). دسترسی در: <https://www.yjc.ir/00TYq5>.
- سایت رجانیوز. (۱۳۹۶/۰۶/۱۹). دسترسی در: <http://rajanews.com/node/276298>.
- ضیا ظریفی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، نگاهی دیگر به پیشینه مبارزات دانشجویی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۲). تهران، نشر شیرازه.
- عبدی، عباس. (۱۳۹۳). جنبش دانشجویی پلی تکنیک تهران (دانشگاه امیرکبیر) ۱۳۳۸-۱۳۵۷. تهران: نشر نی
- گزارش بررسی وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در سال ۱۳۸۴. معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان. منتشر شده در سال ۱۳۸۵.
- میثمی، لطف‌الله. (۱۳۷۹). از نهضت آزادی تا مجاهدین. تهران: صمدیه.
- وبر، مارکس. (۱۳۸۲). روش‌شناسی علوم اجتماعی. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران، نشر مرکز.

موانع و الزامات فعالیت‌های اجتماعی دانشجویان در حوزه خیریه و رفاهی

رفاه و سیاست اجتماعی - ۶

کد گزارش: ۱۶۴ - مسلسل: ۱۴۰۱۲

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

